



مجموعه سخنرانی‌های سومین همایش بین‌المللی نهادهای آلوده‌زمانی

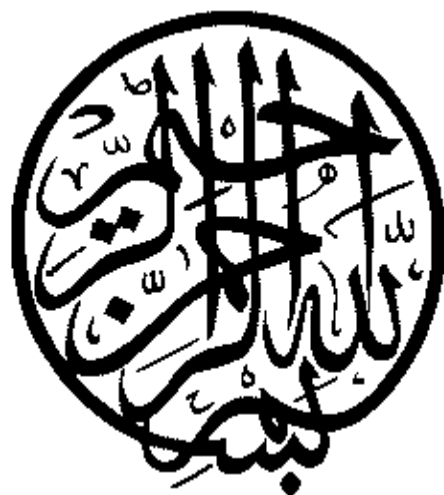
۱۶-۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵

آنکارا- ترکیه

مترجمان:

آیت باقری و محمود مهدوی‌فر

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد





مجموعه سخنرانی‌های

سومین همایش بین‌المللی نهادهای آموذزمانی

۱۶-۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵

آنکارا- ترکیه

مترجمان:

آیت باقری و محمود مهدوی فر

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

بهار ۱۳۹۶

سرشناسه

همایش بین‌المللی نهادهای آمبودزمنی (سومین : ۲۰۱۵م. = ۱۳۹۴ : آنکارا

: ۳۰۱۵ : ۳th) International Conference of Ombudsmen Institutions (Ankara

مجموعه سخنرانی‌های سومین همایش بین‌المللی نهادهای آمبودزمنی/ مترجمان آیت باقری، محمود مهدوی‌فر [برای] قوه قضائیه، سازمان بازرسی کل کشور، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد.

عنوان و نام پدیدآور

: تهران: نشر علوم اجتماعی، ۱۳۹۶.

مشخصات نشر

: ۱۵۷ ص. مصور.

مشخصات ظاهری

: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۳۱-۳-۶

شابک

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

: عنوان اصلی international symposium on ombudsman institutions

یادداشت

: آمبودزمن -- کنگره‌ها

موضوع

Ombudspersons -- Congresses

موضوع

: باقری، آیت، ۱۳۵۸ - مترجم

شناسه افزوده

: مهدوی‌فر، محمود، ۱۳۵۴ - مترجم

شناسه افزوده

: سازمان بازرسی کل کشور

شناسه افزوده

: سازمان بازرسی کل کشور. مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

شناسه افزوده

: ۱۳۹۴ / ۱۵۲۵ / ۸۵۸

رده بندی کنگره

: ۳۵۳/۸۸

رده بندی دیویی

: شماره کتابشناسی ملی ۴۷۰۸۹۳۳

مجموعه سخنرانی‌های سومین همایش بین‌المللی نهادهای آمبودزمنی

♦ مترجمان: آیت باقری، محمود مهدوی‌فر

♦ صفحه‌آرا: سید مهدی تقوی

♦ تیراژ: ۳۰۰ نسخه

♦ چاپ اول: ۱۳۹۶

♦ قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

تهران - خیابان طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور

نشانی نشر: تهران، میدان انقلاب، ابتدای جمالزاده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۵،

واحد ۵، تلفن: ۴-۶۶۹۰۳۰۴۳

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد.

هرگونه انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیرمجاز است.

فهرست مطالب

مقدمه ----- ۷

سخنرانی‌های روز افتتاحیه ۱۱

- آقای نیهات عمر اوغلو (رییس آمبودزمان ترکیه) ----- ۱۳
- کمال مالچورتا (نماینده مقیم برنامه توسعه سازمان ملل در ترکیه) ----- ۱۹
- لارس واح لوند (سفیر سوئد) ----- ۲۳
- عصمت یلماز (رییس مجلس ملی کبیر ترکیه) ----- ۲۵
- رجب طیب اردوغان (رییس‌جمهور ترکیه) ----- ۳۱
- جلسه ۱ آمبودزمان و حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر ----- ۴۱
- پروفسور زهرا ادیاکماز (رییس جلسه / رییس دانشکده حقوق دانشگاه مولانا) ----- ۴۳
- خانم کالیوپ اسپانو (آمبودزمان کشور یونان) ----- ۴۷
- جوریس جانسون (آمبودزمان لتونی) ----- ۵۳
- پرسش و پاسخ - جلسه اول ----- ۶۲
- جلسه ۲ ساختار نظام‌های ملی حقوق بشر و نقش آمبودزمان: مطالعه موردی کشورهای مختلف - ۷۳
- رئوف انگین سویسال (مشاور وزارت امور اتحادیه اروپا / سفیر ترکیه در اتحادیه اروپا) --- ۷۵
- عبدالعزیز بن ذکور (آمبودزمان مراکش) ----- ۷۵
- لورا ویدویچ (آمبودزمان کرواسی) ----- ۸۵

سیریا راشیو (مدیر مرکز حقوق بشر فنلاند)-----۹۳

پرسش و پاسخ - جلسه دوم-----۱۰۳

سخنرانی‌های روز دوم..... ۱۱۳

والریا لوتکوفسکا (مجلس اوکراین)-----۱۱۵

پیتر تیندال (آمبودزمان ایرلند)-----۱۱۹

قاضی ناصر سراج (رییس سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران)-----۱۲۷

پرسش و پاسخ - جلسه سوم-----۱۴۱

مقدمه

سومین همایش بین‌المللی نقش نهادهای آمبودزمانی در راستای دو همایش قبلی که در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و با همکاری دفتر توسعه ملل متحد برگزار شده بود، به‌عنوان تداوم رویدادهای بین‌المللی از سوی آمبودزمان ترکیه مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گرفت. اهداف غایی همایش، ایجاد بستری برای بحث و بررسی در خصوص بهترین رویه‌ها و فراگیری آموزه‌ها برای اقدامات مؤثر و کارآمد نهادهای آمبودزمانی در راستای استانداردهای بین‌المللی و تجربیات اروپا است.

اهداف ویژه همایش بین‌المللی ترکیه عبارت بودند از؛

۱. مساعدت در خصوص اصلاح رویه‌ها در ترکیه برای ارتقا و حمایت از حقوق

بشر از طریق دانش و تجارب بین‌المللی؛

۲. ایجاد شرایطی برای تبادل دانش و تجربه‌های متقابل میان کشورهای مختلف

که بهترین رویه‌ها و فراگیری آموزه‌ها را در زمینه اقدامات مؤثر نهادهای

آمبودزمانی به بحث و بررسی خواهند گذاشت و عناصر اصلی را مورد

بازشناسی قرار خواهند داد؛

۳. ارائه توصیه‌هایی برای اقدامات مؤثر آمبودزمان در ترکیه در راستای

استانداردهای بین‌المللی.

شرکت‌کنندگان در همایش عبارت بودند از:

- آمبودزمان‌های اروپایی (اعضا اتحادیه اروپا و کشورهای داوطلب)
- نمایندگان شبکه‌های آمبودزمانی شامل شبکه‌های اروپایی، مدیترانه و شبکه‌های بین‌المللی آمبودزمانی
- سازمان‌های بین‌المللی شامل دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر و شورای اروپایی اتحادیه اروپا
- ارکان دستگاه‌های ملی حقوق بشری در ترکیه (پارلمان، وزارت دادگستری،

موسسه ملی حقوق بشر)

• رییس و نمایندگان سطوح عالی در ترکیه

• سازمان‌های جوامع مدنی

• نمایندگی‌های مقیم سیاسی ترکیه

رییس سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران به دعوت رسمی ریاست آمبودزمان جمهوری ترکیه آقای مهمت نیهات عمر اوغلو در سومین همایش بین‌المللی نقش نهادهای آمبودزمانی که از تاریخ ۲۵ لغایت ۲۶ شهریور ۱۳۹۴ (۱۶ لغایت ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵)، در آنکارا برگزار شد، شرکت نمود. این نشست با حضور رؤسا و نمایندگان آمبودزمانی ۲۶ کشور در شهر آنکارا برگزار شد. آقای عمر اغلو رییس آمبودزمان جمهوری ترکیه در متن دعوت از آقای ناصر سراج رییس سازمان بازرسی کل کشور بیان داشت که انتظار می‌رود این همایش ارتقای همکاری میان نهادهای آمبودزمانی را فراهم آورد. او برگزاری این همایش را پروژه‌ای خواند که باهدف تقویت ظرفیت آمبودزمان ترکیه و با حمایت‌های مالی آژانس همکاری و توسعه بین‌المللی و با همکاری برنامه توسعه ملل متحد در ترکیه برگزار می‌شود. در این نشست علاوه بر ایران، نهادهای آمبودزمانی، رؤسا و نمایندگان نهادهای نظارت و بازرسی کشورهای اردن، اسلونی، اوکراین، ایرلند، آذربایجان، آلبانی، بوسنی و هرزگوین، پاکستان، روسیه، رومانی، سودان، سوئد، فنلاند، قرقیزستان، کرواسی، کوزوو، گرجستان، لاتویا، لیتوانی، مالت، مراکش، مقدونیه، مولداوی، مونته‌نگرو، نیجر، یونان و ترکیه (به‌عنوان میزبان) حضور داشتند.

جلسات اصلی این همایش به موضوعات زیر اختصاص داشت:

۱. آمبودزمان و حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر (در این جلسه موضوعات: آمبودزمان و

حقوق زنان، آمبودزمان و حقوق کودکان، آمبودزمان و حقوق افراد دارای

ناتوانی‌های جسمی، محور اصلی سخنرانان بوده و مورد بحث و بررسی قرار گرفت).

۲. ساختارهای سیستم‌های حقوق بشر ملی و نقش تجربیات کشوری در حوزه

نهادهای آمبودزمانی مختلف (در جلسه دوم موضوع کشورهای که بیش از یک نهاد آمبودزمانی یا ساختارهای چندگانه حقوق بشری دارند، کشورهای که نهادهای مختلف آمبودزمانی و نیز الزامات نهادهای حقوق بشری دارند و هماهنگی میان نهادهای متعدد حقوق بشری و آمبودزمان مورد بحث و بررسی قرار گرفت).

۳. دایره صلاحیت مقامات آمبودزمانی و پیگیری توصیه‌ها (در جلسه سوم این نشست موضوعاتی همچون حقوق آمبودزمان برای ارجاع پرونده به دادگاه یا مداخله در یک پرونده، روابط با پارلمان و پیگیری مؤثر توصیه‌های آمبودزمانی پارلمان، قدرت تحقیق و پیگرد بدون اطلاع قبلی و روابط میان آمبودزمان و قوه قضاییه بحث و بررسی گردید).

برای بررسی و بحث در هریک از موضوعات مذکور، پنل‌هایی طراحی شد و شرکت‌کنندگان براساس اعلام قبلی سخنرانی‌های خود را متناسب با موضوع جلسات ارائه کردند. در افتتاحیه این نشست رجب طیب اردوغان به ایراد سخنرانی پرداخت؛ علاوه بر او عصمت ایلماز رییس مجلس عالی ملی ترکیه، لارس واهلونند، سفیر کشور سوئد در آنکارا، کمال مالهورتا، نمایندگی مقیم دفتر برنامه توسعه ملل متحد در ترکیه و آقای مهمت نیهات عمر اغلو رییس آمبودزمان جمهوری ترکیه در مراسم افتتاحیه به ایراد سخنرانی پرداختند. شایان ذکر است که قاضی سراج رییس سازمان بازرسی کل کشور در جلسه سوم این نشست سخنرانی با موضوع «جایگاه و نقش سازمان بازرسی کل کشور در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران» ایراد نمودند.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

سخنرانی‌های روز افتتاحیه

روز اول

۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر ۲۰۱۵)

سخنرانان مراسم افتتاحیه:

نیهایت عمر اوغلو

کمال مالهوترا

لارس واهلونند

عصمت یلماز

رجب طیب اردوغان

نیهایات عمر اوغلو (رییس آمبودزمان ترکیه)



رییس جمهور محترم،

میهمانان ارجمند،

قبل از آغاز سخنانم، اجازه دهید تا حملات تروریستی را که علیه آرامش اجتماعی و برادری و سلب حق حیات از شهروندان ترکیه صورت می‌گیرد محکوم کنم و مراتب تسلیت خود را به مأموران مجری قانون و خانواده‌های آن‌ها اعلام نمایم و برای بازماندگان و مجروحین این حوادث آرزوی بهبودی و سلامتی داشته باشم.

به علاوه، بار دیگر توجه شما را به تلاش‌های فوق‌العاده‌ای که از سوی ترکیه در مورد حل و فصل تراژدی میلیون‌ها نفر از پناه‌جویان سوری که طی بیش از چهار سال گذشته مجبور به ترک وطن خود شدند و اخیراً به خاطر سیل مهاجرت آن‌ها به اروپا در دستور کار جهانی قرار گرفته جلب نمایم و از جامعه بین‌المللی می‌خواهم اقدامی در این زمینه انجام دهد.

در چارچوب رفراندوم قانون اساسی سال ۲۰۱۰ که یکی از قدم‌های مهم در زمینه‌ی فرایند اصلاحات دموکراتیک بود، عالی‌جناب رییس جمهور امکان تأسیس نهاد آمبودزمانی را

به‌عنوان ساختار قانونی فراهم نمود و از زمان تأسیس از حمایت‌های بی‌دریغ ایشان برخوردار بود. از این‌رو تشکر صمیمانه خود را از ایشان که همایش بین‌المللی آموذمان را مفتخر کردند اعلام می‌کنم.

به علاوه، مایلم از طرف سازمان خود و از طرف خودم به رییس مجلس ترکیه که در این مراسم همراه ما هستند، رؤسا و اعضای دیوان عالی، اعضای مجلس و همکارانمان از ۲۶ کشور، آقایان سفرا، اصحاب مطبوعات و همه میهمانان خوش‌آمد بگویم.

در راستای اهمیتی که سازمان ما برای همکاری‌های بین‌المللی قائل است، همایش را سازمان‌دهی کرده‌ایم و همایش امسال متفاوت از نمونه‌های قبلی است. از میزبانی سومین همایش بین‌المللی و میهمانان بین‌المللی از کشورهای مختلف خرسندم.

بار دیگر مایلم خرسندی خود را از میزبانی همکارانی از اروپا، آسیا، آفریقا در آناتولی، مهد تمدن‌ها اعلام کنم.

همان‌طور که می‌دانید در چارچوب صلاحیت نهاد آموذمانی ترکیه، این نهاد اختیار دارد پیشنهادهایی به قوه مجریه ارائه دهد و شکایات مرتبط با اقدامات و طرز رفتار آن‌ها را بررسی و رسیدگی نماید.

تمامی شکایات واصله از ۲۹ مارس ۲۰۱۳ به بعد، بر اساس فهم قانونی از حقوق بشر با دقت تمام در حال رسیدگی است و سعی بر این است تا اختلافات موجود بین افراد و دولت از طریق میانجی‌گری و توافق عمومی حل‌وفصل شود. از این نظرگاه، سازمان ما نقش مهمی در حمایت و توسعه حقوق و آزادی‌های بنیادی ایفا می‌کند.

عالی‌جناب رییس‌جمهور،

فعالیت‌های سازمان ما، جایگزینی برای ابزارهای قضایی و حسابرسی اداری به وجود نمی‌آورد. شکایات دریافتی نه‌تنها از نظر حقوقی بلکه بر اساس اصل انصاف^۱ مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. از این زاویه دید، سازمان ما تنها سازمانی است که به بررسی از جنبه انصاف

1. principle of fairness

می‌پردازد. برای مثال، پیشنهادهایی درباره‌ی تجدیدنظر در مقررات قانونی مختلف دادیم که با اصل انصاف منطبق نبود.

از زمان آغاز به دریافت شکایات تا ۳۱ اوت ۲۰۱۵، ۱۷۶۵۵ مورد شکایت دریافت و برای اساس ۲۴۹ پیشنهاد یا شبیه آن در مورد این شکایات ارائه شد و تبعیت از این پیشنهادها هر سال در حال افزایش است.

سازمان ما با سرعت فعالیت می‌کند و حداکثر ظرف شش ماه، شکایات به سرانجام می‌رسند. برای مثال سازمان در حال حاضر روی ۱۶۹۵۱ رأی حاصل از شکایات و ۷۰۴ پرونده، کار می‌کند. از این دیدگاه، ما واقعاً سریع عمل می‌کنیم.

یکی از ترجیحات ما، رساندن سطح تبعیت از پیشنهادهای سازمان به عالی‌ترین حد ممکن است.

از طرفی دیگر قدم‌های مهمی درباره‌ی پیروی از پیشنهادها و اقدامات آمبودزمان ترکیه طی سال ۲۰۱۵ برداشته شده است.

طی مباحثی که در جریان گزارش سالانه ۲۰۱۴ ما در کمیته تلفیق متشکل از اعضای کمیته حقوق بشر وابسته به مجلس ملی کبیر ترکیه و کمیته شکایات وجود داشت مقرر گردید تا ادارات دولتی دلایل عدم تبعیت از پیشنهادهای سازمان را ارائه دهند.

مایلم از آقای جمیل چیچک، رییس مجلس ترکیه که از زمان تأسیس و عملیاتی شدن نهاد آمبودزمانی ترکیه همواره پشتیبان آن بودند تشکر نمایم.

بدون شک، این وضعیت باعث تغییر نگرش نهادهای دولتی نسبت به آمبودزمان ترکیه می‌شود و این مسأله در مورد اجرای پیشنهادهای آینده ما تحول مهمی خواهد بود و این رویه باید تداوم داشته باشد.

رییس‌جمهور محترم،

اصل‌کاری فراگیر سازمان ما، خلق فرهنگ حقوقی و فراهم‌سازی دسترسی سریع به عدالت است. در چارچوب فعالیت‌ها و پیشنهادهای ما، افراد به‌عنوان شهروندان برابر و

بااهمیت، مطابق با اصل حکمرانی خوب، برجسته خواهند شد، براساس این اصل در صورت مشارکت، شفافیت و پاسخ‌گویی به‌جای تقسیم صرف افراد به حکومت‌کننده و حکومت‌شونده، آن‌ها در جریان مدیریت دولتی به‌ذی‌نفعان تبدیل می‌شوند؛ بنابراین تأکید بر این نکته خیلی مهم است که سازمان ما در جریان ایفای وظایف خود همه ذی‌نفعان را دربرمی‌گیرد.

اجازه بدهید در این مراسم تکرار کنم که ما خواهان همکاری‌های بیشتر با سازمان‌های جامعه مدنی هستیم به‌نحوی که بتوانیم مشکلات شهروندان را به شکل مؤثری حل‌وفصل نماییم. باور دارم که باید جریان اطلاعات و همکاری پایدار بین سازمان‌های آمبودزمانی و سازمان‌های مردم‌نهاد ایجاد شود. (همچنان که این امر در بخش‌هایی از جهان صورت پذیرفته است). فعالیت‌ها و اقدامات آمبودزمان ترکیه توسط اتحادیه اروپا و نیز سازمان و نهادهای بین‌المللی رصد می‌شود و ازطریق گزارش‌های منظم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. چنین دلگرمی‌هایی نشان می‌دهد تلاش صورت گرفته در جریان تأسیس آمبودزمان ترکیه و در دوره بعدی موردتوجه سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است.

همچنین در گزارش پیشرفت سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا، تأکید و عنوان گردید که پیشنهادها و اقدامات ما مطابق با آرای گروه حقوق بشر اروپایی بوده است و ازطریق تقویت فعالیت‌های خود، درصدد مشارکت در مذاکرات پیرامون اقدامات ترکیه در ارتباط با فصل ۲۳ از حقوق قضایی و اساسی هستیم. همچنین به‌منظور کارایی بیشتر در فعالیت‌هایمان و انتقال بهترین روش‌های بین‌المللی به ترکیه، در حال حاضر پروژه‌های بین‌المللی متنوعی در حال اجراست.

عالی‌جناب رییس‌جمهور،

سومین همایش بین‌المللی آمبودزمان، توسط نهاد توسعه همکاری بین‌الملل سوئد تأمین مالی می‌شود و در چارچوب «برنامه تقویت ظرفیت نهادی سازمان‌های آمبودزمانی» سازمان‌دهی شده است که در این زمینه با برنامه توسعه سازمان ملل ترکیه همکاری می‌کنیم.

در زمینه‌ی تقویت ظرفیت موجود سازمان خود، می‌خواهم از آقای مالهو^۱، نماینده مقیم سازمان ملل و جناب لارس واهلوند^۲ به خاطر همکاری نزدیک و پشتیبانی از پروژه‌های که در ماه می شروع گردید تشکر نمایم.

باور دارم، آگاهی درباره‌ی نهادهای آمبودزمانی بین‌المللی را از طریق پروژه‌های که در آن مشارکت داریم افزایش خواهیم داد و موضوعات بسیاری حل‌وفصل خواهند شد.

در پایان عرایضم تشکر صمیمانه خود را از طرف خود و سازمانم از آقای رییس‌جمهور به خاطر حمایت‌های راهگشایی که ایشان در طی سه سال از زمان تأسیس سازمان به عمل آوردند اعلام می‌نمایم و از همه سخنرانان و مشارکت‌کنندگان به خاطر حمایت‌های ارزشمندشان تشکر می‌کنم.

بار دیگر خرسندی خود را بابت میزبانی همکارانی از ۲۶ کشور ابراز می‌کنم.

1, Malhotra
2. Lars Wahlund

کمال مالهوترا (نماینده مقیم برنامه توسعه سازمان ملل در ترکیه)



رئیس جمهور محترم جمهوری ترکیه،

رئیس محترم مجلس ملی کبیر ترکیه،

عالی جنابان،

میهمانان ارجمند،

اجازه بدهید سختم را بابت این نکته آغاز کنم که سخنرانی من به نمایندگی از برنامه توسعه سازمان ملل در سومین همایش بین المللی نهادهای آمبودزمنی، امتیاز بزرگی است. نهادهای آمبودزمنی که شناخت از آنها پیوسته در سطح ملی و بین المللی در حال افزایش است، سازوکار مهمی برای ارتقای حکمرانی خوب در خدمات دولتی و ارتقا و حمایت از حقوق بشر می باشد که هسته اصلی وظیفه سازمان ملل را تشکیل می دهند. نهادهای آمبودزمنی در سراسر جهان به عنوان یکی از نهادهای ملی کلیدی در زمینه ی

حقوق بشر فعالیت می‌کنند و عموماً برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر ایجادشده‌اند و اساساً فقط بر ارتقای حکمرانی خوب در مدیریت دولتی تمرکز ندارد. همچنین نقش مهم نهادهای آموذزمان در نظام دولت‌ها با قطعنامه شماره ۶۳/۱۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفت که کشورهای عضو را تشویق می‌کرد، ایجاد یا تقویت آموذزمان‌های مستقل و خودگردان و یا دیگر نهادهای ملی حقوق بشر را مدنظر قرار دهند و سازوکارهای مناسب همکاری بین این نهادها را به‌منظور هماهنگی اقدامات آن‌ها، تقویت دستاوردها و تبادل تجربیات را توسعه بخشند. گرچه هیچ مدل استاندارد برای نهادهای ملی که درزمینه‌ی حقوق بشر کار می‌کنند وجود ندارد اما عناصر مشترکی برای تضمین کارایی چنین نهادهایی وجود دارد که شامل پاسخ‌گویی آموذزمان به نیازهای افراد به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر زنان، کودکان، معلولان و پناهندگان است. بسیاری از این عناصر در **اصول پاریس** وجود دارد و عمدتاً به چارچوب قانونی تأسیس این نهادها مربوط می‌شود. این اصول منوط به این نیست که نهاد حقوق بشری وجود داشته باشد. مورد دوم [چند نهادی بودن] در ترکیه مصداق دارد که دارای چند نهاد حقوق بشری است؛ اما برخی اصول یا ویژگی‌ها کاملاً به انتخاب مدل نهادی مثلاً مشروعیت عمومی، قابلیت دسترسی، باز بودن^۱ و تنوع و اهمیت ارتباط با جامعه مدنی، اعتماد، اعتبار، رهبری، انطباق، نظارت و فعالیت نظام‌مند در خصوص سوءاستفاده‌های حقوق بشری ارتباط دارد.

میهمانان محترم،

در مورد ترکیه، گرچه این کشور دارای نهادهای ملی حقوق بشری جداگانه‌ای است، نهاد آموذزمان دارای جایگاهی شده است که می‌تواند به مسائل و موضوعات حقوق بشری نیز رسیدگی کند. در این مرحله با توجه به این که ترکیه چندین نهاد حقوق بشری جدید را در مدت‌زمانی کوتاه ایجاد کرده است، باید روی این مسأله متمرکز بود که چگونه این نظام جدید مؤثرتر عمل نموده و از دوباره‌کاری وظایف اجتناب کند. به‌عنوان یک عنصر تغییر،

1. openness

برنامه توسعه سازمان ملل خواهان قرار دادن انسان و حقوق بشر در مرکز فعالیت‌های خود به‌عنوان بخشی از رهیافت و پارادایم توسعه بشری خود است. در این معنا و در پرتو استانداردهای ذکرشده در اسناد بین‌المللی و اصول پاریس، ما خواهان تقویت نهادهای ملی و افزایش ظرفیت آن‌ها هستیم تا به‌عنوان سازوکاری برای حمایت از حقوق بشر ملی عمل نمایند؛ بنابراین شگفت‌انگیز نیست که برنامه توسعه سازمان ملل تعهد محکمی بر فرایند اصلاحات در این حوزه اساسی دارد.

در پایان عرایض اجازه می‌خواهم از همه شما که امروز در اینجا حاضر هستید و از همه کسانی که به این موضوع متعهدند اما در جمع حضور ندارند به خاطر تلاش‌های مشترک آن‌ها در پرداختن به چالش‌های پیش‌روی حقوق بشر ترکیه تشکر نمایم. همچنین می‌خواهم قدردانی خود را از نهاد آموذمان و رییس آموذمان ترکیه به خاطر تعهد ایشان به گفتمان حقوق بشر ترکیه و توفیقاتی که نهاد آموذمان ترکیه در این مدت خیلی کوتاه از زمان تأسیس به دست آورده اعلام نمایم. متشکرم.

لارس واهلوند (سفیر سوئد)



آقای رییس جمهور،

رییس مجلس،

میهمانان محترم،

آقایان و خانم‌ها،

برای من حضور در اینجا، افتخار بزرگی است. همان‌طور که می‌دانید سوئد به نهاد آمبودزمان بسیار افتخار می‌کند. کلمه «آمبودزمان» یکی از چندین اصطلاح سوئدی است که وارد زبان‌های دیگر شده است. اولین فرمان تأسیس آمبودزمان در سوئد در ۲۶ اکتبر سال ۱۷۱۳ صادر شد. هنگامی که پادشاه وقت ما، چارلز دوازدهم به دلیل پاره‌ای از مشکلاتی که با روسیه داشتیم به امپراتوری عثمانی فرار کرد و میهمان سلطان ادیرنه شد و فرمان خود را توسط اسب به سوئد ارسال کرد. از آن زمان ما دارای آمبودزمانی شدیم که در طی سال‌ها توسعه یافته است. حضور من در اینجا تأکیدی است بر این که پشتیبانی ما از نهاد

آمبودزمانی ترکیه ادامه خواهد داشت و این اجلاس بخشی از تلاش‌ها برای افزایش آگاهی مردم ترکیه در مورد نهاد آمبودزمان است. واضح است که مسیری طولانی را در پیش داریم، رم در ظرف یک روز ساخته نشد، استانبول در یک روز ساخته نشد، از این‌رو این پروژه‌ی بلندمدتی است اما تا جایی که مقدور باشد به شما کمک خواهیم کرد. ایده آمبودزمان با دیوان‌سالاری در ارتباط است و پاسخ‌گویی دولت در برابر شهروندان و تبعیت دیوان‌سالاری از قوانین را تضمین می‌کند. برای شما آرزوی موفقیت دارم و اطمینان می‌دهم دولت سوئد هر کمکی که از دستش برآید ارائه خواهد کرد. از توجه شما ممنونم.

عصمت یلماز (رئیس مجلس ملی کبیر ترکیه)



آقای رئیس جمهور،

میهمانان ارجمند،

به همه شما خوش آمد می گویم.

امیدوارم سومین همایش بین المللی نهادهای آمبودزمانی پرثمر بوده و نتایج مورد انتظار را به بار آورد. در اینجا مایلیم از همه کسانی که این مراسم را امکان پذیر نمودند به ویژه از آقای نیهات عموغلو، رئیس آمبودزمان ترکیه تشکر نمایم.

صدمه زدن، تخریب و بدگویی کار آسانی است اما انجام کار خوب چالش برانگیز بوده و مستلزم زحمت فراوان، صرف وقت، کار سخت و دقت زیاد است؛ سازمان دهی چنین رویداد بین المللی نیز کار راحتی نیست. حتی تحسین نیز مبتنی بر شایستگی است. کسانی که برای مردم کاری انجام می دهند، زحمت می کشند و خدمت می کنند سزاوار تحسین اند. بار دیگر از همه کسانی که از این مراسم حمایت کردند تشکر می کنم.

آقای رییس‌جمهور،

میهمانان ارجمند،

همان‌طور که عالی‌جناب، سفیر سوئد به‌وضوح بیان نمودند کلمه آنبودزمان ریشه سوئدی دارد که به معنای «میانجی»^۱ است.

به عبارت دیگر به معنای کسی است «که به مردم گوش می‌دهد».

این کلمه ناظر به افراد یا سازمان‌هایی است که به نمایندگی از طرف شهروندان اختیار دارد تا به اقدامات خودسرانه و رفتارهای غیرقانونی نمایندگان منتخب مجلس اعتراض نماید.

کلمه آنبودزمان براساس قانون اساسی و قوانین ترکیه به معنای بازرس بخش دولتی است. همان‌طور که جناب سفیر اظهار داشتند آنبودزمان کسی است که به نفع مردم و نه دولت وارد عمل می‌شود.

گرچه کلمه آنبودزمان در قوانین ما تازگی دارد اما واژه بیگانه‌ای در فرهنگ ما محسوب نمی‌شود. گوش فرادادن به شهروندان هم وظیفه رهبران است و هم سیاستمداران.

نهادهای آنبودزمانی که در سال ۱۸۰۹ در قانون اساسی سوئد به سازمان نهادی بدل شد، اکنون در ۱۴۰ کشور جهان وجود دارد. وارد شدن چنین نهادی به عرصه زندگی ترکیه زمان زیادی طول کشید. بعد از اینکه *قانون نهاد آنبودزمان ترکیه* در سال ۲۰۰۶ توسط مجلس ملی کبیر ترکیه تصویب شد این قانون برای ابطال به دادگاه قانون اساسی ارسال و در سال ۲۰۰۹ به دلیل عدم مطابقت با قانون اساسی ملغی و ابطال گردید.

تأسیس نهاد آنبودزمان ترکیه ازطریق همه‌پرسی ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۰ درباره‌ی اصلاحات قانون اساسی ممکن گشت؛ بنابراین، نهاد آنبودزمان ترکیه بعدازاین تاریخ بر مبنای قانون شماره ۶۳۲۸ *پیرامون سازمان بازرسی عمومی* تأسیس شد.

نهاد آنبودزمان ترکیه یک سازمان دولتی دارای بودجه اختصاصی است که به مجلس

1. mediator

ملی کبیر ترکیه گزارش می‌دهد.

هدف این نهاد ایجاد سازوکار مستقل و کارآمد درباره‌ی شکایات، بررسی و تحقیق درباره‌ی قانونی و منصفانه بودن خدمات عمومی، ارائه پیشنهاد درباره‌ی همه اقدامات، خدمات و رویه‌ها از نظر فهمی از عدالت بر مبنای حقوق بشر است. می‌توان استنباط نمود که آمبودزمان قاضی نیست. آمبودزمان فرد یا سازمانی است که مابین قوه قضاییه و شهروندان قرار دارد و درصدد پاسداری از حقوق و آزادی‌های شهروندان و ممانعت از بی‌عدالتی‌های مرتبط با سوء مدیریت است. طی مدت کوتاهی، آمبودزمان تشکیلات خود را نهایی نمود و از ۱۲ مارس ۲۰۱۳ شروع به دریافت شکایات کرد.

آقای رییس‌جمهور،

میهمانان ارجمند،

بنیان تأسیس نهاد آمبودزمان در ترکیه مبتنی بر اصلاح است. هدف این است که از طریق این نهاد، خدمات بهتری به مردم ارائه شود، شکایات مردم درباره‌ی خدمات عمومی کاهش یابد و فرهنگ خدمات‌دهی همگانی مقامات دولتی شاغل در خدمات بخش عمومی در چارچوب صداقت، شفافیت و پاسخ‌گویی توسعه یابد.

همان‌طور که می‌دانید طی دهه گذشته، اصلاحات مهمی در بخش دولتی ترکیه به اجرا درآمده است. ترتیبات قانونی بسیاری اتخاذشده تا اطمینان حاصل شود، روابط دولت - شهروندان بر مبنای عدالت جریان یابد و حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان تضمین گردد. تأسیس نهاد آمبودزمان نشانگر گذار از رهیافت حکمرانی «آمرانه»^۱ به نهادهی مبتنی بر ارائه خدمات است.

این واقعیت که چنین سازمانی به‌منظور ایجاد سازوکار شکایتی مستقل و کارآمد در

بخش دولتی ترکیه تأسیس شده، نشان‌دهنده اعتمادبه‌نفسی است که در دولت و حکومت وجود دارد. همچنین منعکس‌کننده فلسفه زیر است:

«مردم را توانمند نماید تا طوری زندگی کنند که دولت امکان بقا داشته باشد و آن‌ها را طوری شاد نماید که دولت برای همیشه حکمفرما باشد».

از زمان تأسیس آمبودزمان، تصویب مقررات حقوق داخلی اتحادیه اروپا^۱ و کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط ترکیه بنیان کار این نهاد را تشکیل می‌دهد.

نهاد آمبودزمان از زمان تأسیس در مارس ۲۰۱۳، نزدیک ۱۸ هزار شکایت دریافت نموده این امر بیانگر کاهش حجم کار قوه قضاییه است. بر این باورم که نهاد آمبودزمان ترکیه به مشارکت در توسعه فرهنگ خدمات عمومی از طریق ارائه راه‌ها و روش‌های جدیدی که در حل مشکلات باید مدنظر قرار گیرد ادامه خواهد داد.

آقای رییس‌جمهور،

میهمانان ارجمند،

آمبودزمان به‌عنوان محصول مشترک فرهنگ‌های شرقی و غربی اقدام مهمی در راستای هماهنگی با مقررات حقوق داخلی اتحادیه اروپا و ایجاد خدمات عمومی شهروند محور در ترکیه محسوب می‌شود. شکی نیست که برای زندگی در صلح و آرامش و برادری، ترتیبات قانونی بسیاری باید به اجرا گذاشته شود تا بتوانیم دموکراسی و کیفیت زندگی خود را توسعه بخشیده و به تخلفات موجود در مدیریت دولتی پایان دهیم. همه این‌ها، طی دوره بعدی مجلس در شرایط مقتضی قابل تحقق خواهد بود. یکی از این ابزارهایی که ما را توانمند می‌سازد قانون اساسی جدیدی است که حقوق و آزادی‌های اساسی را تضمین خواهد کرد.

در پایان سخنانم از آقای نیهات عمر اوغلو، رییس آمبودزمان ترکیه به خاطر سازمان‌دهی سومین همایش بین‌المللی نهادهای آمبودزمانی و از اعضای گروه ایشان و تمامی کسانی که

1. acquis communautaire

مساعدت می‌کنند و در این همایش حضور دارند تشکر می‌کنم.

مراسم پرباری را برای شما آرزو می‌کنم و امیدوارم این مراسم راه را برای رسیدن به نتایج مؤثر هموار کند.

رجب طیب اردوغان (رئیس‌جمهور ترکیه)



میهمانان ارجمند بین‌المللی و داخلی،

آقایان و خانم‌ها،

با سلام و با احترام فراوان به همه شما خوش‌آمد می‌گویم و امیدوارم سومین همایش بین‌المللی نهادهایی آمبودزمانی با موفقیت برگزار شود.

در حضور شما می‌خواهم از آمبودزمان ترکیه و همکاران آن‌ها برای سازمان‌دهی چنین رویداد مهمی که هر سال به‌طور منظم برگزار می‌شود تشکر نمایم.

همچنین پیشاپیش تشکر خود را از شرکت‌کنندگان ارجمند از کشور ترکیه و دیگر کشورهای مختلف به خاطر حمایت‌های ارزشمندشان اعلام می‌نمایم.

همان‌طور که می‌دانید ۳ سال است که نظام آمبودزمانی در کشور ما آغاز به کار کرده است. من شخصاً تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته در راستای بازبینی، تقویت و توسعه این نهاد که پل جدید و مهمی بین شهروندان و دولت است مهم ارزیابی می‌کنم.

تعداد شکایات واصله نیز از سال ۲۰۱۳ رقم قابل‌توجه یعنی نزدیک ۱۸ هزار شکایت است.

تبعیت مدیریت دولتی از پیشنهاد‌های نهاد آمبودزمان ترکیه به عددی قابل توجه یعنی ۳۸ درصد رسیده است.

ما انتظار داریم نهاد آمبودزمانی ترکیه به‌عنوان کانونی در خدمت حل مشکلات شهروندان عمل نماید.

اولین مکانی که برای یافتن راه‌حل برای بی‌عدالتی یا چالش‌های اداری به ذهن شهروندان خطور می‌کند باید همین نهاد باشد. همان‌طور که به‌وضوح بیان گردید همه سازمان‌های دولتی مربوط باید در اجرای پیشنهادی سازمان بر مبنای عدالت و اصول حاکمیت قانون به بالاترین سطح برسند. تنها در این صورت است که این نهاد هدف از تأسیس خود را محقق خواهد ساخت.

سنت دولتی و حکمرانی ما بر مبنای گفته شیخ ادیب علی^۱ نباشده است «امکان زندگی کردن مردم را فراهم کن به‌طوری که دولت بتواند حکمرانی کند» که سرمشقی برای کل دنیا است.

نهادهای آمبودزمان تبلور واقعی این سنت است و نشان‌دهنده شیوه جدید از فهم حکمرانی است که محقق شده است. همان‌طور که تاکنون چندین بار تکرار کرده‌ام بار دیگر اینجا تکرار می‌کنم مفهوم نهاد آمبودزمان چیزی نیست که ما تازه به آن پی برده باشیم و یا از راه اقتباس از جاهای دیگر وارد ترکیه شده باشد. همچنین باید این واقعیت را اثبات کنیم. اصل این رویه از تاریخ ما نشأت می‌گیرد. در دولت‌های عثمانی و سلجوقی، سازوکارهای بسیاری برای گوش دادن به شکایات و مطالبات شهروندان ایجاد شد. این واقعیت که چنین دولت‌های ترک‌تباری در قرن‌های متمادی در جغرافیای وسیعی حکمروایی داشتند به‌واسطه همین روابط سالم و مستحکمی بود که با شهروندان‌شان برقرار کرده بودند. به همین ترتیب، تأکید راسخ بر حقوق افراد و شفقت، بنیان رابطه دولت و افراد را تشکیل می‌دهد. درست مثل بقیه بنیادهای وقفی، نهاد آمبودزمان نیز نهادی است که در دیگر کشورها بر مبنای

رویه‌های برگرفته از تاریخ ما ایجاد شد و به سرمشق جهانی تبدیل گشت.

بعد از گذشت مدت‌زمان طولانی بار دیگر ما این مفهوم را نهادینه کرده‌ایم.

مایلم از طرف کشور و ملت‌م از تمامی کسانی که به این روند یاری رساندند تشکر نمایم.

میهمانان ارجمند،

ترکیه از آغاز سال ۲۰۰۳ پیشرفت‌های مهمی در همه زمینه‌ها از جمله دموکراسی و حقوق و آزادی‌های اساسی داشته، در این چارچوب اصلاحیه‌های قانون اساسی بسیاری به مورد اجرا گذاشته شده است. قوانین پایه از ابتدا تا انتها مورد بازنگری قرار گرفته است. از نظر ما روابط متعدد، متنوع، کارآمد و توده‌ای بین دولت و شهروندان نشانه‌ای از عملکرد صحیح است. امروزه ابزارها و کانال‌هایی وجود دارد که از طریق آن‌ها شهروندان می‌توانند مستقیماً مطالبات خود را عرضه نمایند و از طریق دفتر من، وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و بسیاری از ادارات عمومی دیگر خواهان حل مشکل خود شوند. بنیان حقوقی بر پایه‌ی قانون حق دسترسی به اطلاعات بنا شده است. به خصوص اعضای مجلس از اختیار پیگیری مطالبات شهروندان از طریق مراکز ارتباطی دفتر من و دفتر نخست‌وزیری را دارند که این مراکز به عنوان میانجی بین شهروندان و دولت و پیگیری درخواست آن‌ها عمل می‌کنند. در عین حال، کانال‌های ارتباطی در روستاها نیز مستقر شده و دفاتر کدخدایان محلی نیز به دفتر ریاست جمهوری وصل می‌باشند. از این رو مطالبات شهروندان از طریق سازمان‌های مختلف مورد پیگیری قرار می‌گیرد.

نهاد آمبودزمان ترکیه دارای ساختار مستقل همراه با تخصص و قدم‌های روبه‌جلو است.

به همین منوال، حق مراجعه مردم به دادگاه قانون اساسی جایگاه خود را به عنوان نتیجه

تلاش‌های صورت گرفته برای مطالبه حقوق افراد در سیستم قضایی پیدا کرده است.

اصلاحاتی که در قوانین اساسی صورت می‌گیرد در راستای این هدف است. ترکیه در

حالی به تغییرات تاریخی در زمینه‌ی دموکراسی و توسعه مبادرت نموده که درباره‌ی

چالش‌های منطقه‌ای و جهانی نیز موضع مصممی بر پایه اصول انسانی اتخاذ کرده است.

به‌منظور تحقق دموکراسی شکوفاتر، به این اقدامات نیازمندیم و در این راستا قدم‌هایی را برداشته‌ایم و ادامه نیز خواهیم داد. رهیافت ما نسبت به مسأله پناهجویان دال بر این است.

امروز ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا درخواست پناهندگی نزدیک به ۴۰۰ هزار پناهجو را پذیرفته‌اند یا پاسخ مثبت را هنگامی داده‌اند که پناهجویان به پشت دروازه‌های آن‌ها رسیدند و این درحالی است که ترکیه از سال ۲۰۱۱ میزبان بیش از دو میلیون آواره از کشور عراق و سوریه بوده است. به‌علاوه ترکیه افزون بر چالش‌های پناهجویان با تروریسم نیز مبارزه کرده است. ما سیاست «درهای باز» را در پیش گرفتیم، مرزهای خود را بستیم و غرق شدن پناهجویان در دریای مدیترانه و اژه را تماشا نکردیم. می‌دانیم آمدن پناهجویانی به سمت مرزهای ما، دلبخواهی نبوده و تهدیدی را متوجه ما نمی‌کنند. آن‌ها برای نجات جان‌شان و آینده‌شان به اینجا آمده‌اند. باین حال، وقتی به کشورهای غربی نگاه می‌کنیم برخی از آن‌ها می‌گویند «ما به جریان پناهجویانی که به ریشه‌های مسیحی ما آسیب می‌زنند اجازه ورود نخواهیم داد تنها پناهجویان مسیحی را می‌پذیریم و بقیه را اخراج می‌کنیم». چنین نگرشی در عصر ما که همه مذاهب، پدیده جهانی تلقی می‌شوند قابل‌پذیرش نیست.

ما انسان را به دیده انسانی می‌نگریم، به مذاهب آن‌ها کاری نداریم و نخواهیم داشت و چون قربانی بوده و مورد ستم واقع شده‌اند همواره درهای خود را به روی ایشان باز می‌کنیم.

شما اکنون می‌بینید چه اتفاقاتی در مسجدالاقصی در حال روی دادن است. متأسفانه اقدامات سربازان و پلیس اسرائیل در مسجدالاقصی که از نظر ادیان سه‌گانه اسلام، مسیحیت و یهودی مقدس محسوب می‌شود به‌هیچ‌عنوان قابل‌قبول نیست. آن‌ها درها را می‌شکنند، کتاب‌های مقدس را زمین می‌اندازند و می‌سوزانند و پنجره‌ها را می‌شکنند؛ همه این اقدامات غیرقابل‌قبول است، این در حالی است که ترکیه عبادتگاه‌های مذاهب مختلف را احداث و حتی احیا می‌کند، برخورد قهری با چنین پدیده‌هایی ما را آزرده می‌کند و من نگرانم که چنین حوادثی باعث برخی اتفاقات ناگوار در سطح جهانی گردد.

پیش از هر چیز، لازم می‌بینم اهمیت موضوع پناهجویان را برجسته‌نمایم. دوستان ما در

اروپا باید مطمئن باشند که: مقصد نهایی پناهجویان به مرزهای شما منتهی نمی‌شود آن‌ها خواهان بازگشت به کشورشان هستند اما سرزمین اصلی آن‌ها در شرایطی است که امکان زندگی در آن وجود ندارد. حل مسأله پناهندگان با انسداد مرزها، تعبیه سیم خاردار و کشیدن دیوار حل نمی‌شود. راه‌حل نهایی این است که هرچه سریع‌تر مناقشات در زادگاه آن‌ها به پایان برسد و دولت را تشویق نمود تا به صدای مردم و مطالبات آن‌ها گوش دهد. در این صورت این مردمان دلیلی نمی‌بینند که به سوی مرزهای ما و مرزهای کشورهای اروپایی روانه شوند. هر اقدامی و نیز ارائه هرگونه راه‌حل مناسبی بدون در نظر گرفتن دلیل اصلی مسأله پناهجویان نخواهد توانست از ایجاد صحنه‌های جدید که وجدان بشریت را آزار می‌دهد جلوگیری کند.

همان‌طور که پیشتر متذکر شده‌ام ما دیگر نمی‌توانیم شاهد اجساد کودکان، زنان و مردانی باشیم که در سواحل دریای مدیترانه و اژه با امواج دریا حرکت می‌کنند و زندگی‌شان را به دلیل سفر از روی ناامیدی از دست می‌دهند.

کشورهای غربی باید بدانند که آرامش و رفاه شهروندانشان مستقل از حوادث اتفاق افتاده در این منطقه و بقیه نقاط جهان نیست. کسانی که از هر نوع کوششی برای شنیدن چالش‌های روزانه و مبتلا به مردمان خود فروگذار نیستند نمی‌توانند به میلیون‌ها انسان که فقط و فقط به بقا خود می‌اندیشند پشت کنند و نباید هم بکنند. در غیر این صورت به معنای آن است که کشورهای غربی به ارکان مؤسس اتحادیه اروپا خیانت کرده‌اند.

آغوش ما برای همه کسانی که به سوی مرزهای ما می‌آیند صرف‌نظر از قومیت، ایمان، مذهب یا خصوصیاتشان باز است، هرچند که از نظر امکانات در تنگنا خواهیم بود. این کار ما به خاطر نگرانی از منافع خاصی نیست بلکه به خاطر وظیفه انسانی، اخلاقی، تاریخی و وجدانی است که انجام می‌دهیم و به انجام آن ادامه خواهیم داد.

در اینجا، اجازه بدهید تکرار کنم که هتک حرمت اسرائیل علیه قبله اول مسلمانان، مسجدالاقصی مقدس و وحشی‌گری‌های صورت گرفته را به شدت محکوم می‌کنم. این

حملات نه تنها در اورشلیم بلکه در جاهای دیگری علیه مؤمنان ادیان مختلف انجام می‌شود و احتمالاً به پیامدهایی منجر می‌شود که صلح و تسامح را به خطر می‌اندازد.

از همه کشورهای که از رویکرد دولت اسرائیل حمایت و پشتیبانی می‌کنند می‌خواهم در مقابل تاریخ مسئولانه عمل نمایند. ترکیه از نزدیک این موضوع را دنبال می‌کند و آن را در دستور کار قرار می‌دهد و موضع مقتضی، اتخاذ خواهد نمود. من به صحبت‌های تلفنی با رهبران جهان که به این موضوعات حساس‌اند ادامه می‌دهم و از طریق دیپلماسی تلفنی از آن‌ها می‌خواهم تا اقدامات مشترکی انجام گیرد.

میهمانان ارجمند،

ترکیه همواره در طول تاریخ چهره خون‌آلود و مخوف تروریسم را از نزدیک حس کرده است. در تاریخ مبارزه با تروریسم، هزاران شهید و ده‌ها هزار نفر از مردم خود را از دست دادیم. امروز ما با موج جدیدی از تروریسم و صدمات ناشی از آن روبه‌رو هستیم. از سال ۲۰۰۳ یکی از اهداف اصلی ما نابودی عللِ هموار کننده راه برای تروریسم بوده درعین حال تلاش‌هایی در راستای دموکراسی و توسعه صورت گرفته است.

به جای زحمت مبارزه با پشه‌ها، تلاش ما بر خشکاندن باتلاق‌ها متمرکز بوده است؛ بنابراین به اصلاحات گسترده‌ای در مسیر توسعه و دموکراسی سازی دست‌زده‌ایم. به این معنا، ترکیه پیشرفت قابل توجهی در راه عادی سازی داشته است. تلاش‌هایی که در راستای گشایش دموکراتیک صورت گرفت وحدت ملی و برابری را تداوم بخشیده است.

سپس «فرایند حل و فصل» را آغاز کردیم. با این حال هرچه به حل مسأله نزدیک‌تر شدیم، افراد بیشتری را مشاهده کردیم که از این وضعیت ناراحت بودند و با انواع شیوه‌ها و شگردهای مختلف سعی کردند تا این بحران ادامه پیدا کرده و خون‌ریزی‌ها تداوم یابد. چراکه می‌دیدند ترکیه از طریق فرایند حل و فصل به آرامش نائل شده و به یکی از قابل احترام‌ترین و قدرتمندترین کشورهای جهان تبدیل شده است. کسانی که این مسأله را مشاهده کردند به فکر تقسیم کشور و برهم زدن آرامش افتادند.

هم اکنون می‌خواهم سؤالی را مطرح نمایم: چه کسانی برای تروریست‌ها و اقدامات تروریستی تسلیحات فراهم کردند؟ بالاخره از داخل و از خارج حمایت‌هایی انجام می‌شود. می‌خواهم به شما اطمینان بدهم که این حمایت‌کنندگان ترکیه‌ای نیستند، آن‌ها بیگانگان هستند و می‌خواهند کشور و ملت را از هم جدا نمایند. به‌خوبی می‌دانیم از سال ۲۰۱۳ به این‌طرف - یعنی سالی که به راه‌حل خیلی نزدیک شده بودیم - هیچ‌یک از اتفاقات مستقل از همدیگر نبوده‌اند. متأسفانه کمک‌های رسانه‌ای و مالی مهمی به چنین حمایت‌های خارجی اعطا می‌شود. به‌رغم این، سعی کردیم امیدوار و صبور باشیم و به مبارزه ادامه دهیم. در مقابل کسانی که به انواع اقدامات تحریک‌آمیز، بی‌رحمانه و غیراخلاقی برای سیاه‌نمایی آینده ترکیه متوسل شدند، به همراه مردم خود از قدرت اراده خود پاسداری نموده‌ایم. از ماه جولای یعنی از زمانی که سازمان تروریستی جدایی‌طلب، حملات خود را مجدداً آغاز نمود شهادت هر شهروند یا مأموران مجری قانون، دل ما را به درد آورده است.

این وضعیت ما را ملزم می‌کند تا مسئولیت‌های خود در برابر ملت خود را به نحو احسن انجام دهیم، با عقل سلیم رفتار کنیم و خونسرد باشیم. جمعی از به‌اصطلاح سیاستمداران، جمعی از به‌اصطلاح روزنامه‌نگاران یا جمعی از به‌اصطلاح سازمان‌های مردم‌نهاد که از همسویی با سازمان تروریستی شرمسار نیستند، می‌خواهند مردم را به جان هم بیندازند. تنها هدف اقدامات صورت گرفته، بیانیه‌های خوانده‌شده، تیتراهای انتخاب‌شده برای روزنامه‌ها یا ستون‌ها، دست‌کاری مداوم رسانه‌های جمعی این است که زمینه را برای منازعه در جامعه ترکیه فراهم کنند.

بار دیگر می‌خواهم در این همایش مهم نه‌تنها مردم خود بلکه جامعه بین‌المللی را نیز مورد خطاب قرار دهم: تقسیم ترکیه و جدا کردن این ملت چه سودی عاید شما خواهد کرد؟ ترکیه تضمین‌کننده صلح در منطقه است. دری است که مظلومان و ستم‌دیدگان به آن پناه می‌برند؛ اما مطمئن باشید هر نوع اقدامی که انجام دهید بیهوده خواهد بود چراکه این ملت در این مبارزه با توسل به قدرت و میراث نشأت گرفته از تاریخ آن، پیروز خواهد شد.

هدف اقدامات متنوعی که در بخش‌های مختلف کشورمان صورت می‌گیرد در مدت‌زمان کوتاهی از سوی مردم تشخیص داده می‌شود. ملت ما به‌رغم اندوه و عصبانیت درونی خود، بازی‌های در حال جریان را به‌خوبی می‌شناسند. می‌خواهم در حضور شما از هریک از مردم کشورم که در مقابل نیرنگ‌های تحریک‌کنندگان خونسردی خود را حفظ کردند صمیمانه تشکر نمایم.

دراین‌بین، اعضای سازمان تروریستی نیز می‌خواهند سناریوی کثیف خود را در بخش‌های مختلف کشور به مرحله اجرا درآورند. تروریست‌ها بانفوذ در میان مردم، در حال تلاش برای ترسیم تصویری هستند که در آن دولت، دشمن شهروندان است. دوستان ارجمند،

بدون تردید، این تروریست‌ها حامیان جدی در کشورهای غربی دارند. ما این مسأله را به دوستان غربی تذکر می‌دهیم اما دغدغه آن‌ها متفاوت است. مایلیم تکرار کنم که این مسأله مهم است، دوستان غربی به‌ویژه کسانی که دارای مسئولیت آمبودزمانی هستند منشأ این مسأله را بررسی کنند. لازم است شما از واقعیت‌ها مطلع باشید و این‌ها را مشاهده نمایید. ترکیه کشوری نیست که با رژیم اقتدارگرا اداره شود. برعکس، کشوری است که دموکراسی را هضم و جذب کرده، همچنین می‌خواهم بدانید در این کشور شهروندانی هستند که بازور اسلحه مجبور به رأی دادن هستند.

زمانی که اعضای سازمان امنیت و همکاری اروپا به ترکیه سفر کنند گزارش‌های آن‌ها باید بر مبنای این واقعیت‌ها تهیه گردد. آن‌ها هرگز نخواهند توانست با تهیه گزارش‌هایی که چنین وضعیتی را نادیده می‌گیرد از ابتکارات دموکراتیک ما را جلوگیری نمایند. از آن‌ها می‌خواهم در این مورد مطمئن باشند.

این مسأله خیلی مشهود است که افراد می‌آیند و می‌روند و فانی هستند اما این کشور و ملت باقی خواهند بود. ترکیه و دولت و ملتش در طی مسیر خود از گذشته به آینده همواره در حال حرکت و ثابت‌قدم بوده است. کسانی که دیروز در اقداماتی پست علیه کشور و ملت

خود مشارکت داشتند برای همیشه رفته‌اند. کسانی که امروز کارهای مشابه آن‌ها را ادامه می‌دهند به سرنوشت مشابه آن‌ها گرفتار خواهند شد. ملت ما در این مورد مطمئن باشد. روزی مسئولیت رجب طیب اردوغان تمام می‌شود، دولت دیگر جایگزین دولت فعلی خواهد شد اما صدماتی که سازمان تروریستی برای این کشور و ملت به بار آورد باقی خواهد بود. رقابت سیاسی و خصومت شخصی یک مسأله است و بقای دائمی کشور و ملت یک مسأله دیگر. کسانی که این دو مسأله را باهم مخلوط کنند از پاسخ‌گویی در برابر تاریخ و این ملت رهایی نخواهند داشت.

بله، ما روزهای چالش‌برانگیزی را طی می‌کنیم اما با قلبی سرشار از اطمینان ایمان داریم که آینده ترکیه درخشان است. به خواست خدا، ترکیه به اهداف ۲۰۲۳ نائل خواهد شد و فقط به این هم بسنده نمی‌کند و اجرای چشم‌انداز ۲۰۵۳ و ۲۰۷۱ خود را شروع خواهد نمود. همراه با این احساسات، می‌خواهم از آمبودزمان ارجمند و از گروه ایشان و کسانی که این مراسم دوازده روزه را برگزار می‌کنند تشکر نمایم. پیشاپیش از تمامی میهمانانی که با ارائه ایده‌ها و دیدگاه‌های ارزشمند خود در این مراسم مشارکت خواهند کرد تشکر می‌کنم. تبریکات قلبی من را پذیرا باشید.

امیدوارم مراسم مفید واقع شود.

جلسه ۱

آمبودزمان و حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر

رئیس نشست:

پروفسور زهرا ادیاکماز

سخنران:

خانم کالیوپ اسپانو

جوریس جانسون

جرنی روسک

پروفسور زهرا ادیاکماز^۱ (رئیس جلسه / رئیس دانشکده حقوق دانشگاه مولانا)



میهمانان بین‌المللی ارجمند،

شرکت‌کنندگان محترم،

حضار محترم،

بار دیگر، بابت حضورتان در سومین همایش بین‌المللی نهادهای آموذمانی که به میزبانی نهاد آموذمانی ترکیه برگزار می‌شود خوش‌آمد می‌گوییم. بسیار خرسندم از این‌که بعد از ۱۸ سال تلاش بی‌وقفه درزمینه‌ی آموذمان در ترکیه، لزومی نمی‌بینم مزیت‌های آن را بازگو کنم چراکه این نهاد تأسیس‌شده و واقعاً با برنامه‌کاری فشرده در حال فعالیت است. در این نشست گروه‌های آسیب‌پذیر را از نظر فنون حقوقی بررسی می‌کنیم و در بخش گفت‌وگو به تبادل نظر خواهیم پرداخت.

در اولین نشست با عنوان «آموذمان و گروه‌های آسیب‌پذیر» اعضای میزگرد درباره حقوق زنان، حقوق معلولان و همچنین مبارزه با تبعیض توضیحاتی خواهند داد.

1. Zehra Odyakmaz

امروزه از حقوق زنان همانند حقوق انسانی آن‌ها تعبیر^۱ می‌شود. حقوق معلولان نیز در چارچوب حقوق بشر مطرح می‌شود. مبارزه با تبعیض، عدم اعطای فرصت‌های برابر و اعمال تبعیض نه تنها نقض حقوق بشر است بلکه یک نگرش و رفتار نیز محسوب می‌شود. به همین دلیل است که خیلی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا سازمان‌هایی را برای تضمین فرصت‌های برابر تأسیس کرده‌اند.

برخی از اقدامات ناقض برابری در دستورالعمل‌های شورای اروپا قیدشده و بسیاری از آن‌ها در شکایات صورت گرفته مشخص شده است.

برای مثال تبعیض براساس نژاد، رنگ، مذهب، باورها، بیگانه‌هراسی، جوک‌های تحقیرکننده منزلت انسانی، جلوگیری از دسترسی گروه‌های قومی به مکان‌های عمومی را می‌توان از نمونه‌های ملموس ذکر کرد.

ترکیه در سال ۱۹۸۵ به عضویت کنوانسیون سازمان ملل درباره‌ی *حذف انواع تبعیض علیه زنان* درآمد و به سرعت تعهدات قانون اساسی و قانون مربوط به آن را به انجام رسانده است.

براساس این کنوانسیون، یک پروتکل الحاقی به وجود آمده است. ترکیه از محدود کشورهایی بود که در اولین موج، این پروتکل را مورد تأیید قرارداد. این پروتکل به افراد یا گروه‌های عضو امکان می‌دهد در صورتی که احساس کنند دولت به مفاد کنوانسیون پایبند نیست، با تنظیم شکایاتی به کمیته این کنوانسیون شکایت نمایند.

ترکیه در سال ۲۰۰۵ قانونی درباره‌ی افراد معلول تصویب کرد. همچنین ترکیه در سال ۲۰۰۹ به عضویت کنوانسیون *حقوق افراد معلول* پیوست. گزارش کمیته حقوق بشر مجلس ملی کبیر ترکیه درباره‌ی بررسی حقوق معلولان در سال ۲۰۱۳، شامل موضوعاتی است که اکثر آن‌ها در زیرمجموعه‌ی وظایف آموذ زمان قرار دارد. در ترکیه سازمانی برای فرصت‌های برابر وجود ندارد، بنابراین، تحقیق درباره‌ی تخطی از فرصت برابر وظیفه آموذ زمان است.

1. express

بر این باورم هنگامی که در مورد حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر صحبت می‌کنیم ضرورت مضاعفی برای توضیح شفاف‌تر وظایف آمبودزمان وجود دارد.

اولین و مهم‌ترین مسأله این است که نهاد آمبودزمان باید از طریق تشویق به افزایش درخواست‌های مردمی از این نهاد باعث شود که قربانیان زیادی احساس رضایتمندی داشته باشند. بدین منظور، لازم است ارائه خدمات عمومی مورد تأکید قرار گیرد در عین حال موضوعات زیر به عنوان وظایف نهاد آمبودزمان شناسایی شود. در ماده ۱ بیان هدف قانون نهاد آمبودزمان ترکیه، عبارت «ارائه خدمات عمومی» استفاده شده است.

در ماده ۳ مربوط به «تعاریف» در حالی که واژه اداره تعریف شده است، عبارت «نهاد خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهد» نیز بیان شده است. گرچه موضوعات خاصی خارج از وظایف آمبودزمان جای می‌گیرد، هر سازمان دولتی، مشمول بازرسی این نهاد قرار دارد.

همچنان که می‌توان از پیشنهادها و گزارش سالانه آمبودزمان استنباط کرد اعمال و کردارهای افراد مشمول حقوق خصوصی به عنوان بخشی از حوزه عمومی و حقوق خصوصی عمومی^۱ تلقی می‌شود.

بر اساس قانون نهاد آمبودزمان ترکیه، درخواست‌ها را نه تنها از نقطه نظر انطباق با قانون بلکه از نظر انصاف^۲ نیز بررسی خواهد کرد. انصاف، اصلی است که در صدد است اتفاقات ناگوار ناشی از اجرای سخت‌گیرانه قواعد حقوقی مدون را از بین ببرد. انصاف به معنای ارائه عدالتی است که با دلسوزی، آگاهی و بخشش تلطیف شده است. انصاف یکی از اصول مشترک حقوقی نانوشته است. از آنجا که آمبودزمان اختلافات مشروط به شکایات را حل و فصل می‌کند و اصل انصاف را مدنظر قرار می‌دهد دارای کارکرد متفاوتی با سایر نهادهای قضایی است. نقش و وظایف نهاد آمبودزمان در مورد موضوعاتی نظیر حقوق زنان، حقوق معلولان و مبارزه با تبعیض اهمیت زیادی دارد، این نهاد باید موضوع شکایات را جدای از مفهوم وسیع‌تر توزیع خدمات عمومی تفسیر نماید. در مرحله دوم، چنین سازمان‌هایی باید اتفاقات را در راستای مفهوم انصاف مورد بررسی قرار دهند.

1. public private law

2. fairness

خانم کالیوپ اسپانو^۱ (آمبودزمان کشور یونان)

قبل از هر چیز مایلیم از شما بابت دعوت برای سخنرانی در سومین همایش بین‌المللی آمبودزمان تشکر نمایم. دو سال پیش اینجا بودم و تحولات اتفاق افتاده در آمبودزمان ترکیه را با علاقه بیشتر و از منظر یک همکار دنبال می‌کنم.

موضوع اول ما حقوق زنان است، آمبودزمان برای مبارزه با تبعیض جنسیتی چه کار می‌تواند انجام دهد. همه انواع تبعیض در زمینه‌های متنوع، محک بزرگی برای جامعه و برای فرهنگ حقوقی است؛ بنابراین مشکل اصلی این است که قواعد حقوقی در برخی مواقع ممکن است از ادراک‌های اجتماعی، پیش‌داوری‌ها، کلیشه‌ها جلوتر باشد و همین مسأله می‌تواند به یک مانع و مزاحم واقعی در احترام به حقوق زنان تلقی شود.

در مورد تبعیض جنسیتی مشکل اصلی این واقعیت است که کلیشه‌ها، نابرابری جنسیتی را به عنوان یک تفاوت طبیعی شکل داده است. در این چارچوب، هرگونه ابتکار قانونی اگر به دلایل واقعی این تبعیض‌ها در جامعه توجه نکند ناکافی خواهد بود؛ اما چه کاری از دست ما برمی‌آید؟ تحقیق درباره‌ی موارد تخلف از برابری جنسیتی در خدمات دولتی، بخش مهمی از کار آمبودزمان یونان است اما این وضعیت در بسیاری از زمینه‌های سیاسی باهم همپوشانی دارند. شما می‌توانید مواردی از تبعیض را در زمینه‌های مالیات، استخدام هم در بخش دولتی و هم فراتر از آن، امنیت اجتماعی، روابط کاری و موارد متعدد دیگر را مشاهده کنید.

همین مسأله بخشی از وظایف آمبودزمان یونان به عنوان آمبودزمان بوده و از بدو امر وظایف نهادهای حقوق بشری تلقی شده است؛ اما از سال ۲۰۰۶ قوانین اروپا و یونان، آمبودزمان یونان را به فراتر از قانون اساسی و فراتر از اصول عمومی حقوق بشری ارتقا داده‌اند. این امر بخش مهمی از قانون‌گذاری در سطح ملی به دنبال تحولات روی داده در سطح اتحادیه اروپا بود که حوزه مداخله آمبودزمان را وسیع‌تر کرده بود. براساس دستورالعمل‌های

1. Calliope Spanou

اتحادیه اروپا در خصوص این موضوع، هر دولت عضو باید نهاد مستقلی را برای مساعدت به قربانیان تبعیض، تحقیق درباره‌ی کاربرد یا عدم کاربرد اصل رفتارهای برابر و انتشار گزارش‌هایی حاوی پیشنهاد تدابیری برای از بین بردن تبعیض تعیین نمایند. از این‌رو، آمبودزمان یونان به یک نهاد برای برابری^۱ تبدیل شده که نه تنها به ارتقای اصل رفتارهای برابر در بخش دولتی مشغول است بلکه نهادهای است که بر اجرای رفتار برابر در موضوعات کاری در استخدام و تأمین کالاها و خدمات هم نظارت می‌کند.

اکنون این وظیفه مرتبط با برابری جنسیتی، حوزه صلاحیت آمبودزمان را به شیوه‌های مختلف وسیع‌تر نموده است. قبل از همه، هنگامی که مسأله تبعیض جنسیتی پیش می‌آید، می‌توانیم شکایات مرتبط با خدمات اجتماعی را که معمولاً خارج از چارچوب صلاحیت آمبودزمان است بررسی نماییم. منظورم روابط خدمات دولتی در درون خدمات دولتی است که می‌تواند شغل، ارتقا و موضوعات دیگری باشد. این امر حوزه مداخله آمبودزمان را گسترش داد تا بخش‌های خصوصی به‌ویژه موضوعات استخدام را با همکاری اداره کل بازرسی نیز شامل شود. سپس امکان میانجیگری خود را تا اولین محاکمه دادگاه گسترش داد درحالی‌که آمبودزمان تا قبل از مراجعه فرد به دادگاه امکان مداخله دارد؛ و آخر این‌که آمبودزمان در ارتقای فرصت‌های برابر و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه ایفای نقش می‌کند؛ بنابراین در ارتباط با مداخله آمبودزمان دگرگونی مهمی محسوب می‌شود.

در حال حاضر به‌ویژه هنگامی که صحبت از برابری جنسیتی به میان می‌آید، موارد زیر را شامل می‌شود: استخدام، آموزش حرفه‌ای، خوداشتغالی، تبعیض مستقیم و غیرمستقیم درجایی تبعیض مستقیم وجود دارد که قاعده عمومی برای همه یکسان است اما در عمل تبعیضی علیه زنان ایجاد می‌کند.

همچنین موضوعات بسیاری به وضعیت خانوادگی مربوط می‌شود چراکه برابری جنسیتی به وضعیت خانوادگی همه اعضای خانواده از جمله والدین، موضوعات بارداری مادران و غیره

1. equality body

سروکار دارد.

البته این فقط بدان معنا نیست که ادعا کند چیزی اتفاق افتاده است. اگر در اینجا دلیل کافی برای شروع تحقیق وجود داشته باشد در این صورت طرف دیگر باید فقدان تبعیض را ثابت کند. این ابزار بسیار قدرتمندی است هرچند که مشکلاتی دارد. همچنین آموذزمان باید نحوه کار با این ابزار ابتکاری جدید و نیز نحوه استفاده از آن در دادگاه را توضیح دهد.

اکنون می‌خواهم نوعی طبقه‌بندی، انواع شکایات خوب و انواع مداخله خوب برای آموذزمان را ارائه دهم. فکر می‌کنم می‌توانیم سه طبقه گسترده داشته باشیم. اولین طبقه از شکایات به‌عنوان یک موضوع مهم به رفتار برابر مربوط می‌شود. درواقع این طبقه با قوانین و مقرراتی مرتبط است که دربرگیرنده تبعیض‌اند بدون این که تبعیض بودن آن را تشخیص دهیم. از دیدگاه من این نوع تبعیض به سپهر عمومی مربوط می‌شود.

می‌توانیم بگوییم که دومین طبقه به سپهر اجتماعی مربوط می‌شود. این طبقه به رفتار برابر به‌عنوان موضوع اجرای اصول اساسی و به نقض احتمالی حقوق در محل کار یا گسترش حقوق برای مثال تسهیم مسئولیت‌های خانوادگی و غیره مربوط می‌شود.

سومین گروه از شکایات شامل حال کسانی که با سپهر عمومی در ارتباط‌اند و به‌حق درستکاری^۱ فردی مربوط می‌شود. رفتار برابر موضوع احترام است و مسأله اصلی که با آن روبه‌رو هستیم آزار جنسی است.

در تمامی این حوزه‌ها مواردی را داشتیم. من به برخی از موارد از گروه اول اشاره خواهم کرد که ناظر بر مشکلاتی است که برآیند قواعد و مقررات‌اند و نیاز به تغییر دارند، این قواعد و مقررات مبتنی بر کلیشه‌ها می‌باشند. یکی از موردهای مشخص، ممانعت از مشارکت زنان در دوره‌های آموزش حرفه‌ای مشاغل خاص نظیر نجاری، نقاشی و جوشکاری بود. دلیل این امر را وجود مقرراتی ذکر می‌کنند که داشتن قدرت بدنی مردانه و گذراندن دوره‌های شغلی را لازم می‌دانند از این رو برای این مشاغل خاص سهمیه‌هایی را برای مردان در نظر

1. integrity

می‌گیرند که عملاً منجر به حذف زنان می‌شود. شما می‌بینید که کلیشه‌ها همیشه راه خود را پیدا می‌کنند؛ اما نکته جالب این است که همیشه این توضیح مطلق وجود ندارد بلکه مقداری کلیشه و مقداری فرصت هم به کار می‌رود. برای مثال در دیگر موارد استخدام در اداره آتش‌نشانی به‌ویژه برای راننده وسیله نقلیه از ۱۳۸ پست، تنها ۳ پست به زنان اختصاص داشت و دلیل عنوان شده این بود که در برخی موارد رانندگان باید به آتش‌نشانان کمک نمایند از این رو باید از قدرت بدنی برخوردار باشند، اگر دلیلش این است پس چرا فقط سه نفر استخدام شوند. این دلیل برای سه نفر استدلال قانع‌کننده‌ای نبود. در هر دو مورد، آمبودزمان مداخله کرد و مقررات تغییر یافت.

در دیگر موارد، به‌عنوان پیش‌شرط استخدام، انجام خدمت سربازی ذکر می‌شود درحالی‌که خدمت سربازی برای مردان اجباری است و نه زنان. مردان بنا به تعریف دارای شماری از امتیازات نظامی به دلیل انجام خدمت سربازی‌اند درحالی‌که زنان این امتیازات را ندارند؛ بنابراین این امتیازات، تبعیضی علیه آن‌ها محسوب می‌شود چراکه این پیش‌شرط‌ها برای آن‌ها قابل‌قبول نیست.

دیگر موارد به استانداردهای اندازه قد مشترک یا عملکرد ورزشی مشترک مربوط است که این موارد برای استخدام ضروری محسوب می‌شوند درحالی‌که تجربه مشترک و علم ثابت کرده است که سطوح موفقیت مختلفی وجود دارد. این موارد تبعیض غیرمستقیم است چراکه فرض می‌کند زن‌ها از الزامات قد مشترک برخوردارند درحالی‌که ۹۰ درصد از زن‌ها به خاطر همین الزامات قد مشترک از فرصت‌های شغلی کنار گذاشته می‌شوند و در عمل شاهد تبعیض هستیم.

گروه دوم سپهر اجتماعی و شامل برابری قابل‌احترامی است که اغلب در دوره مادری و هر چیز مرتبط با خانواده موردبررسی قرار می‌گیرد. می‌توانم بگویم، شاهد شکایاتی از طرف مردان بودیم که خواهان بهره‌مندی از منزلت برابر در چارچوب خانواده در مورد مرخصی استحقاقی و مرخصی والدین و غیره بودند؛ اما آنچه رواج بیشتری دارد این است که در

دوران بارداری، زنان در مورد اخراج از کار بسیار آسیب‌پذیرند. قوانین یونان و اتحادیه اروپا از زنان باردار حتی در صورت عدم اطلاع آن‌ها از بارداری خود حمایت به عمل می‌آورند. به همین دلیل، در صورت اخراج آن‌ها در این دوران، باید به کار بازگردند و بخش خصوصی مجبور به پرداخت جریمه خواهد شد و البته قدم بعدی مراجعه به دادگاه است.

اغلب ما شاهد رفتارهای تحقیرآمیز بخشی از کارفرمایان علیه زن‌ها بوده‌ایم. زنان به محض این‌که اعلام می‌کنند باردارند کارفرمایان شروع به رفتار سخت‌گیرانه می‌کنند و حتی برای وادار نمودن آن‌ها به استعفا، وظایف سختی را به آن‌ها محول می‌کنند. در تمامی این موارد آموذزمان مداخله می‌کند و تمامی شکایات و مراجعات به اداره بازرسی کار را تعقیب می‌کند. آموذزمان مسئولیت نهایی تهیه گزارش در این موارد را بر عهده دارد. در بیشتر موارد بعد از برگزاری جلسه‌ای با حضور کارفرما و مستخدم در چارچوب اداره بازرسی کار، کارفرما از اخراج صرف‌نظر می‌کند و به‌ندرت مواردی پیدا می‌شود که کارفرما بر اخراج اصرار داشته باشد. البته، کارفرما می‌تواند مشکلات مالی را بهانه کند، شگردها و بهانه‌های مختلفی وجود دارد اما آموذزمان درباره‌ی اعتبار یا بی‌اعتباری ادعای کارفرما در مورد مشکلات مالی و امکان حمایت وی از زنان در این دوران آسیب‌پذیر به تحقیق می‌پردازد و نیز به بررسی اخراج کسانی می‌پردازد که اخراج آن‌ها دقیقاً در دوران بارداری صورت گرفته است.

این نوع از موارد به سپهر اجتماعی مربوط می‌شود؛ اما به آخرین مورد یعنی آزار جنسی می‌رسیم که می‌توان گفت مشکل‌ترین مورد است چراکه به حوزه خصوصی و روابط خصوصی اشاره دارد. حتی بعضی مواقع ارائه‌ی مدرک کافی برای اثبات ادعا، کار بسیار سختی است اما هنگامی که جمع‌آوری مدارک را با فرض احتمال تبعیض آغاز می‌کنیم می‌توانیم مؤثرتر به تحقیق بپردازیم و می‌توانیم مجازاتی را برای کارفرما قبل از مراجعه به دادگاه در نظر بگیریم، مراجعه به دادگاه معمولاً قدم بعدی است؛ اما ماهیت این مسأله باعث مشکل‌تر شدن آن می‌شود چراکه بعضاً هیچ شهادتی وجود ندارد و حرف یک‌طرف، در مقابل حرف طرف دیگر قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توانم بگویم که حساس‌ترین بخش این مسأله

همین است.

من با امید به استفاده مؤثر از وقتم و با گفتن این نکته، حرفم را به پایان می‌رسانم که این حوزه از صلاحیت آمبودزمان مستلزم توجه خاص و نظارت نظام‌مند است. اصلی‌ترین مشکل از جامعه، پیش‌داوری و از کلیشه‌ها نشأت می‌گیرد. ما تدریجاً ابزارهای حقوقی را برای مواجهه با آن توسعه می‌بخشیم و امیدواریم قانون‌گذاری جدید برای نیل به اهداف خود از دقت و ریزبینی کافی برخوردار باشد. خیلی تشکر می‌کنم.

جوریس جانسون (آمبودزمان لتونی)



از رییس تشکر می‌کنم و خیلی کوتاه به برخی از عناصر بنیادهای حقوقی یا اختیارات آمبودزمان لتونی اشاره می‌کنم سپس به برخی از عناصر فعالیت‌های خود و همچنین به برخی از عناصر عملی اشاره خواهم داشت. مبنای حقوقی آمبودزمان با تصویب قانون آمبودزمان در ۱ ژوئن ۲۰۰۷ به وجود آمد هنگامی که به‌عنوان تنها نهاد ملی حقوق بشری و همچنین نهاد بازرسی و نهاد برابری در لتونی تأسیس گردید. در عمل ما هم مانند بسیاری از کشورهای دیگری هستیم که چنین وضعیتی دارند. اگر بخواهیم کمی درباره‌ی اختیارات صحبت کنیم، آمبودزمان نهادی است که وظایف خود را در چارچوب قانون انجام می‌دهد، از طرف مجلس لتونی انتخاب می‌شود، در انجام وظایف خود نمی‌تواند از جایی متأثر باشد و نیز دوره تصدی آن ۵ سال است.

اگر بخواهیم اندکی درباره‌ی ضمانت‌های استقلال آمبودزمان صحبت کنیم می‌توانم تنها به چند مورد به‌عنوان نمونه اشاره‌کنم که آمبودزمان از تأثیر سیاسی به دورمانده است. به لحاظ اداری آمبودزمان تنها با موافقت مجلس قابل مجازات است، از پیگردهای کیفری مصون است و مدت تصدی آن نمی‌تواند با دوره زمامداری مجلس یکی باشد و نکته مهم‌تر

این‌که در حال حاضر مباحث ما درباره‌ی رویه‌های متفاوت نام‌نویسی برای نامزدی ادامه دارد. در حال حاضر پیشنهاد ما توسط پنج نفر از نمایندگان مجلس در حال مذاکره است و احتمال دارد رییس دادگاه قانون اساسی نیز وارد این مذاکرات شود.

همچنین، کنوانسیون سازمان ملل درباره‌ی حقوق معلولان از سال ۲۰۱۰ در جمهوری لتونی اجرایی شده است. قانون حقوق معلولان نیز در سال ۲۰۱۰ تصویب شد و طبق قوانین وزارت رفاه، مسئولیت اجرای کنوانسیون را بر عهده دارد و آمبودزمان‌های مختلفی مسئول نظارت بر نحوه اجرای آن هستند. در اینجا شما برخی داده‌های آماری را مشاهده می‌کنید که معلولان لتونی را براساس سطح قوانین مسئولیت^۱ به گروه‌های مختلفی طبقه‌بندی کرده است. در مجموع معلولان ۹ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهد.

برخی از داده‌های اداره آمبودزمان و نتیجه رویه‌های راستی آزمایی، اولاً ناکافی بودن میزان حقوق و مزایای اجتماعی معلولان را نشان می‌دهد، میزان حقوق معلولان به پرداختی‌های تأمین اجتماعی و طول خدمت بستگی دارد. در صورتی که طول خدمت فردی ناکافی باشد حداقل حقوق و مزایای اجتماعی به وی پرداخت می‌گردد که از ۶۴ تا ۱۰۶ یورو را شامل می‌شود. دوم این‌که به کمک‌های فنی اشاره دارد که مشکل اصلی در این زمینه برابری و در دسترس بودن کمک‌های فنی و تبعیض در محیط کار است. نگرش نابرابر به افراد معلول موضوع داغی در لتونی است.

افزون بر اعمال نظارت در سال ۲۰۱۴، ما به پیمایش اجتماعی به‌منظور فهم نگرش جامعه نسبت به افراد معلول و احساس افراد معلول نسبت به خود در جامعه مبادرت کردیم. از شهرداری‌ها خواستیم تا فعالیت‌هایی را برای انجام دادن افراد معلول و بهبود زندگی آن‌ها تعریف نماید. کمی بعد برخی اقدامات خوبی را که توسط شهرداری تدارک دیده شده به شما نشان خواهیم داد.

در تحقیق پیمایشی این سؤال مطرح شد که آیا به نظر شما افراد معلول می‌توانند در

عرصه عمومی مشارکت کامل داشته باشند؟ نتیجه پیمایش بنا به نوع اختلال کارکردی، متفاوت بود. افراد دارای ناتوانی روانی- اجتماعی در جامعه چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرند. درباره‌ی این سؤال که نظراتان راجع به افراد معلولی که می‌خواهند پدر یا مادر شوند چیست؟ افراد دارای معلولیت روانی- اجتماعی در صورت تصمیم به پدر و مادر شدن با استقبال جامعه روبه‌رو نمی‌شود.

سؤالی که در این بخش پرسیدیم این است که آیا می‌خواهید بچه‌های معلول با بچه‌های شما تحصیل کنند؟ هنگامی که از افراد دارای معلولیت بینایی، شنوایی و حرکتی صحبت می‌کنیم بخشی از جامعه حقوق افراد معلول در جامعه را یکسان در نظر می‌گیرند. وقتی جامعه نگاه منفی تری نسبت به افراد دارای معلولیت روانی- اجتماعی دارد، در اینجا شما می‌بینید که کودکان دارای معلولیت روانی - اجتماعی با استقبال چندان در جامعه روبه‌رو نمی‌شوند، این وضعیت واقعی در لتونی است. وقتی ما با ارقام یا آماری درباره‌ی کودکان با معلولیت‌های دیگری روبه‌رو می‌شویم آن‌وقت وضعیت متفاوت می‌شود. آیا فکر می‌کنید در وضعیت خاص، افراد معلول باید از حقوق و مزایای بیشتری یا به اصطلاح از تبعیض مثبت برخوردار باشند؟ که ۸۵ درصد پاسخ‌دهندگان حمایت بیشتر از معلولان را ضروری می‌دانستند. تبعیض علیه افراد معلول را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بررسی مشابه نشان می‌دهد که اکثریت جامعه و تقریباً ۷۹ درصد پاسخ‌دهندگان با تبعیض علیه معلولان مخالف هستند. آیا وقتی که فرد معلولی همکار یا همکلاسی شماست احساس راحتی می‌کنید؟ خیلی از پاسخ‌دهندگان احساس ناخوشایندی نسبت به همکاران معلول داشتند. به نظراتان وجود زبان اشاره در تلویزیون باعث ناراحتی شما می‌شود؟ اکثر پاسخ‌دهندگان جواب دادند که زبان اشاره هیچ دردسری برای آن‌ها ندارد. سؤالات مشابهی را از معلولان درباره‌ی این مسائل پرسیدیم.

کشور لتونی در بین ۱۴ شهر اروپایی دارای دسترس‌پذیرترین شهر است که در پروژه کتابخانه برای مطالعه کنندگان میزهایی برای مسابقه شطرنج در فضای باز ترتیب می‌دهد، تنیس برای افراد معلول فراهم می‌کند، از تحصیل در دانشگاه‌های خارج از پارک‌های

شهری حمایت مالی به عمل می‌آورد، در چارچوب رقابت کارآفرینان جوان از پروژه‌های کسب‌وکار حمایت می‌کند و در زمینه‌های استخدام در شهرداری محلی، مراسم خیریه کریسمس، جمع‌آوری کمک‌های خیرخواهانه برای کمک به اقدامات سلامتی و توان‌بخشی کودکان معلول، بهبود دسترس‌پذیری سالانه براساس درخواست‌های افراد معلول، فعالیت‌های ورزشی، آموزش‌های مداوم از طریق اساتید حرفه‌ای، استخر شنای سرباز، بازی‌های ورزشی، مسافرت‌های سالانه برای معلولان، ۵۰ درصد تخفیف برای خدمات اجتماعی، پرداخت حقوق پایه برای دوره‌های توان‌بخشی ازجمله برای آموزش‌های موردعلاقه فعالیت دارد. اطلاعات بیشتر درباره‌ی نتایج نظارت ما در اوایل امسال، یعنی زمان برگزاری اجلاس سالانه آمبودزمان در دسترس خواهد بود. خیلی ممنون از توجه شما.

جرنی روسک^۱ (قائم مقام آمبودزمان اسلوونی)

از رییس نشست،

از آمبودزمان،

از میهمانان ارجمند تشکر می‌کنم.

همچنین به خاطر دعوتتان متشکرم. این اولین بار است که در کشور ترکیه و همچنین در این سمینار حضور دارم، بنابراین در بخش اول سعی خواهم کرد به صورت خلاصه، نهاد آمبودزمان اسلوونی را معرفی نمایم و در بخش دوم به نحوه بررسی پرونده‌هایی در قالب اداره آمبودزمان خواهم پرداخت.

من برای آمبودزمان ۲۰ سال کار کردم و قبل از آن در نهاد ملی حقوق بشر بودم، بنابراین در این حوزه ۲۵ سال سابقه فعالیت دارم و امسال احتمالاً آخرین سال کاری قبل از بازنشستگی است. خیلی مختصر عرض کنم که نهاد آمبودزمان در قانون اساسی سال ۱۹۹۱ مورد پذیرش قرار گرفته بود و براساس ماده‌ای از قانون اساسی، قانون آمبودزمان در سال ۱۹۹۳ در مجلس ملی به تصویب رسید. بعد از انتخاب آمبودزمان و معاونان، رسماً کار خود را در ۱ ژانویه ۱۹۹۵ آغاز کردیم. به موجب قانون اساسی، اختیارات ما تنها در ارتباط با نهادهای دولتی است. من تنها به یکی از ویژگی‌های خیلی خاص قانون آمبودزمان اشاره می‌کنم که اظهار می‌دارد آمبودزمان تنها ملزم به عمل مطابق با مواد قانون اساسی و قوانین حقوق بین‌المللی حاکم بر حقوق بشر و آزادی‌هاست. قوانین خاصی عمدتاً مبنای قانونی برای فعالیت‌های آمبودزمان را ذکر نمی‌کنند و ما این امر را در این روزها که بحران مهاجرت جریان دارد استفاده خواهیم کرد. برای این که در کشور ما قوانین برای مواجهه با وضعیت حال حاضر انطباق داده نشده از این رو تنها به معاهدات حقوقی بین‌المللی و حقوق قانون اساسی استناد خواهیم کرد.

در مداخلات ما که براساس قانون صورت می‌گیرد ممکن است به اصول عدالت و مدیریت خوب اشاره کنیم و این کار را اغلب انجام می‌دهیم. بر این مبنا، می‌توانیم برخی اوقات راه‌حل‌هایی استثنایی در صورتی که در قوانین پیش‌بینی نشده باشد ارائه دهیم و فکر می‌کنم این مسأله درباره‌ی پرونده‌های تبعیض اهمیت دارد. همچنین براساس قانون اساسی، آموذ زمان صلاحیت (با موافقت شخص زیان‌دیده) مطابقت با قانون اساسی یا قانونی بودن مقررات و یا شکایات قانون اساسی افراد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در هر دو مورد آموذ زمان از موضع قانونی متقاضی حمایت می‌کند چرا که برای اثبات منافع قانونی، نیازمند اثبات منافع قانونی در پرونده‌های شخصی هستیم. ما هر دو این گزینه‌ها را فقط در مورد پرونده‌های مستند مورد استفاده قرار می‌دهیم تا کاربرد راه‌حل‌های قانونی اضافی برای کسانی که قبلاً همه راه‌های معمولی شکایت را طی کرده‌اند اجتناب شود؛ بنابراین ما در برخی پرونده‌های استثنایی به دادگاه قانون اساسی مراجعه می‌کنیم. می‌خواهم تنها یک دعوای حقوقی را ذکر کنم که چهار سال پیش به وجود آمد. دولت ما قانونی را تصویب کرد که حقوق مستمری طبقات خاصی از بازنشستگان را کاهش داد. عمدتاً حقوق بازنشستگی افراد نظامی کاهش یافت. ما راجع به این قانون به دادگاه قانون اساسی شکایت کردیم و موفق شدیم. دولت مجبور به تغییر این قانون شد و بدین ترتیب حقوق بازنشستگی حدود ۷۰ هزار نفر از بازنشستگان که براساس این قانون کاهش یافته بود از نو برقرار شد.

همچنین در کنار ارائه پیشنهادهایی به مقامات دولتی، ابتکار عمل‌هایی به مجلس تقدیم می‌کنیم. اکنون می‌خواهم خیلی مختصر توضیحاتی درباره‌ی رویه‌ی خودمان ارائه نمایم و فکر می‌کنم که نحوه بررسی گزارش سالانه ما در مجلس ملی نمونه خوبی خواهد بود. سال‌های زیادی طول می‌کشد تا اعضای مجلس نحوه استفاده از گزارش سالانه ما را در راستای بهره‌مندی خود و نحوه تأثیرپذیری از آن متوجه بشوند؛ یعنی ما در گزارش سالانه خود برای نهادهای دولتی پیشنهادهایی را ارائه می‌دهیم و هنگامی که گزارش سالانه ما مورد بررسی قرار می‌گیرد دولت ملزم به ارائه گزارش خود درباره‌ی گزارش سالانه‌ی ما است؛

بنابراین، آن‌ها به هریک از فصل‌های گزارش سالانه ما جواب می‌دهند و همچنین موظف‌اند درباره‌ی نحوه‌ی اجرایی شدن پیشنهادهای سال گذشته ما از سوی نهادهای دولتی گزارش دهند؛ بنابراین سال بعد هنگامی که گزارش سالانه ما در حال بررسی است، آن‌ها گزارش دولتی درباره‌ی نحوه اجرای پیشنهادهای سال گذشته را تهیه می‌کنند. معمولاً بررسی گزارش سالانه در جلسه عمومی ۶ تا ۷ ساعت طول می‌کشد و طی این روزهاست که کمیته‌ای در مجلس ملی ما بررسی گزارش سالانه ۲۰۱۴ را آغاز می‌کند. سالانه حداقل شکایاتی که دریافت می‌کنیم ۳۵۰۰ مورد است. ما ۳۵ نفر هستیم و اگر تعداد شکایات را با کل جمعیت دومیلونی اسلونی مقایسه کنید به ازای هر ۱۰ هزار نفر از جمعیت، ۱۶ تا ۱۷ شکایت دریافت می‌کنیم؛ و این عدد در قیاس با اعداد کشور شما عدد خیلی بالایی است.

در بخش دوم سخنانم نحوه رسیدگی به شکایات و موارد تبعیض در اداره آموذزمان را توضیح خواهم داد. ما این موارد را از ابتدا بررسی کردیم اما این مسأله در حوزه خاصی از طبقه‌بندی نبود. ما تبعیض را به‌عنوان حوزه طبقه‌بندی خاصی در سال ۲۰۰۴ طی دومین اجلاس آموذزمان مطرح کردیم و در این حوزه طی ده سال گذشته دقیقاً ۶۸۷ مورد شکایت دریافت نمودیم که ۴ درصد کل شکایات را شامل می‌شود. در این بین بیشترین سهم ۲۴۳ مورد متعلق به حوزه اقلیت‌های ملی و قومی است؛ و در بین این‌ها نیز بیشترین موارد مرتبط با وضعیت اقلیت رومانیایی در جمهوری اسلونی است. دیگر شکایات مرتبط با تبعیض ۵۳ مورد در حوزه استخدام و ۳۰ مورد در حوزه فرصت برابر و برابری جنسیتی را شامل می‌شود. دو سال پیش در سال ۲۰۱۳ دو حوزه جدید در چارچوب تبعیض تشکیل دادیم یعنی تبعیض براساس گرایش جنسی و معلولیت. این نشان می‌دهد که معلولیت نیازمند حوزه خاصی در طبقه‌بندی ما بود. آموذزمان در اسلونی تنها نهادی نیست که با تبعیض سروکار دارد، براساس رهنمودهای اتحادیه اروپا و نیز کنوانسیون سازمان ملل درباره‌ی حقوق بشر و افراد معلول، دولت‌ها ملزم هستند نهادهای مستقل خاصی را برای بررسی پرونده‌های فساد تشکیل دهند. در سال ۲۰۱۳ در اسلونی قانون خاص مبارزه با فساد – که در اسلونی قانون رفتار برابر نیز نامیده می‌شود

— نهاد خاصی را ایجاد کرد، این نهادها از اصل برابری حمایت می‌کند و فعالیت خود را در حوزه خصوصی به اجرا می‌گذارد اما اختیاراتش محدود است و مستقلاً از حق اعمال مجازات برخوردار نیست. مطابق نظام ما در چارچوب این قانون، وکیل بعد از تحقیقات می‌تواند پرونده را به نهاد بازرسی ملی مربوطه ارجاع نماید که از حق اعمال مجازات برخوردار است؛ اما این نظام خیلی در اسلونی موفقیت‌آمیز نبوده و ما در گزارش سالانه خود اولاً از استقلال ناکافی این حمایت‌ها انتقاد کردیم و ثانیاً به‌طور کلی حمایت قانونی در مبارزه با فساد ضعیف است چون که احتمال مجازات شدن متخلفان خیلی پایین می‌باشد.

براساس این اصول، آموذزمان در اسلونی نه یک نهاد جامع مبارزه با فساد مطابق با دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و نه نهاد ملی حقوق بشر درجه یک. ما نخواستیم به یک نهاد درجه یک تبدیل بشویم چراکه شرط‌هایی داریم و می‌خواهیم تمامی وظایفمان را آن‌چنان که اصول پاریس ضروری می‌داند انجام دهیم؛ یعنی ما به‌طور نظام‌مند وضعیت نقض انواع مختلف حقوق بشر را تعقیب نمی‌کنیم، به‌طور نظام‌مند قوانین و مقررات را بررسی نمی‌کنیم و همچنین فعالیت‌های آموزشی و ترویجی انجام نمی‌دهیم؛ اما چنانچه دولت شرایط ما را فراهم کند و منابع مادی و انسانی لازم مطابق با اصول پاریس را تأمین نماید، آمادگی انجام چنین کاری را داریم. ما آماده تأسیس مرکز ویژه‌ای برای حقوق بشر و نهاد مشورتی هستیم، سال پیش از نهاد آموذزمان فنلاند بازدید داشتیم و در این سمینار توضیحاتی در این خصوص ارائه خواهد شد. به نهاد آموذزمان فنلاند علاقه زیادی داریم و حاضریم به‌عنوان نهاد ملی حقوق بشر -وقتی که این مرکز ویژه حقوق بشر و نهاد مشورتی تأسیس شود- این نقش را بر عهده بگیریم. براساس موافقت‌نامه ائتلاف، طرحی برای تأسیس نهاد ملی ویژه حقوق بشر وجود دارد و ما منتظر اتفاقاتی هستیم. تاکنون هیچ قانونی در این زمینه تصویب نشده و همچنین تاکنون آمادگی پذیرش نقش نهاد مبارزه با فساد را نداشتیم زیرا فکر می‌کردیم این امر ماهیت نهاد آموذزمان را تغییر خواهد داد؛ یعنی همان‌طور که قبلاً متذکر شدم صلاحیت‌های ما تنها در ارتباط با بخش دولتی است. وقتی ما موارد تبعیض را در

دست بگیریم این به منزله ورود به بخش خصوصی است و در این صورت مسأله‌ی دلایل قانون اساسی برای چنین اختیاری پیش خواهد آمد، بنابراین آمبودزمان دیگر، نهاد عالی حقوق بشری در کشور نمی‌تواند باشد؛ زیرا اگر وارد بخش خصوصی شویم آن‌ها مستحق حمایت قضایی خواهند بود و اگر تصمیمات آمبودزمان نیازمند حمایت قضایی باشد دیگر به عنوان عالی‌ترین مرجع در این حوزه محسوب نخواهد شد. پس فکر می‌کنم که این تغییرات ماهیت نهاد آمبودزمان را تغییر می‌دهد و با اتکا به دانش خود بر این باورم در صورتی که آمبودزمان به یک نهادی برای برابری تبدیل شود با موفقیت خیلی اندک روبه‌رو خواهد بود.

اگر بخواهم شمارا از آخرین اطلاعات در کشور خود، آگاه سازم این است که دولت پیشنهاد مربوط به توانمندسازی آمبودزمان برای به عهده گرفتن نقش نهادی برای برابری را پس گرفت و پیشنهاد اصلاحاتی در قانون مبارزه با فساد را ارائه دادند و نیز پیشنهاد بررسی پرونده‌های تبعیض توسط وکلای مستقل را مطرح خواهند کرد.

پس سخنانم را این‌طور به پایان می‌رسانم که ما آمادگی ایفای نقش نهاد ملی حقوق بشر اما نه نهادی برای برابری را داریم. آماده پاسخ به سؤالات هستم از توجه شما تشکر می‌کنم.

پرسش و پاسخ – جلسه اول

پرسش: نیهات عمر اوغلو (آمبودزمان ترکیه)

مایلم از رییس جلسه و از سخنرانان به خاطر صحبت‌هایشان و همچنین از خانم پروفسور به خاطر صحبت‌های جامعشان تشکر کنم.

از خانم اسپانو دو سؤال دارم. پرسش اول، سهم شکایات درباره‌ی حقوق زنان یا شکایت علیه زنان در آمبودزمان یونان چقدر است؟ متأسفانه ما در ترکیه فقط یک آمبودزمان داریم که به حقوق زنان و کودکان رسیدگی می‌کند. در قیاس با سایر شکایات این شکایات زیاد نیستند. نمی‌دانم چرا زنان ما از ارائه شکایت به آمبودزمان ترکیه امتناع می‌کنند. به همین خاطر برای من جالب است بدانم این نسبت در کشور شما چگونه است.

پرسش دوم، در ارتباط با آزار جنسی، مطابق شکایتی که به آمبودزمان می‌شود آیا شما این نوع پرونده‌های را به مراجع اعمال قانون برای تحقیقات جنایی ارجاع می‌دهید، آیا شما بعد از این مرحله مسأله را پیگیری می‌کنید یا همانند میانجی عمل می‌کنید و از سازمان مربوطه انتظار دارید حکم یا تصمیمی صادر کند؟

تشکر می‌کنم.

پاسخ: کالیوپ اسپانو (آمبودزمان یونان)

ابتدا راجع به خشونت عرض کنم که آمبودزمان یونان صلاحیتی در این مورد ندارد و نهادهای دیگری این وظیفه را انجام می‌دهند و درباره‌ی برابری جنسیتی یک دبیرخانه عمومی وجود دارد. ما اختیاری برای مداخله در این موضوعات نداریم بنابراین نمی‌توانم

رقمی درباره‌ی تعداد شکایات به شما ارائه دهم؛ اما در مورد مشکل عمومی تردید در پا پیش گذاشتن و ارائه شکایات به‌ویژه زمانی که این شکایت درباره‌ی آزار جنسی باشد مسأله این است که زنان احساس می‌کنند در صورتی که شکایت کنند، در معرض رسوایی بیشتری قرار خواهند داشت و این یک مانع جدی است. بر این اساس متأسفانه نهادهای دولتی نمی‌توانند حداقل برای حل مشکل مداخله نمایند و نشان دهند که این معضل در جامعه مدرن قابل تحمل نخواهد بود.

در حال حاضر در ارتباط با پرونده‌های آزار جنسی، آمبودزمان یونان در موضوعات آزار در محل کار تا اولین محاکمه دادگاه می‌تواند مداخله کند. حتی اگر شکایت‌کنندگان بخواهند به دادگاه بروند همچنان سعی می‌کنیم راه‌حل پیدا کنیم؛ اما راه‌حل در این نوع پرونده‌ها چه می‌تواند باشد؟ یک‌راه حل می‌تواند این باشد که یک‌طرف از طرف دیگر عذرخواهی کند و به سازش برسند که در این حالت قضیه خاتمه می‌یابد. یک‌راه حل دیگر این است که اگر شواهد کافی وجود داشته باشد آمبودزمان می‌تواند به اداره کل بازرسی کار پیشنهاد دهد تا جریمه اعمال نماید چراکه آمبودزمان صلاحیت اعمال مجازات ندارد. این موضوع تا حدودی شبیه موضوعات ذکرشده از سوی همکارانمان است. دیگر نگرانی‌ها، محاکم هستند، بعضی وقت‌ها به‌رغم مداخله و تلاش‌های ما برای یافتن نوعی راه‌حل، شاهد کشیده شدن این پرونده‌ها به محاکم هستیم. مشکل زمانی پیدا می‌شود که شواهد کافی وجود ندارد در این صورت باید اقدامات دیگری مدنظر قرار گیرد که در نتیجه پرونده‌های دادگاهی زیادی، فزاینده از موضوع اصلی آزار وجود دارد. ما چنین پرونده‌هایی داشتیم و پرونده‌های مشکلی بودند. لازم است خیلی مواظب باشیم زنانی که به ما مراجعه می‌کنند، این احساس را نداشته باشند که همه‌چیز آسان است و همه‌چیز قابل‌حل است. این اتفاق افتاده که برخی زنان احساس می‌کردند «آمبودزمان از من پشتیبانی می‌کند» و در نتیجه به شیوه خیلی تهاجمی پرونده خودشان را مطرح می‌کردند و نتیجه عکس می‌گرفتند؛ اما پیدا کردن توازن درست بین مداخله، پشتیبانی و تلاش برای حل مسأله و درعین حال جلوگیری از بدتر شدن اوضاع،

مسئله بسیار حساسی است. می‌توان به شما بگویم که این توازن اغلب بسیار ظریف است.

پرسش: احمد تیقانی (آمبوزمان سودان)

من سه سؤال دارم، سؤال اولم از آمبوزمان ترکیه و سؤال‌های دیگر از آمبوزمان یونان و قائم‌مقام آمبوزمان اسلوونی است. اولین سؤال درباره‌ی تبعیض علیه زنان است، می‌دانیم که ترکیه کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را تصویب کرده است، همچنین می‌دانیم قوانینی که در برخی از حوزه‌های خاص در ترکیه کاربرد دارد از بنیان غیر اسلامی ناشی می‌شود. ما در سودان در مورد سازگاری این کنوانسیون با باورهای مذهبی ما در مورد ارث، حق جانشینی^۱، ازدواج و طلاق مشکل داریم. این مسئله در کشورهای دارای باورهای اسلامی، مسئله بسیار ظریفی است. آن‌ها نمی‌توانند بین کنوانسیون و باورهای مذهبی سازگاری ایجاد نمایند.

دومین سؤال از آمبوزمن [بازرس مرد] یونان است هرچند که ایشان خانم هستند، من با کلمه آمبوزمن [بازرس مرد] مخالفم زیرا «آمبوزمن» به‌خودی‌خود تبعیض‌آمیز است چون ما هم بازرس مرد داریم و هم بازرس خانم. سؤال در مورد مسئولیت اثبات است. همان‌طور که شما گفتید در پرونده‌های خاص، مسئولیت اثبات دعوا در حال تغییر است و این فی‌نفسه به معنای تخلف از ادراک حقوق بشری است که ما محاکمه عادلانه می‌نامیم. اگر چنین کاری انجام دهید در آن صورت شما از ادراک دیگری از حقوق بشر که ما محاکمه عادلانه می‌نامیم تخلف کردید. انجام این تبعیض می‌تواند شامل بررسی قانونی گردد. این مسئله می‌تواند چالشی در مقابل دادگاه باشد بر این مبنا که این تبعیض باعث نقض یکی از اصول حقوق بشری یعنی محاکمه عادلانه می‌شود.

سومین سؤال از آمبوزمان اسلوونی است. خیلی خوشحالم که قوانین اسلوونی به‌نوعی در باب تحقیقات، شبیه قوانین ما هستند، سؤال‌های دیگرم مربوط به تبعیض است. سؤال این است در پرونده‌های خاصی که به‌موجب آن خسارت شخص موردنظر باید جبران شود،

مجبور به پرداخت غرامت به ایشان هستید. یک نفر برای عدالت‌خواهی نزد شما می‌آید و شما مسأله را بررسی می‌کنید و پی می‌برید که خسارت این شخص باید جبران شود و از جهتی غرامت دریافت نماید. می‌خواهم بدانم در مورد این پرونده‌ها چه کار انجام می‌دهید و با تصمیمات مرتبط با غرامت‌ها و جبران خسارت‌ها برای شاکیان چگونه رفتار می‌کنید.

خیلی متشکرم.

پاسخ: جرنی روسک (قائم‌مقام آمبودزمان اسلوونی)

بلی خیلی مختصر عرض کنم که این یک مشکل است. همان‌طور که متذکر شدم صلاحیت ما تنها در ارتباط با بخش دولتی است. ما براساس قوانین خود اختیار داریم تا پیشنهاد پرداخت غرامت به افراد از سوی نهادهای دولتی را ارائه دهیم. این کار را غالباً زمانی انجام می‌دهیم که دلیل روشنی وجود داشته یا مرتبط با نقض حقوق بشر باشد. به همین خاطر خیلی به‌ندرت موفق بودیم لیکن در دفعات معدودی موفقیت‌هایی داشتیم. معمولاً افراد به دادگاه مراجعه می‌کنند. خیلی متشکرم.

پاسخ: کالیوپ اسپانو (آمبودزمان یونان)

متشکرم. واقعیت این است که در موارد خاصی وجود این ابزار حقوقی جدید برای تغییر مسئولیت اثبات به معنای این نیست که دیگر اصل استصحاب^۱ اعتباری ندارد. این یک استثنا است که کارکردهای این اصل در موارد خاصی بنا به دلایلی است که به مشکلات خاص به وجود آمده مربوط می‌شود. چون معمولاً این ابزار حقوقی برای دیگر انواع تبعیض و همچنین برای اتفاقات در محل کار مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در مورد کسانی کاربرد دارد که مورد تبعیض واقع شدند و ضعیف‌ترین بخش را تشکیل می‌دهند. همان‌طور که دقایقی پیش گفتم آن‌ها از اقامه دعوا به‌منظور حفاظت از حقوق خود تردید دارند. در چنین مواردی این ابزار تلاش می‌کند تا مواضع آن‌ها را تقویت نماید اما همان‌طور که

1. principle of the presumption

پیشتر اشاره شد استفاده از این ابزار کار بسیار سختی است. این به معنای این نیست که برحسب تعریف، ما و یا دادگاه مسئولیت اثبات تغییر را داده باشیم، در اینجا باید شواهد کافی وجود داشته باشد تا از طرف دیگر بخواهیم عکس آن را اثبات کند؛ و البته در پایان، مسأله این است که دادگاه چگونه شواهد دو طرف را ارزیابی خواهد کرد. کاری که آموذمان می‌کند این است که به حقیقت ماجرا پی ببرد برای رسیدن به این مقصود می‌توانیم اظهارات شهود را بررسی کرده و یا از سوگند برای فهم واقعیت‌ها بهره ببریم. اگر غیرممکن باشد در این صورت می‌گوییم «غیرممکن است» و قدم بعدی مراجعه به دادگاه است که از اختیارت و توانایی‌های افزون‌تری برخوردار است؛ اما اجازه بدهید به دشوارترین موارد این فن حقوقی مشکل نپردازیم، بلکه به موارد معمولی و موارد معمولی‌تر نظیر اخراج از کار به دلایل مالی اشاره کنیم. اگر خانمی به دلیل بارداری از کار اخراج شود هر کاری لازم باشد باید در ارتباط با حمایت و غیره انجام شود. اگر کارفرما ادعا کند اخراج بنا به دلایل مالی بوده، باید ادعای خود را اثبات کند. فهم این که در دفتر حساب شرکت چه چیزی اتفاق افتاد به شخص اخراج شده ارتباطی ندارد. از این‌رو استفاده از این ابزار خیلی راحت‌تر خواهد بود. در مورد آزار جنسی به خاطر ماهیت این مسأله به حوزه خصوصی اشاره دارد و چون عمدتاً آنچه حوزه خصوصی اتفاق می‌افتد محرمانه باقی می‌ماند و افشا نمی‌شود با مشکل مضاعف روبه‌رو هستیم. در هر صورت وجود چنین فنی به معنای این نیست که به نحوی استفاده شود که طرفین امکان دفاع از خود را نداشته باشند. با تشکر.

رئیس نشست:

اگر اجازه دهید می‌خواهم چند جمله کوتاه درباره‌ی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان بیان کنم.

اکثریت مردم ترکیه مسلمان‌اند اما جمهوری ترکیه کشور سکولار است. بر این باورم که دولت سکولار نمی‌تواند دین مشخصی داشته باشد و باید در موقعیتی قرار گیرد که با همه افراد فارغ از باورهای مذهبی به شکل مساوی رفتار نماید. عضویت ما در این کنوانسیون در

راستای نقض باورهای دینی ما نیست هرچند در مورد برخی مواد این کنوانسیون از حق شرط نیز برخورداریم.

برای مثال کنوانسیون می‌گوید «قانون اساسی را در مورد موضوع برابری اصلاح کنید». به همین خاطر ما تبعیض‌های مثبتی را در قانون اساسی ترکیه گنجانیدیم. همان‌طور که می‌دانید تبعیض مثبت به معنای تدارک فرصت‌ها و امتیازهایی برای قشرهای در معرض نابرابری است تا آن‌ها بتوانند در موقعیت برابری قرار گیرند.

برای نمونه ما چه کار انجام دادیم؟ دولت برای کمک به پدرانی که دختران خود را به مدرسه نمی‌فرستادند شروع به پرداخت مبلغ خاصی به آن‌ها نمود.

بار دیگر اجازه دهید تا نمونه‌ای از همین کنوانسیون را ذکر کنم که به «ممنوعیت استفاده از تصاویر یا عکس‌ها در کتب درسی مدارس ابتدایی که باعث برانگیختن تبعیض یا ایجاد تبعیض در ذهن می‌شود» مربوط است.

به یاد می‌آورم که در کتاب‌های ابتدایی کارهایی که پدر یا مادر باید انجام می‌دانند مشخص بود. پدر روزنامه می‌خواند و در کنارش چراغی قرار داشت درحالی‌که مادر مشغول اتو کشی و کار در آشپزخانه بود. این تصاویر برای ما معمولی بود اما چون در ذهن بچه‌ها باعث ایجاد تبعیض می‌شود، کنوانسیون خواهان حذف این تصاویر است. ما هم این خواسته را انجام دادیم.

فکر می‌کنم چیزی برخلاف باورهای دینی انجام ندادیم.

پرسش: یعقوب دمیرجی

قاضی بازرسی وزارت دادگستری ترکیه هستم. از قائم‌مقام آمبودزمان اسلوانی سؤالی داشتم؛ گفتید که شما همانند یک طریقه قانونی جبرانی بعد از طی همه روش‌های قانونی از جمله مراجعات شخصی، عمل می‌کنید. آیا این روش جبرانی از نظر قوه مجریه الزام‌آور است یا نظری دارای ماهیت مشورتی است؟ آیا کنترل و حسابرسی نهادهای دولتی و کنترل انطباق آن‌ها با قوانین، ماهیت مشورتی دارد؟

متشکرم.

پاسخ: جرنی روسک (قائم‌مقام آمبودزمان اسلوونی)

بله طبق قانون می‌توانیم به هر نهاد دولتی ورود کنیم و همچنین می‌توانیم به‌عنوان سازوکار ملی پیشگیری در ارتباط با کنوانسیون منع شکنجه عمل کنیم و در چارچوب این نقش می‌توانیم به نهادهای خصوصی، مراکز نگهداری از سالمندان و غیره و یا بیمارستان‌های خصوصی ورود کنیم؛ اما حق دادخواهی در کشور حقی مطابق با قانون اساسی است و هر سال در گزارش سالانه خود تلاش می‌کنیم تا این حق هرچه بیشتر توسط قانون سامان‌دهی شود زیرا امروزه ما تنها نهادی هستیم که می‌خواهیم به هر دادخواستی و به هر نامه‌ای جواب داده شود، زیرا برخی مواقع نهادهای دولتی از جواب دادن سرباز می‌زنند و این حق ساماندهی نمی‌شود حتی اگر ریشه در حقوق قانون اساسی یا حقوق بشر در کشور ما داشته باشد.

رییس نشست:

ما با این مثال‌ها پی می‌بریم که نهاد آمبودزمان چگونه باید مؤثر و کارآمد باشد. اگر اجازه بدهید خیلی مختصر مباحث را جمع‌بندی کنم و چند پیشنهاد هم مطرح نمایم. اگر ما از آمبودزمان انتظار بازرسی خیلی مؤثرتری داشته باشیم اعتقاد دارم که برخی تغییرات باید در آمبودزمان ترکیه صورت پذیرد. اولین پیشنهاد درباره‌ی پاراگراف ۴ ماده ۱۷ است.

این پاراگراف برای مراجعه به آمبودزمان، استفاده از راه‌های حقوق عمومی پیش‌بینی شده در قانون رویه‌های عدالت اداری یا رویه‌های مراجعه اداری تعریف شده در حقوق خصوصی را اجباری کرده است. این قاعده فرایند حل و فصل را طولانی نموده و سازمان‌های دولتی مجبور به اجرای پیشنهاد آمبودزمان به نحو رضایت بخشی هستند هرچند که قبلاً مطالبات شهروندی را رد کرده باشد. از اداره انتظار می‌رود از چنین پیشنهادی تبعیت

نماید.

در ابتدای جلسه صبح امروز، آقای نیهات عمر اوغلو گفتند که در نظر دارند رقم انطباق نهادهای دولتی از پیشنهادهای آمبودزمان را ارتقا بخشند. اگر مقررات فرایند مراجعه اجباری — که خیلی تلاش نموده‌ام درباره‌ی آن صحبت کنم — از بین برود احساس می‌کنم نهادهای دولتی تبعیت بسیار زیادی از پیشنهادهای خواهند کرد.

پاسخ: نیهات عمر اوغلو (رییس آمبودزمان ترکیه)

مایلم به سؤال آمبودزمان سودان جواب دهم به عبارتی گفته‌های شمارا تکمیل کنم خانم رییس. بدون شک، ترکیه به‌عنوان جمهوری سکولار به همه باورها، فرقه‌ها و مذاهب به دیده برابر نگاه می‌کند؛ اما از طرف دیگر اکثریت جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند. گرچه کشور براساس قوانین سکولار اداره می‌شود، خواسته‌ی اکثریت مسلمان در چارچوب آزادی مذهب و عقیده محقق می‌شود یا زمانی که شکایاتی را دریافت می‌کنم پس از پی بردن به این نکته که جریانی برخلاف آزادی مذهب و عقیده رخ داده مبادرت به ارائه پیشنهاد می‌کنیم.

همان‌طور که می‌دانید یکی از این‌ها «رأی درباره‌ی پوشش سر خانم‌ها» بود. این مسأله یکی از موضوعات بحث‌برانگیز بود و خانم‌های محجبه نمی‌توانستند در بخش دولتی فعالیت نمایند و به مدت تقریباً سی سال نمی‌توانستند در دانشگاه حضور پیدا کنند. سه سال پیش یعنی در سال ۲۰۱۳ شکایاتی را در این مورد دریافت کردیم. ما درباره‌ی موضوعی که در افکار عمومی «پوشش سر» نامیده، پیشنهادی به نخست‌وزیری ارائه کردیم و خواهان لغو مقررات مربوط به «عدم استفاده از پوشش سر» شدیم ما اشاره کردیم که این امر برخلاف آزادی مذهب و عقیده است، به‌ویژه به آرای تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپایی و دادگاه‌های اروپا را مدنظر قرار دادیم و دولت نیز از آن تبعیت کرد. این اولین اقدامان بود.

ثانیاً هرچند که ما دولت سکولاری هستیم اما قانون اساسی، ارائه دروس مربوط به «مذهب و فرهنگ اخلاقی» در مدارس را مقرر نموده و این یک الزام قانون اساسی است.

با آن‌که ترکیه دولت سکولاری دارد، قوانین و دولت ترکیه، تمهیداتی را بر مبنای آزادی

مذهب و عقیده به‌منظور احترام به عقاید اکثریت مسلمانی که بیشتر جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند در نظر گرفته است.

رییس نشست:

تشکر می‌کنم به موضوع بسیار جالبی اشاره کردید. آقای عمر او غلو به ماده ۲۴ قانون اساسی اشاره کردند که از طرف برخی با سوءبرداشت مواجه شده است. شما این امکان را به من دادید تا درباره‌ی آن توضیحی ارائه دهم.

ماده ۲۴ می‌گوید «کلاس‌های مربوط به مذهب و فرهنگ اخلاقی اجباری است اما آموزش مذهبی اختیاری است». در اینجا نیاز به تفکیک داریم، کلاس‌های اجباری اطلاعات کلی درباره‌ی همه مذاهب و اخلاق همگانی یا قواعد اخلاقی مورد استفاده در سراسر جهان به دست می‌دهد. این کلاس‌ها اجباری است، مرحله بعدی آموزش مذهبی است که اختیاری می‌باشد. اگر دانش‌آموزی زیر ۱۸ سال باشد بسته به تصمیم والدینشان می‌تواند در این کلاس‌ها شرکت کند و یا شرکت نکند. اگر دانش‌آموزی بزرگ‌تر از ۱۸ سال سن داشته باشد مختار است در این کلاس‌ها حضور داشته و یا نداشته باشد. در این مرحله، دانش‌آموزان مطابق با باورهای مذهبی خودشان آموزش می‌بینند و دانش‌آموز غیرمسلمان نیز اختیار دارد در کلاس‌های مربوط به باورهای خود شرکت نماید.

معتقدم ماده ۲۴ مقررات خیلی خوبی را ترتیب داده و توضیح دادم.

اگر اجازه دهید پیشنهادی را در ارتباط با قانون آمبودزمان با شما در میان بگذارم. بند ۳ ماده ۱۷ مقرر می‌دارد «اختلافات در حال رسیدگی در دادگاه یا قوه قضاییه مشمول بررسی نخواهد بود».

آمبودزمان جایگزین دادرسی اداری نیست بلکه مکمل آن است. برخلاف دادرسی اداری، آمبودزمان نه تنها اختلافات را به معنای محدود کلمه بررسی می‌کند بلکه شکایات را بر مبنای حقوق بشر، انصاف، قانون و برابری مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از وظایف آمبودزمان کنترل تبعیت نهادهای دولتی از قانون است.

امکان مداخله دو سازمان متفاوت در مبادرت به تحقیق و به کار بردن شیوه‌های متنوع و حصول نتایج متفاوت به معنای موازی کاری و مداخله آن‌ها در فعالیت‌های یکدیگر نیست. درحالی‌که پرونده در دادگاه در حال جریان است، پایان بررسی و تحقیقات آمبودزمان می‌تواند به نتیجه مثبتی بیانجامد و دعوای موردبحث به پایان برسد. در چنین مواردی، پرونده کنار گذاشته می‌شود. اگر نتیجه بررسی سازمان، متفاوت از رأی دادگاه باشد این امر به معنای دخالت در دادرسی نیست، چراکه رأی نهایی را قوه قضاییه صادر می‌کند. به‌علاوه، اگر بی‌عدالتی‌هایی وجود داشته باشد که از طریق قضایی قابل‌رفع نباشد یا محاکم آن را به این دلیل که حق با نهاد دولتی است رد کرده باشند، در این صورت بررسی و تحقیق آمبودزمان می‌تواند مفید واقع شود. آمبودزمان می‌تواند اداره را به جبران هر بی‌عدالتی متقاعد کند. از آنجاکه راه‌حل ارائه‌شده از سوی آمبودزمان منطبق با قانون خواهد بود طبیعتاً نمی‌تواند در تعارض با رأی دادگاه باشد.

در نتیجه بزه‌دیده می‌تواند هم‌زمان به دادگاه و آمبودزمان مراجعه و یا متعاقب رأی دادگاه به آمبودزمان مراجعه کند.

اگر سازمان‌های دولتی از پیشنهاد آمبودزمان تبعیت ننمایند، تقاضا می‌کنیم به دادگاه مراجعه شود و اصلاحاتی نیز در قانون آمبودزمان صورت پذیرد. آیا با من موافق هستید؟ اگر موافق هستید حمایت شما را خواستاریم.

من باکمال میل از این پیشنهاد حمایت می‌کنم. همان‌طور که لحظات پیش اظهار داشتم، ۱۸ سال برای تصویب چنین قانونی برای آمبودزمان و کارکرد بهتر آن زمان صرف نمودم. دوباره به شما اطمینان خاطر می‌دهم که به این کار ادامه خواهیم داد.

جلسه ۲

ساختار نظام‌های ملی حقوق بشر و نقش آمبودزمان: مطالعه موردی کشورهای مختلف

رئیس نشست:

رئوف انگین سویسال

سخنران:

عبدالعزیز بن ذکور

لورا ویدویچ

سیرپا روشیو

رئوف انگین سویسال (مشاور وزارت امور اتحادیه اروپا / سفیر ترکیه در اتحادیه اروپا)

وقتی از مفهوم میانجی و نهادهای میانجی صحبت می‌کنیم موضوعات روزمره به ذهنمان متبادر می‌شود و به زمینه‌های تاریخی آن‌ها فکر نمی‌کنیم. وقتی به سازمان‌های مختلف با نام‌های مختلف نگاه می‌کنیم به‌عنوان مثال ولایت^۱ - منظوم یک سازمان میانجی گزارش دهنده‌ای است که از سال ۱۹۵۶ به پادشاهی گزارش می‌دهد - می‌بینیم که مراکش در این زمینه صاحب دیدگاه‌هایی بوده است. اکنون تریبون را به آقای عبدالعزیز بن ذکور واگذار می‌کنیم و به سخنان ایشان با دقت فراوان گوش خواهیم داد.

عبدالعزیز بن ذکور (آمبودزمان مراکش)

خیلی مایلیم عربی صحبت کنم اما متأسفانه مترجم عربی نداریم. همچنین انگلیسی هم می‌توانم صحبت کنم اما انگلیسی‌ام خیلی خوب نیست. از این‌رو فرانسوی صحبت خواهم کرد که بعد از عربی زبان دوم ما است. خیلی معذرت می‌خواهم.

آقای رییس،

همکاران،

سفرای ارجمند،

خانم‌ها و آقایان،

قبل از ایراد سخنرانی برای این جمع محترم، درباره‌ی موضوع پیشنهادشده، می‌خواهم از عالی‌جناب رییس‌جمهور ترکیه و همچنین دیگر مقاماتی که این مراسم مهم را سازمان‌دهی کردند و به خاطر دعوتشان از ما برای شرکت در این مراسم تشکر نمایم و خوشحالم از

1. vilayet

این که جزء سخنرانان این جلسه هستم. همچنین خوشحالم از این که در کشوری هستم که ایده تشکیل آموذمان در کشورهای شمال اروپا که بعداً الهام‌بخش بسیاری از کشورهای مختلف بود، اولین بار دو قرن پیش در حین حضور پادشاه سوئد در این کشور صورت گرفت جایی که ایشان از مشاهده وجود یک نهاد دولتی مختص حل و فصل اختلافات بین افراد تابع امپراتوری عثمانی و مقامات آن تحت تأثیر قرار گرفت.

در این نشست مأموریت دارم تا یک دلیل^۱ شخصی و یک تصویر ملموس از خصوصیات نهاد میانجی اداری و هم‌زمان نهاد دیگری که وظیفه ارتقا و حمایت از حقوق بشر را در کشور ما بر عهده دارد ارائه نمایم. فکر می‌کنم این وظیفه، روابط متقابل این دو نهاد را طی سالیان متمادی و مداخلات آن‌ها در حوزه‌های مربوط به خودشان را آشکار خواهد کرد. بدین منظور در سه مرحله متوالی اقدام خواهیم کرد، مرحله اول به توصیف وضعیتی که این دو سازمان مأموریت خود را به‌طور موازی انجام می‌دهد و به تاریخچه آن‌ها اختصاص دارد. در مرحله دوم تمرکزمان بر خصوصیات کارکردهای نهاد ملی میانجی (آموذمان) خواهد بود و در سومین و آخرین مرحله از طریق تفاسیر کلی^۲ نتایج به‌دست‌آمده به‌طور مختصر به مشکلاتی که مانع از تحقق عملکرد رضایت‌بخش می‌شود خواهیم پرداخت.

سخنم را با تشریح برخی از ابعاد وضعیت حاکم بر مراکش آغاز می‌کنم. مراکش در زمره‌ی کشورهایی است که دو نهاد در کنار هم وجود دارند. قانون اساسی رسماً بر موجودیت دو نهاد مشورتی مکمل تصریح کرده که به پاسداری از حقوق اختصاص دارند؛ بنابراین با دو نهادی روبه‌رو هستیم که از یک‌طرف مسئول حمایت از حقوقی هستند که مربوط به شرافت انسانی، اخلاق و تمامیت فیزیکی شهروندان است و بدین‌سان طیف وسیعی را شامل می‌شود و از طرف دیگر دارای ارتباطات روزانه با نهادهای اجرایی است که بنابراین حوزه‌ی مداخله محدودی را دربرمی‌گیرد. این دو نهاد از سه قدرت سنتی مستقل

1. testimony

2. general comments

بوده و نسبت به چنین قدرت‌هایی از استقلال واقعی برخوردارند و به‌منظور اجتناب از هر نوع نفوذ خارجی یا فشار که برای استقلال آن‌ها زیان‌بار است، رؤسای دو نهاد مستقیماً توسط مرجع عالی دولتی منصوب می‌شوند.

انگیزه‌هایی که در ایجاد این نهادها دخیل بوده تا حدودی متفاوت است در حقیقت انگیزه‌های سیاسی دخیل بوده و به‌منظور گشودن صفحه جدیدی در مقابل رویه‌های ناموفق شورای حقوق بشر در اواخر قرن گذشته، شورای مشورتی و پنج سال بعد شورای ملی تشکیل شد. درواقع آنچه باعث شد تا نهاد میانجی (آمبودزمان) در آغاز با ویژگی اداری تشکیل شود این بود که با دقت از شهروندان در مقابل تصمیمات اداری و اعمالی که به حقوق و منافع مشروع افراد لطمه می‌زند محافظت کند. مهم‌تر از همه، مداخله نهاد میانجی در کارکرد دادگاه‌های اداری موفق بوده اما هنوز درزمینه‌ی الزام‌آور نمودن تصمیمات خود و همچنین درزمینه‌ی قوانین سرکوبگر ناموفق است. نباید ادعا نمود که این رویه جایگزینی برای دادگستری بوده است. علاوه بر مواردی که تفاوت‌های مربوط به ساختار سازمانی هر دو نهاد مشورتی را به همراه دارد، میانجی در قالب فردی و نهادی بدون داشتن هرگونه شأن مشورتی به شکل شورا یا مجمع ظاهر می‌شود درحالی‌که شورای ملی حقوق بشر همان‌طور که از نام آن پیداست منطقاً شورایی آزاد و دارای شخصیت کثرت‌گرا است.

میانجی پادشاهی مراکش به لحاظ منصب خود در تمامی جلسات شورا شرکت می‌کند. ویژگی‌های هر دو نهاد باهم همپوشانی دارند، بدون این‌که ضرورتاً در حوزه وسیع حقوق بشر مزاحم یکدیگر باشند. میانجی و شورای ملی درحالی‌که از هم تفکیک شده‌اند وظایف خود را به شیوه منظم و شفاف به‌منظور اجتناب از هرگونه مداخله بالقوه یا همپوشانی انجام می‌دهند. همکاری دائمی به دلیل احتمال ارسال متقابل پرونده‌های متعلق به هریک از دو نهاد برقرار است. از طریق اقدامات میانجی پادشاهی در عرصه بین‌المللی و مساعدت آن به شبکه‌های بین‌المللی منطقه‌ای مختلف، این نهاد فعالانه می‌کوشد تا زمینه شناسایی و

تصدیق رسمی نقش برجسته این نهاد را همانند^۱ دیگر نهادهای ملی حقوق بشری توسط شورای حقوق سازمان ملل در ژنو را فراهم کند. مراکش پشتیبان تصویب قطعنامه‌های مهم از سوی مجمع عمومی بود که حامی این خواسته بود.

در زمینه‌ی بین‌المللی و در سایه روابط خاصی که با کشورهای مختلف به‌ویژه با کشورهای دارای روابط دوستانه داریم از وجود الگوهای مختلف به کار گرفته‌شده آگاهی خواهیم داشت. برخی یک‌نهاد مشورتی یا گروه ملی حقوق بشری تشکیل داده‌اند که دارای واحدهای تخصصی دارای وظایف خاص هستند. در این وضعیت بخش اختصاص داده‌شده به میانجی‌داری کلاسیک خیلی ناچیز است جایی که مستلزم انجام تلاش‌هایی باهدف ایجاد افق‌های دقیق و متناسب میانجی‌گری است. برخی کاملاً برعکس، با توجه به ابعاد متمایز و خاص حقوق بشر ساختارهای زیادی را تأسیس کرده‌اند. از این منظر، تشکیل میانجی به‌طور مستقلی صورت گرفته و دارای عناوین متنوعی در بین دیوان سنتی اسلامی المدحلیم است و بعضاً با دادگاه‌های اداری خلط می‌شود. موضوع وکالت مردم یا مدافع یا به عبارت دقیق‌تر مدافع حقوق یا آموذمان متأسفانه در کشورهای دیگر در انتخاب یک نوع فرمول به دلایلی که عمده‌ترین آن سیاسی است با تأخیر مواجه بوده است. ما همچنین تمامی ملاحظات را به دلیل نگرانی فزاینده افکار عمومی درباره‌ی وضعیت برخی محرومین و به حاشیه رانده‌شدگان طبقات اجتماعی در برخی کشورها مدنظر قرار می‌دهیم. در کنار نهادهای آموذمان دارای نقش میانجی و کمیسیون شورای حقوق بشر، نهادهای دیگری هستند که وظیفه حمایت از حقوق کودکان و افراد معلول را بر عهده‌دارند هرچند که اخیراً تمایلی به سمت این ایده مشاهده شده که همه این نهادها زیر یک سازمان اصلی به‌منظور دفاع از حقوق بشر یکپارچه شوند. این تحول ممکن است در میان‌مدت به دلایل انگیزه‌های اعلام‌شده یا اعلام‌نشده محقق شود، اما در این میان مشکلاتی در مورد مدیریت بودجه و

۱. *ex officio* واژه لاتین و منظور آن است که مقام یا عضویت کسی در یک دفتر یا ارگان بر اساس مقام و منزلت این شخص در دفتر دیگری باشد. م

اداره‌کنندگان آن وجود دارد.

به‌طور خلاصه براساس کنوانسیون سازمان ملل در مورد دغدغه حمایت از حقوق بشر با عنایت به امتیازات و ویژگی‌های آن و نیز به‌واسطه تلاش داوطلبانه از سوی شبکه‌های بین‌المللی منطقه‌ای برای بهره‌مندسازی کشورهایی که فاقد این نهادها هستند، اطمینان دارم دیر یا زود در کوتاه‌مدت نظام نهاد میانجی به‌عنوان یک مؤلفه فراگیر در عرصه سیاسی به‌منظور واکنش بهتر در برابر انتظارات افکار عمومی در همه کشورها و در کشورهای مختلف گسترش می‌یابد. با انجام چنین کاری ما قادر خواهیم بود به مطالبات مردم در هرجایی پاسخ دهیم.

اکنون اجازه می‌خواهم بخش دوم سخنرانی خود را آغاز کنم که به معرفی نهاد میانجی کشور پادشاهی مراکش اختصاص دارد. در این خصوص بروشوری حاوی اطلاعاتی در مورد نهاد میانجی پادشاهی مراکش و ویژگی‌های آن مخصوصاً ابتکاراتی که عملکرد آن را متمایز می‌سازد برای توزیع به دبیرخانه تحویل دادم. نهاد ما در شکل مدرن کنونی آن، ابداع نسبتاً جدیدی است. از زمان تأسیس در مارس ۲۰۱۱، جایگزین نهاد دیگری شد که از سال ۲۰۰۱ فعالیت می‌کرد. این دیوان المدحلیم بود که بعد از ساختارهای متوالی که برای رسیدگی به شکایات مردم از نهادهای دولتی به وجود آمدند پا به عرصه نهاد. ریشه چنین نهادهایی به زمان‌های قدیم در کشور ما و جامعه اسلامی برمی‌گردد اما چرا عناوین این نهاد دچار تغییر می‌شوند؟ اساساً این امر نام‌گذاری جدیدی است تا این که منعکس‌کننده دستاوردهای به‌دست‌آمده در سطح بین‌المللی در زمینه‌ی میانجی‌گری و به‌ویژه دستاوردهای توسعه‌یافته‌ترین کشورها در حوزه دموکراسی و حقوق بشر باشد.

حوزه مداخله آن به‌منظور پوشش دادن ادارات دولتی غیر سنتی و نهادهای دولتی گسترده‌تر شد که شامل بخش گسترده‌ای از نهادهای شبه‌دولتی دارای شخصیت اقتصادی می‌شود، این نهادها در معرض کنترل مالی دولتی هستند و بعضاً در معرض شکایت شهروندان درباره‌ی خدمات بازرگانی آن‌ها توسط اشخاص ثالث قرار دارند. با این حال

آلوده‌زمان به‌طور متوسط سالانه ۱۰ هزار شکایت دریافت می‌کند که توسط کارکنان برخورداری از چندین تخصص گوناگون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در متن جدید بر امکان بررسی مستقیم و نظام‌مند پرونده‌ها تصریح شده است، زمانی که اطلاع حاصل شود کارکرد نامناسب اداری موجب ایجاد خسارت به افراد مطابق با حقوق خصوصی گردیده یا این‌که وی از توسل به آلوده‌زمان برای مطالبه ضررهای ناشی از اشتباهات و یا جبران حقوق پایمال شده ناتوان است. افزون بر آن، اعضای مجلس و نهادهای دیگر مجاز به ارجاع شکایات عموم مردم هستند. این ارجاع غیرمستقیم همکاری خوبی را بین ذی‌نفعان مختلف تشکیل داده است.

چنین انتظار می‌رود که سازمان‌دهی منطقه‌ای، دغدغه نزدیکی شهروندان در مناطق مسکونی را در نظر بگیرد تا مشکلات ناشی از دسترسی آن‌ها به دفتر اصلی را برطرف نماید. ما در حال حاضر چهار میانجی منطقه‌ای به‌اضافه یک نمایندگی محلی داریم و در کوتاه‌مدت و میان‌مدت میانجی‌های دیگر و نیز تأسیس نمایندگی‌های دیگری به‌ویژه در مهم‌ترین نواحی جمعیتی طراحی شده است. ما می‌توانیم گزارش‌های ویژه‌ای را به رییس حکومت بفرستیم و نواقص پایدار شناسایی شده در خدمات عمومی و نیز اختلافات موجود در رفتار مأموران در ارتباط با استفاده‌کنندگان از خدمات عمومی را گزارش دهیم. ما خواهان ارتباط بهتر مخاطبان دائمی مسئولان و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده و نیز تسهیل در رسیدگی رضایت‌بخش به شکایات ارائه شده هستیم.

به همین ترتیب کمیته‌های نیمه دائمی در اداراتی که عمدتاً با اعتراض شهروندان روبه‌رو هستند تأسیس گردیده است تا هرچه سریع‌تر پرونده‌های دارای ماهیت حساس و پیچیده و پرونده‌های معوق را حل و فصل نمایند. قانون به ما اجازه می‌دهد تا از طبقات خاصی از افراد در وضعیت‌های آسیب‌پذیر مانند زنان بیوه، یتیمان، زنان مطلقه برای بهره‌مندی آن‌ها از کمک‌های قانونی در برابر دادگاه‌های صلاحیت‌دار پادشاهی مراقب حمایت بیشتری به عمل آوریم. این نهاد در نظر دارد سه نمایندگی ملی ویژه که از کارآمدی و سرعت عمل نیز

برخوردار باشد برای تسهیل دسترسی به اطلاعات دولتی، نظارت بر ساده‌سازی رویه‌های دولتی و دسترسی به خدمات عمومی و نظارت بر اجرای تصمیمات دادگاه‌ها علیه ادارات تشکیل دهد.

در اینجا باید به یکی از خصوصیات آمبودزمان که اهمیت قابل‌توجهی دارد اشاره کنیم و آن امکان ادامه فعالیت به جای انتظار نامحدود برای دریافت جواب نامه‌های توضیحی خطاب به مدیران است؛ یعنی آمبودزمان می‌تواند مبادرت به تحقیق نماید و در صورت لزوم بدون انتظار برای دریافت پاسخ می‌تواند از مقامات مربوط اسنادی را درخواست نماید. همچنین این امکان برای آمبودزمان وجود دارد که بر مبنای شرایط ویژه‌ای به رئیس دولت پیشنهادهایی را برای توسعه قانون و تهیه اصلاحات قانونی برای طرح آن در مجلس ارائه دهد. آمبودزمان همچنین مسئول ارائه گزارش سالانه مفصل در خصوص فعالیت‌ها و دستاوردهای خود به پادشاه است. این گزارش در روزنامه رسمی منتشر می‌شود و خلاصه‌ای از آن در جلسه عمومی مجلس ارائه می‌گردد.

در حوزه همکاری و مشارکت، تعدادی موافقت‌نامه‌های دوجانبه با نهادهای همتای خارجی باهدف تأمین معاضدت قضایی دوجانبه برای هم‌وطنان مقیم خارج و اتباع کشورهای دوست که در کنار ما ساکن هستند منعقد کرده‌ایم. ما این همکاری را به سطح منطقه‌ای و در شکل غیررسمی بیانیه حسن نیت در چارچوب انجمن آمبودزمان مدیران‌های توسعه داده‌ایم. درحالی‌که حاضر در راستای پذیرش آن در سطح بین‌المللی تلاش می‌کنیم. همکاری بین‌المللی ما این امکان را فراهم آورده تا نقش بسیار فعالی در پیدایش گروه انجمن حوزه مدیران‌ها داشته باشیم. اکنون بعد از سه دوره پیاپی ریاست انجمن، ریاست افتخاری آن را بر عهده داریم. در این چارچوب ما مبادرت به مطالعه تطبیقی برای یافتن راه‌حل‌های واقع‌گرایانه و قابل‌قبول نمودیم که با استقبال گرم همکارانمان مواجه شد.

آقای رییس‌جمهور،

همکاران محترم،

خانم‌ها و آقایان،

امیدوارم نمایی کلی از نهاد کشور خود و از تشکیلات و نقش آن ارائه کرده باشم. اگر اجازه دهید مایلیم بخش سوم عرایضم را که درباره‌ی تجربه ما است، خیلی کوتاه ایراد نمایم. در اینجا می‌خواهم نقاط نظر و تجربه‌های نهاد خود را با شما به اشتراک بگذارم. من از این که ریاست نهادی را بر عهده دارم که به‌وضوح بخش مهمی از فعالیت‌های مهم در چارچوب صلاحیت‌های همه نهادهای میانجی و آمبودزمان ایفا می‌کند احساس غرور می‌کنم. در اصل ما درصدد تشکیل منبع مهمی از پیشنهادهای همکاری بین ساکنین کشور اعم از داخلی و خارجی و شرکت‌های متعدد با مدیریت دولتی هستیم.

در چارچوب صلاحیت امر قضاوت شده^۱، داشتن اختیار تصمیم‌گیری همانند آرای دادگاه‌های اداری موفقیتی به دست نیامد. دغدغه مداوم ما این است که دیدگاه‌ها را به‌منظور رسیدن به بهترین ترتیبات ممکن با یکدیگر منطبق کنیم درحالی که ترجیحاً حداقل به لحاظ نظری از طرف ضعیف که با ساختار به‌خوبی سازمان‌دهی شده روبه‌روست حمایت کنیم برای این که دومی در بسیاری از زمان‌های مقتضی از ابزار حقوقی و نظارتی قدرتمندی برخوردار است. بدین منظور تعدادی ابزارهای مجاب‌کننده داریم که متأسفانه درحال حاضر از قدرت متقاعدکنندگی برخوردار نیستند درحالی که سطح رضایت کمی و کیفی اقدامات مشترک ما قابل احترام است اما هنوز نیازمند این هستیم که درصورت تأخیر یا تعلل، ازطریق پیشنهاد یا توصیه یک‌راه حل عینی، تصویری از آن را به نمایش بگذاریم. اجازه بدهید تا پراتنزی را برای توضیح تفاوت‌های موجود بین پیشنهاد و توصیه که در متون حاکم بر مداخلات گیج‌کننده هستند، بازکنم. به نظر من توصیه به معنای اظهار کردن است اما در پیشنهاد یک راه‌حلی وجود دارد. پیشنهاد به نحوی کم‌ویش دوستانه و به معنای بی‌طرفی آمبودزمان

1. res judicata

است و به دستگاه اداری اختیار پذیرش یا رد آن را اعطا می‌کند.

در مورد پیشنهاد هرچند که دارای ماهیت الزام‌آور است اما آمبودزمان می‌تواند از طریق تشویق اداره به اجرای چنین پیشنهادی، از نگرش خود حمایت به عمل آورد بنابراین به‌وضوح پیشنهاد از توصیه، قانع‌کننده‌تر است. عموماً پیشنهاد برای موارد عمده و تکرارشونده کاربرد دارد و باعث می‌شود که میانجی از اداره درخواست کند تا رویه‌های خود یا حتی مشروعیت تصمیمات خود را موردبررسی مجدد قرار دهد.

ویژگی دیگری وجود دارد که ذکر آن در اینجا با آوردن مثالی مفید به نظر می‌رسد. ما درباره‌ی تصمیماتی صحبت می‌کنیم که معمولاً تعداد آن‌ها مهم‌تر از تعداد تصمیماتی است که به تشکیلات داخلی نهاد مربوط می‌شود به‌ویژه هنگامی که تصمیم می‌گیرد پرونده‌ای را به دلیل این که خارج از صلاحیت خود قرار دارد مختومه نماید یا هنگامی که برای سازمان غیرقابل توجیه باشد یا این که استدلال محکمی را مطرح نکند. همان‌طور که قبلاً عنوان نمودم نهاد میانجی کشور پادشاهی مراکش سالانه هزاران شکایت و شکوائیه دریافت می‌کند که بیشتر آن‌ها بنا به دلایلی که ذکر کردم در طبقه‌بندی خاصی قرار می‌گیرند. تعداد پیشنهادها سال به سال در حال افزایش است و در برخی موضوعات متعدد به بیش از صد مورد می‌رسد. آنچه اهمیت زیادی دارد تعداد این پیشنهادها نیست بلکه متقاعد کردن اداره به منصفانه بودن چنین راه‌حلی است. حداقل اجماع در مورد یک مصالحه رضایت‌بخش از یک طرف شامل تأمین ادعاهای حقوقی شهروندان می‌شود و از طرف دیگر شامل تأمین اقتدار و اعتبار اقدامات اداری است. پیشنهاد نمایانگر رسیدن به نتیجه است که از راه تجزیه و تحلیل نهاد حاصل شده است. همچنین از طریق بررسی دقیق داده‌ها و تفسیر قوانین و صلاحیت‌های قانونی جاری حاصل می‌شود. در مراکش پیشنهادهای عمده‌ای که در سال‌های اخیر ارائه شده است مربوط به تأثیرات قضایی بی‌اعتباری تصمیمات اداری می‌شود. این امر برای مثال به اعاده حقوق مقامات برکنار شده و اجرای حکم با اتکا به اعتبار امر قضاوت شده اشاره دارد.

این موارد مکرر، غالباً به سلب مالکیت برای اهداف عمومی مربوط می‌شود که بدون پرداخت خسارت کافی و در زمان معقول انجام نمی‌شود. موضوع مهم دیگر قراردادهای عمومی با دولت براساس رویه‌های خاص است. همیشه تعهدات مطابق با شرایط قراردادی صادقانه مراعات نمی‌شود. ارائه رهنمود، موضوع دیگری است که در شرایط ارتکاب قصور از طرف دولت و در زمان مسئول بودن آن باید ارائه شود. دولت همچنین مسئولیت تأخیرها و تعهدات است و پیامدهای چنین وضعیتهایی را باید متحمل شود. این مسأله در عمل موضوع بسیار وسیع و جامعی است.

ممنون از این‌که به سخنان من گوش کردید.

لورا ویدویچ (آمبودزمان کرواسی)



از مدیر جلسه تشکر می‌کنم و به‌خصوص مایلم از سازمان‌دهندگان این همایش خیلی مهم به خاطر دعوت از من تشکر نمایم. بسیار مفتخرم از این که اینجا حضور دارم و تجارب کشور و اداره خود را که در اصل به‌عنوان اداره آمبودزمان تأسیس گردید و به‌طور سنتی به‌عنوان اداره مسئول رسیدگی به تخلفات قانونی یا نقض حقوق قانونی از سوی مقامات دولتی شناخته می‌شود، با شما به اشتراک می‌گذارم. البته در طول سال‌ها آمبودزمان‌های مختلفی به‌وجود آمده و همان‌طور که در روز گذشته الگویی از طرف کشور لتونی مطرح گردید، کشور من نیز نه‌تنها از اداره آمبودزمان و نهاد ملی حقوق بشر که دارای وظیفه مهم ارتقا و حمایت از حقوق بشر است بهره می‌برد بلکه از نهادهای برای برابری و سازوکار ملی پیشگیری نیز برخوردار است؛ بنابراین هرروز چندین وظیفه داریم که مجبور به انجام آن هستیم.

قطعه‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل، نهادهای آمبودزمانی را به اجرای استانداردهای بین‌المللی و انجام وظیفه به‌عنوان سازوکار ملی حمایت از حقوق بشر تشویق می‌کند؛ و البته همین مسأله نهاد ملی حقوق بشر را برای ما به ارمغان آورد که در نوع تشکیل خود بسیار

شبهه به آموذمان بود اما تفاوت‌هایی نیز داشت. نهاد ملی حقوق بشر مانند آموذمان بخشی از دستگاه دولتی است و اصولاً توسط دولت تأسیس شده است، همانند آموذمان در مقابل مجلس پاسخ‌گوست و زیر حاکمیت مستقیم دولت یا قوه قضائیه قرار ندارد. به همین خاطر بسیاری از ادارات آموذمان، نقش نهاد ملی حقوق بشر چه از نوع الف یا ب آن را ایفا می‌کنند. بزرگ‌ترین تفاوت بین آموذمان و نهاد ملی حقوق بشر این واقعیت است که نهادهای ملی حقوق بشر وظیفه سنگین ارتقا و حمایت از حقوق بشر را بر عهده‌دارند که البته ساده‌تر از نظارت بر حکمرانی خوب و تحقیق درباره‌ی پرونده‌های احتمالی ناشی از سوء مدیریت نیست؛ بنابراین نهاد ملی حقوق بشر در میسر متفاوت از کارکرد آموذمانی انجام‌وظیفه می‌کند. البته برای تبدیل یک اداره به نهاد ملی حقوق بشر به حداقل استانداردها نیاز است. این‌ها به‌عنوان اصول پاریس شناخته می‌شوند و مطمئناً بسیاری از شما از قبل با آن‌ها آشنایی دارید. برای تبدیل شدن به جایگاه نهاد ملی حقوق بشر و کسب موفقیت، شش معیار عمده وجود دارد که باید از سوی نهاد برآورده شود. خیلی مختصر درباره‌ی برخی از آن‌ها توضیح خواهم داد. وظایف و صلاحیت به معنای این است که یک‌نهاد تا حد ممکن از وظایف گسترده‌ای برخوردار باشد. این وظایف باید برگرفته از اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر باشد. البته باید محدودیت‌های خاصی اعمال شود و این بدین معنا نیست که هر نهادهی همه حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی را مدنظر قرار دهد.

برای مثال اداره من در حوزه‌ی حقوق کودکان، حقوق افراد معلول، برابری جنسیتی و حقوق هم‌جنس‌گرایان وظیفه‌ای بر عهده ندارد چراکه در کرواسی نهادهای آموذمانی جداگانه‌ای برای این گروه‌های حقوقی وجود دارد. البته وظایف باید ترجیحاً در چارچوب قانون اساسی بیان شود و سپس از طریق قانون‌گذاری فعالیت‌های خود را آغاز نماید. نهادهای ملی حقوق بشر نه تنها باید از توانایی و ارسی دقیق دولت برخوردار باشند بلکه باید بتوانند آن را نقد کنند و من مطمئن هستم که این مسأله شباهت بسیاری به انجام‌وظیفه روزمره آموذمانی ما دارد.

استقلال باید با وضع قانون و یا از طریق قانون اساسی که بسیار شبیه به کارکرد

آمبودزمانی است تضمین شود. این بدین معناست که از فعالیت قانونی و استقلال مالی برخوردار بوده و رویه‌های انتصاب و انفصال باید واقعاً سخت‌گیرانه و در چارچوب قانون صورت گیرد و چارچوب وظایف و اختیارات اثباتی داشته باشد.

کثرت‌گرایی از طریق عضویت و همکاری مؤثر به معنای این است که ادارات دارای کارکنان متنوعی باشند و باید همکاری پایداری بین گروه‌های مختلف در جامعه به‌ویژه گروه‌های به حاشیه رانده‌شده و آسیب‌پذیر برقرار شود. هنگامی که مسأله طرح‌های تحقیقاتی یا اولویت‌های موضوعی خاص در میان باشد، این امر فراهم‌کننده انتخاب آزادانه موضوعات و اولویت‌هاست.

تأمین منابع کافی از سخت‌ترین موضوعاتی است که با آن روبه‌رو هستیم و مطمئن هستیم که شما دراین باره با من هم‌نظرید. تضمین اعطای بودجه کافی، نیازمند مذاکرات سخت با ساختارهای متفاوت دولتی و مجلسی است.

همچنین مسئولیت‌های نهاد ملی حقوق بشر، فهرست بندی شده‌اند و عمل به این مسئولیت‌ها مستلزم نظارت بر وضعیت نقض حقوق بشر است؛ بنابراین این مسئولیت‌ها از پرونده‌های ناشی از سوء مدیریت و نقض حقوق شهروندانی که به ما شکایت می‌کنند فراتر می‌رود چون احساس می‌شود این حقوق از سوی مقامات دولتی نقض گردیده است.

به‌علاوه لازم است تا از حجم کاری سنگین که از ارتباط با سازمان‌های دولتی و وظیفه بین‌المللی ما ناشی می‌شود سخن به میان آورم. این حجم کاری مشوق هماهنگ‌سازی قوانین ملی با استانداردهای بین‌المللی و نیز مشوق تصویب اسناد بین‌المللی است. این مسأله به معنای ارائه گزارش‌های مستقل به نهادهای حقوق بشری و دیگر سازوکارهاست همچنان که سال گذشته گزارش مستقلی را به کنوانسیون مبارزه با شکنجه و میثاق حقوق مدنی و سیاسی ارائه کردیم؛ بنابراین حجم کاری که برای تحقق این وظیفه بر عهده داریم بسیار سنگین است. البته همکاری با نهادهای حقوق بشر بین‌المللی درحال تداوم است.

افزون این که یکی از مسئولیت‌های ما آموزش و اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی حقوق بشر است که تا حدودی با کارکرد آمبودزمانی سنتی تفاوت دارد چراکه اداره حداقل قبل از اعطای

جایگاه نهادهای ملی حقوق بشری این وظیفه را بر عهده نداشت. البته برای حصول به موفقیت، داشتن استقلال مالی حیاتی است. نهادی که هیچ کنترل بر منابع مالی‌اش نداشته باشد واقعاً نمی‌تواند وظایف خود را به نحو صحیح انجام دهد و استقلال داشته باشد، استقلال برای انجام همه وظایف سازمان بسیار حیاتی است. همان‌طور که نهادهای ملی حقوق بشری توسط دولت‌ها تأسیس می‌شوند، به‌راستی باید از عملکرد مستقلانه‌ی آن‌ها از دولت اطمینان حاصل شود.

اگر بخواهیم خیلی دقیق‌تر در مورد کرواسی صحبت کنیم باید بگوییم نهاد آمبودزمان کرواسی در سال ۱۹۹۲ براساس مدل دانمارک و در عمل به‌عنوان نهاد آمبودزمان سنتی تأسیس شد که به پرونده‌های ناشی از سوء مدیریت یا نقض حقوق توسط مقامات دولتی رسیدگی می‌کند. اداره برای سال‌ها، بدون جنجال‌آفرینی انجام‌وظیفه کرد و حضور رسانه‌ای محدود و تقریباً صفری داشت. کارکنان منحصراً از وکلایی تشکیل می‌شدند که از وزارتخانه‌ها آمده بودند و از کارشناسان خبره در این حوزه بودند و به شکایات دریافت شده پاسخ می‌دادند؛ اما بعدها شکایات زیادی را دریافت نکردند بعد از تبدیل شدن ما به نهاد ملی حقوق بشر، شروع به دریافت شکایات نمودیم.

قبلاً یکی از تغییرات قانونی صورت‌گرفته درباره‌ی حقوق بشر و آزادی‌های بین‌المللی موردقبول کرواسی را ذکر کردیم و در کنار آن به اختیارات آمبودزمانی کلاسیک در ارائه پیشنهادها، نظرات و گزارش‌ها و نیز به استقلال آن اشاره داشتیم. این سه عنصر برای سازمان من امکان این را فراهم کرد تا خواستار به دست آوردن جایگاه نهاد ملی حقوق بشر باشد. از این‌رو در سال ۲۰۰۸ جایگاه الف اعطا گردید و در سال ۲۰۱۳ اعتبار آن مجدداً تأیید شد. پیشنهاد اصلی ارایه‌شده از سال ۲۰۰۸ پیرامون گسترش رسالت ارتقای حقوق بشر است که اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که گفتیم با دیگر نهادهای آمبودزمانی همکاری داشتیم و در حال حاضر آمبودزمانی برای کودکان و افراد معلول و برای برابری جنسیتی داریم. البته تأمین مالی کافی، افتتاح ادارات منطقه‌ای و سپس اصلاحات قانون اساسی که برای ما امکان تغییر قوانین را فراهم نمود، باعث گردید تا مسئولیت خطیری در ارتقای

حقوق بشر داشته باشیم. افتتاح ادارات منطقه‌ای و امکان دسترسی که امروز درباره‌ی آن بحث کردیم هم در سال ۲۰۰۸ و هم در سال ۲۰۱۳ پیشنهاد شد. ما سال گذشته دو اداره منطقه‌ای را افتتاح کردیم و خیلی مفتخرم که بگویم به‌زودی سومین اداره منطقه‌ای را در دومین شهر بزرگ کرواسی یعنی شهر اسپلیت^۱ افتتاح خواهیم کرد.

همچنین همکاری با دیگر نهادهای آمبوزمانی برقرار بوده و حتی نهادهای شده است زیرا ما تصمیم داریم موافقت‌نامه رسمی درباره‌ی همکاری امضا نماییم هرچند که در حال حاضر لزومی به این کار نمی‌بینیم اما برای اطمینان از تحقق چنین پیشنهادی به امضای این موافقت‌نامه همکاری اقدام نمودیم.

تعامل مؤثر ما با نظام حقوق بشر سازمان ملل نه تنها از طریق ارائه گزارشی که قبلاً درباره‌ی آن صحبت کردیم حاصل می‌شود بلکه در این مورد حتی تعاملات روزمره ما، پرسشنامه‌های بسیار، داده‌ها و غیره مؤثر بوده است.

تضمین کثرت‌گرایی به‌خصوص در ارتباط با اقلیت‌های قومی نه تنها در ترکیب کارکنان هویدا است بلکه با تأسیس شورای آمبوزمانی مرکب از هشت نفر، (دو نفر به نمایندگانی از جامعه دانشگاهی، دو نفر به نمایندگانی از جامعه مدنی یا به عبارت دقیق‌تر سازمان‌های غیردولتی، دو نفر از روزنامه‌نگاران عضو انجمن روزنامه‌نگاران و دو نفر نیز وابسته به اقلیت‌های قومی) محقق گردید. همچنین همکاری بسیار خوبی با سازمان‌های مختلف خصوصاً با سازمان‌های غیردولتی محلی و منطقه‌ای برقرار کرده‌ایم که واقعاً به ما کمک زیادی در تضمین کثرت‌گرایی می‌کنند.

یکی از پیشنهادهایی که در سال ۲۰۱۳ دریافت کردیم در راستای حمایت از اصلاح قوانین و نیز تشویق موافقت با تشکیل جلسه‌ای در مجلس بود. در سال گذشته پیشنهادی را برای تغییر قوانین در این خصوص تقدیم مجلس نمودیم.

براساس پیشنهادی که ما از آی. سی. سی.^۲ دریافت کردیم داشتن بودجه کافی اهمیت

1. Split

2. ICC

زیادی دارد زیرا به ما امکان می‌دهد مذاکره‌ای خیلی جدی برای افزایش بودجه داشته باشیم؛ بنابراین این مسأله بخشی از پیشنهادهایی است که در همه یادداشت‌ها، اسناد، نامه‌ها و ایمیل‌های حاوی افزایش بودجه قرار داشت. مسأله بودجه در طول سال‌ها با فرازوفرودهایی همراه بوده که نهایتاً افزایش مشخصی داشته اما مشهود نبوده زیرا هنوز رقم خیلی کوچکی را شامل می‌شود. همین افزایش ما را قادر می‌سازد تا با استخدام کارکنان بیشتر در سال جاری در انجام بهتر موضوعات پیش‌روی عملکرد بهتری داشته باشیم. کل بودجه ما برای امسال ۱/۳ میلیون یورو است. مطمئنم این بودجه در قیاس با بودجه برخی از ادارات شما بسیار پایین است اما جمعیت کرواسی فقط چهار میلیون نفر است، درباره‌ی ارتباط یا بی‌ارتباطی این نسبت‌ها مطمئن نیستم اما از افزایش فراوان بودجه حمایت خواهم کرد.

حمایت از حقوق بشر یکی از مهم‌ترین وظایف است و همین مسأله باعث شده تا اداره ما تجربه کاملاً متفاوتی چه در زمانی که نهاد ملی حقوق بشر بود و چه در حال حاضر داشته باشد؛ اما حمایت از حقوق بشر به چه معناست؟ ما از طریق برگزاری میزگردها، نشست‌هایی متنوع، نشست‌های با ذی‌نفعان مختلف، حضور رسانه‌ای چه در رسانه‌های چاپی، الکترونیکی و چه در رسانه‌های اجتماعی امروزی مبادرت به آگاهی بخشی عمومی درخصوص موضوعات حقوق بشری کرده‌ایم.

قابلیت دسترسی^۱ که چندین بار به آن اشاره گردید نیازمند مهارت‌های پرسنلی زیادی است لیکن می‌توانم بگویم که همین امروز یکی از کارکنان ما از زمانی که پناهندگان شروع به عبور از کرواسی در سر راه خود به سمت اروپای غربی نمودند در مرز صربستان و کرواسی مستقر است. ما دو مشاور در مراکز برای پناهجویان داریم چراکه این افراد به این مراکز منتقل خواهند شد تا سرپناه و کمک ضروری برای آن‌ها فراهم شود. ما همچنین امروزه دارای سازوکار ملی پیشگیری هستیم. از یکی از زندان‌های کرواسی بازدید کردیم و

۱. Outreach یعنی ارائه خدمات خارج از محل و در مکانی که مورد درخواست یا نیاز است. م

مطمئن شدیم مطابق با استانداردهای بین‌المللی اداره می‌شود. این اقدامات مستلزم تلاش‌ها، بودجه و مهارت‌های بسیار است اما سعی می‌کنیم تا حد ممکن در بین مردم حضور داشته باشیم. البته که این مسأله چالش‌های زیادی را ایجاد می‌کند و مهارت‌های پرسنلی تنها به معنای این نیست که ما مجبوریم کارکنان جدید یا کارکنان دارای مهارت در این زمینه را اجیر کنیم بلکه به این معنا نیز هست که مشاوران قبلی به‌نوعی در مقابل روش‌های کاری جدید مقاومت نشان می‌دادند، از این رو ما مجبوریم از روش‌های فکری و کاری جدید اطمینان حاصل کنیم طوری که برای مردم دسترس‌پذیر تر باشیم. البته این امر زمان‌بر است و ما را آسیب‌پذیر کرده است. ما مجبوریم خیلی شفاف باشیم و به عالی‌ترین استانداردها وفادار بمانیم اما این مسأله نیز خطرات و چالش‌های خاص خود را دارد؛ اما هنوز پرسشی که وجود دارد این است که چگونه به آسیب‌پذیرترین افرادی که خیلی دورتر از ادارات منطقه‌ای قرار دارند یا در روستاهای دورافتاده زندگی می‌کنند، دسترسی داشته باشیم یا حتی به آن‌ها نزدیک شویم تا از موقعیت و مشکلاتشان باخبر باشیم.

اداره آموذمان که در حقیقت نهاد ملی حقوق بشر نیز می‌باشد، به‌راستی چالش‌های زیادی را تجربه می‌کند و همچون هشت پای است که سعی دارد وضعیت و چالش‌های بسیار متفاوتی را در یک‌زمان مورد رسیدگی قرار دهد. ایجاد سازگاری بین رسیدگی به پرونده‌های ناشی از سوء مدیریت سنتی با رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، کار سختی است. در اداره بین خودمان سؤالات زیادی مطرح است. این که آیا ما باید پرونده افرادی که حقوق آن‌ها توسط مقامات دولتی نقض شده را بررسی کنیم یا این که این مسأله شامل نهادهای خصوصی نیز می‌شود؟ ما تصمیم گرفتیم درباره‌ی تبعیض تحقیق نکنیم اما وقتی مسأله نقض حقوق بشر توسط بخش خصوصی مطرح باشد به دیگر نهادهای مسئول ارجاع می‌دهیم. باوجوداین بر وضعیت نیز نظارت داریم. شکایاتی که دریافت می‌کنیم اگر برای مثال علیه نهاد خصوصی خاصی باشد موردبررسی قرار می‌دهیم و نهایتاً به مجلس گزارش می‌کنیم.

بنابراین در سال جاری و گذشته تعداد شکایات در کرواسی در قیاس با سال ۲۰۱۲ افزایش ۴۰ درصدی داشته است، میزان افزایش در سال گذشته ۶۳ درصد بود؛ که رقم بالایی محسوب می‌شود. واقفم که تعداد کل پرونده‌ها زیاد نیست اما همان‌طور که گفتیم ما کشور نسبتاً کوچکی هستیم و هدف من افزایش بیشتر و بیشتر پرونده‌ها و نه کاهش آن است. ما در سال جاری با ۴۰ نفر کارمند شروع به کار کردیم و امیدوارم این تعداد در انتهای سال به ۴۸ نفر برسد. این افراد در پنج بخش مشغول فعالیت‌اند که شامل سوء مدیریت، آموذمانی کلاسیک و همچنین وظایف حمایت از حقوق بشر است. همان‌طور که اشاره داشتم بوجه ما ۱/۳ میلیون یورو است. فکر می‌کنم بیشترین دستاورد ما مربوط به ادارات منطقه‌ای باشد که طی یک و نیم سال گذشته به‌دست آوردیم. در ادامه اگر سؤالی داشته باشید جواب خواهم داد. خیلی ممنون.

رییس نشست:

فکر می‌کنم که شما عملاً درباره‌ی همه کلمات کلیدی که در ذهن من بود و درباره‌ی آن‌ها بحث خواهیم کرد اشاره کردید مثل «قابلیت دسترسی»^۱، «شناخته شدن»^۲ و «دسترسی به منابع کافی». به نظر من ما نیاز به تفکر داریم برای این‌که ممکن است تناقضاتی وجود داشته باشد که از چالش‌های امروزی است: چطور ثبات صلاحیت را در زمانی که دولت با موضوعات مختلف فوری روبه‌روست تضمین نماییم. شما در صحبت‌هایتان اشاره کردید که کارکنان شما برای مقابله با این چالش‌ها در مرز صربستان و کرواسی مستقر هستند. مخصوصاً جالب خواهد بود این مسأله را در درون اتحادیه اروپا بررسی کنیم که چگونه می‌تواند چندجانبه گرایی مؤثر را نه تنها در چارچوب بین‌المللی بلکه در چارچوب منطقه‌ای تضمین نماید.

1. outreach
2. visibility

سیرپا راثنیو^۱ (مدیر مرکز حقوق بشر فنلاند)



من هم به سهم خود از سازمان دهندگان این مراسم تشکر می‌کنم. من بازرس نیستم اما با اداره آموذزمان کار می‌کنم. بازرس پتری جاسکلاین^۲ به خاطر هم‌زمانی مراسمی دیگر در آموذزمان حوزه اسکاندیناوی- بالتیک توانست حضورداشته باشد. من خیلی خوشحالم که فرصت حضور در نشست آموذزمانی را پیدا کردم که معمولاً خیلی کم اتفاق می‌افتد.

سخنران پیشین، آموذزمان کرواسی از تحولات آموذزمان صحبت کرد که بسیار شبیه به اتفاقات آموذزمان فنلاند بود هرچند که راه‌حل ما در ساختاربندی وظایف، کمی با آن متفاوت است. درواقع شما کار من را راحت کردید چون خیلی سریع‌تر می‌توانم به موضوعاتی اشاره کنم که قرار بود درباره‌ی آن‌ها صحبت کنم در غیر این‌صورت لازم بود تا صحبت‌های تکراری درباره‌ی اصول پاریس، تفکرات و چالش‌ها داشته باشم که خیلی شبیه

1. Sirpa rautio

2. Petri jääskeläinen

به هم بودند اما تا حدودی درباره‌ی راه‌حل، ساختار متفاوتی را ارائه می‌کرد. در حال ما یک مدل فنلاندی داریم که در حال حاضر توسط دیگر کشورهای اسکاندیناوی در حال نسخه‌برداری است. نروژ آموذمان و نهاد ملی حقوق بشر خود را با به نحو مشابه و با منابع بسیار زیادی تجدید ساختار نمود. می‌توانم سوئد را نیز اضافه کنم که تفکر مشابهی دارد. همچنین از عضو میزگرد قبلی، قائم‌مقام آموذمان اسلوونی شنیدم که تفکرات مشابهی داشت؛ بنابراین این مدل از بسیاری از جهات نسخه‌برداری شده که علت این امر از نظر من نه تنها وجود ادارات آموذمانی خیلی خوب است بلکه تشخیص این نکته نیز هست که باید در حوزه حمایت اقدامات بیشتری صورت گیرد؛ بنابراین به سراغ اصول پاریس نخواهم رفت چراکه شما به خوبی درباره‌ی آنچه این اصول الزام می‌دارد، توضیح دادید. می‌خواهم آخرین تیر در ترکش خود را شلیک کنم و آن این که مدلی برای نهادهای ملی حقوق بشری وجود ندارد. لازم است زمینه‌های محلی تقویت شود و به همین خاطر مدل‌ها و اشکال مختلفی وجود دارد و موردپذیرش است.

این توصیف بسیار ساده نهاد ملی حقوق بشر فنلاند است. ما همچنین خوشحال بودیم که در دسامبر گذشته جایگاه الف را بدون توصیه‌های بسیار زیاد به دست آوردیم. ما همچنین خوشحال بودیم که آن‌ها منابع بیشتری را مخصوصاً برای وظایف جدید خواستار بودند اما هنگامی که درخواست مجدد اعتبار کردیم اساساً هیچ درخواست برای انجام کاری در طی پنج سال وجود نداشت که انجام آن برای ما خیلی سخت باشد. به همین دلیل مرکز حقوق بشر و نهاد کثرت‌گرا^۱ بر مبنای آموذمان مجلسی بنا شده است که بنیان دولتی دارد. مرکز حقوق بشر نهاد جدیدی است و سه و نیم سال از تأسیس آن می‌گذرد. ما در سال ۲۰۱۲ شروع به فعالیت کردیم. من اولین مدیر هستم و هنوز در مسیر پیشرفت قرار داریم. هنوز در حال یافتن بهترین شیوه‌های کاری هستیم چون که منابع ما خیلی کمتر از پیشنهادها اصلی ما است. ما باید آنچه را که انجام می‌دهیم اولویت‌بندی کنیم و وظایف را به ترتیب انجام دهیم. به همین خاطر باید اقداماتی را شروع کنیم و امیدواریم این اقدامات

تداوم داشته باشد. سپس فعالیت‌های نسبتاً متفاوتی را آغاز کردیم تا از انجام همه وظایف قانونی اطمینان حاصل کنیم. ما به لحاظ کارکردی مستقل هستیم و به همین دلیل آمبودزمان نمی‌تواند به ما بگوید چه کاری انجام دهیم اما به لحاظ اداری به آن وابسته هستیم یعنی در یک اداره فعالیت می‌کنیم، گروه مدیریت آمبودزمان عمدتاً برای موضوعات اداری به وجود آمده است؛ اما ما بودجه جداگانه خود را داریم هرچند که آن را مشترک به مجلس ارائه می‌دهیم. نهاد ملی حقوق بشر فنلاند تقریباً ۶ میلیون یورو بودجه دارد؛ اما قسمت عمده این پول به آمبودزمان اختصاص دارد و تنها ۱۰ درصد آن متعلق به مرکز حقوق بشر است، فکر می‌کنم اولین مشکل کوچکی که وجود دارد این است که شاید این تعادل دقیقاً درست نباشد؛ اما ما منابع بیشتری را آورده‌ایم و موافقت‌نامه‌ای با آمبودزمان مبنی بر استفاده متقابل از تخصص و کارشناسان یکدیگر داریم؛ بنابراین ما با پیش‌بینی این که در این شرایط مالی بسیار سخت نمی‌توانیم به منابع بیشتری دسترسی داشته باشیم، سعی کردیم هم‌افزایی را به حداکثر برسانیم.

همان‌طور که قبلاً گفتم ما هیأت نمایندگی^۱ حقوق بشری داریم و در حال حاضر می‌خواهم درباره‌ی نهاد کثرت‌گرایی خود صحبت کنم. اداره آمبودزمان قطعاً کثرت‌گرا نیست. آمبودزمان شامل گروهی از حقوق‌دانان فنلاندی است و لذا کاملاً ضرورت دارد تا تصویر بهتری از این گروه ارائه دهیم، همچنین آمبودزمان، نهاد هماهنگ‌کننده نیز هست. مرکز حقوق بشر به همه شکایات رسیدگی نمی‌کند. از این‌رو تنها به حمایت و نظارت کلی می‌پردازیم و این برای ما خوشایند است چون رسیدگی به شکایات کار سختی می‌باشد. آمبودزمان هر سال تقریباً ۵ هزار شکایت دریافت می‌کند و هر سال بیش از ۱۰۰ بازرسی انجام می‌دهد و این روند در نتیجه وظایف جدید، رو به افزایش است. آن‌ها همچنین در کنار ارائه خدمات در خارج از محل، هنوز بازدیدهای زیادی از نهادهای بازرسی و زندان‌ها دارند. ما نمایندگی حقوق بشر داریم. ما دستور کار را مشخص کردیم و جلساتی داشتیم اما می‌پذیرم که شاید تاکنون موفقیت چشمگیری نداشتیم. سوای اطلاعات در حال تغییر، پیدا

کردن نقش معنادار برای این مسأله کار سختی است. همچنین یک سازوکار پاسخ‌گویی برای مرکز محسوب می‌شود، آن‌ها طرح عملیاتی ما را سالانه تصویب و گزارش سالانه را تأیید می‌کنند و به‌نوعی سازوکار پاسخ‌گویی وابسته به مرکز است؛ اما هیأت‌مدیره یا هیأتی از نوع دیگر نیست بنابراین نمی‌تواند در انجام وظایف روزانه ما دخالت کند، بیشتر در مورد تعیین اولویت‌های خط‌مشی‌های کلی ایفای نقش می‌کند. چهل عضو، نهادهای غیردولتی، دانشگاهیان، نهادهای اداری سابق از اعضای هیأت نمایندگی هستند بنابراین تلاش گردید تا حدودی بین بازیگران مختلف در این زمینه، هماهنگی برقرار شود چون افزون بر آموذزمان و مرکز حقوق بشر، دارای دفاتر قضات صالح شبیه به آموذزمان، نهادهای تخصصی، نهادهایی برای برابری، نهادهای حمایت از اطلاعات و آموذزمان کودکان هستیم. این تعداد برای کشوری با جمعیتی کمی بیش از ۵ میلیون زیاد است اما فکر می‌کنم که شبکه خوبی داریم که در برآوردن اهداف و اجتناب از موازی کاری موفق است.

به خاطر ماهیت این مراسم می‌خواهم کمی درباره‌ی آموذزمان مجلس صحبت کنم. بعد از صحبت‌های سفیر سوئد در مراسم افتتاحیه، لازم می‌بینم تا متذکر بشوم که ما دومین آموذزمان جهان را در سال ۱۹۱۹ تشکیل دادیم. در ماه فوریه مراسم باشکوهی را به مناسبت نود و پنجمین سالگرد تأسیس آموذزمان برگزار کردیم. این مراسم زمان مناسبی برای انعکاس تاریخ آموذزمان بود. هرچند که فنلاند کشوری نسبتاً آرام و مبتنی بر توافق جمعی بوده است و اداره آموذزمان بارها از مشکلات بسیار از جمله جنگ‌ها در امان بوده، اما به‌هرحال بعد از استقلال و جنگ‌های داخلی تأسیس گردید. مورخین می‌گویند این نهاد حتی در شرایط سخت توانسته به نحو قابل قبولی سال‌ها انجام وظیفه نماید و نهاد قابل اعتماد و معتبری بوده است. آموذزمان از صلاحیت حقوق بشری بسیار مستحکمی که از قانون اساسی نشأت می‌گیرد، برخوردار است بنابراین آموذزمان از این که گفته می‌شود این اداره، یک اداره آموذزمان معمولی نیست که فقط بر ابعاد حقوقی و اداری نظارت می‌کند، احساس غرور می‌کند. از سال ۱۹۹۵ وارد فعالیت‌های حقوق بشر و حقوق اساسی شده‌ایم؛ و به همین دلیل اداره آموذزمان به‌عنوان بنیان طبیعی نهاد حقوق بشر تلقی می‌شود. همان‌طور که قبلاً گفتم آموذزمان

هرسال به ۵ هزار شکایت رسیدگی می‌کند. آن‌ها ابتکارات خود را در رسیدگی به موضوعات گسترده‌تر به نحوی جالب افزایش داده‌اند و اغلب این ابتکارات یا نتیجه عملکرد رسانه‌ها و یا بازرسی‌ها بوده است. مثلاً در بازرسی‌ها به موضوعات مختلفی برخورد می‌کنند و احساس می‌کنند این موضوعات نیازمند بررسی گسترده‌ای است و همین امر منجر به ابتکاراتی می‌شود. همچنین اغلب مشورت‌هایی از سوی دولت به آمبودزمان در مورد موضوعات قانون‌گذاری و کارگروه‌های مختلف ارائه می‌شود.

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم در فنلاند نرخ بالای قبول پیشنهادها است. نزدیک ۹۰ درصد از پیشنهادها اجرایی می‌شود. این پیشنهادها شامل مشکلات تکرارشونده هستند که نیازمند تغییرات ساختاری یا منابع مالی است و درصدد تبدیل به مشکلات سالانه‌اند که هنوز حل‌وفصل نشده است؛ اما در کنار نرخ بالای تبعیت، مسئولان همیشه از پیشنهادهایی که توانایی اجرای آن را ندارند ناخشنودند.

ویژگی مهم دیگری که مایلیم به آن اشاره کنم حق مطلق دسترسی به اطلاعات است. آمبودزمان به هرگونه اطلاعات دولتی دسترسی دارد. مرکز حقوق بشر نه چنین حقی دارد و نه نیازی به آن دارد چون ما چنین تحقیقاتی را انجام نمی‌دهیم و وظیفه بررسی پرونده‌ای نداریم. وظیفه ما بیشتر در سطوح سیاسی و عمومی‌تر است. همچنین به‌عنوان مثال اطلاعات غیرمحرمانه‌ای برای بررسی احتمال پروازهای سازمان سیا در فرودگاه هلسینکی اخذ کردیم. آمبودزمان از هر دستگاه امنیتی هرگونه اطلاعاتی را می‌تواند دریافت کند. این ویژگی دیگری می‌باشد که مؤثر واقع شده است و آن‌ها می‌توانند بدون وقفه به اطلاعات دسترسی داشته باشند.

آمبودزمان به مجلس گزارش می‌دهد و فکر نمی‌کنم بحث‌های ۷-۶ ساعته صورت گیرد چون که چنین چیزی در فرهنگ ما وجود ندارد اما همین گزارش‌دهی فرصتی است برای اعضای مجلس تا سؤالاتی را بپرسند و ملاحظات را مدنظر قرار دهند. این مسأله زمانی اتفاق می‌افتد که انتقادی نسبت به کارکرد آمبودزمان وجود داشته باشد و از آنجایی که آمبودزمان وظایفی در حوزه حقوق بنیادی و حقوق بشر دارد چنین انتقادی نشانه خوبی است

مبنی بر این که در این حوزه‌ها سخت‌کوش بوده‌اند.

همان‌طور که در کرواسی و بسیاری از جاهای دیگر وظایف جدیدی در حال اضافه شدن است بنابراین آموذمان فنلاند، سازوکار ملی پیشگیری و مرکز حقوق بشر از سه سال گذشته به‌نوعی شاهد افزایش در وظایفشان بودند و همان‌طور که قبلاً ملاحظه کردیم اولین تکلیف، مربوط به نهاد ملی حقوق بشر است که مسئولیت کنوانسیون حقوق افراد معلول را بر عهده دارد. در ماده ۳۳ آن، دو نوع سازوکار نظارتی مشخص شده که تکلیف مشترک ما خواهد بود و این اولین تکلیفی است که ما در سطح قانونی باهم داریم.

سال گذشته ما راهبرد مشترکی را توسعه بخشیدیم تا مطمئن شویم نگاه ما به مسائل به شیوه راهبردی است ما یک هدف کلی داریم که درزمینه‌ی اجرای حقوق بشر و نیز حاکمیت قانون مفید است و فعالیت‌هایمان را هماهنگ کرده‌ایم. خیلی سریع می‌خواهم نمودار کوچکی را نشان بدهم. آنچه در وسط نمودار می‌بینید ازجمله اقدامات مشترک ما است. برای مثال ابتکارات، بیانیه‌ها و دیدگاه‌ها اغلب به فرایندهای قانون‌گذاری مربوط می‌شود. ما هر دو در حال همکاری هستیم اما شاید با مخاطبان نسبتاً متفاوتی مخصوصاً در عرصه بین‌المللی سروکار داریم. همچنین شما می‌بینید که ما به آموزش، کارآموزی و مطالعات مبادرت داریم و آموذمان تنها به شکایات و بازرسی‌ها مشغول است. مسائل دیگری وجود دارد که نیازمند هماهنگی در اجرای وظایف روزانه و هفتگی هستیم و هیچ کاری را بدون آگاهی از این که طرف مقابل آن را انجام داده یا نه شروع نمی‌کنیم. همچنین این هماهنگی در زمانی که ما زمینه همکاری کمتری هم داریم اتفاق می‌افتد؛ بنابراین این هماهنگی، چگونگی انجام وظایف مشترک به شیوه مؤثر را شفاف می‌سازد.

می‌خواهم کمی درباره‌ی عملکرد مرکز حقوق بشر بحث کنم. در اینجا وظایفی را فهرست کرده‌ام که مستقیماً از قانون ناشی می‌شود. همه این وظایف درباره‌ی حمایت و نظارت عمومی و سپس همکاری بین‌المللی اروپایی است که در قوانین ما اهمیت خاصی دارد. همان‌طور که آموذمان کرواسی به‌خوبی توضیح دادند تقریباً به‌طور روزانه تهیه اطلاعات برای ساختارهای

سازمان ملل، بعضاً شورای اروپا و بعضاً نهاد حقوق بنیادی وجود دارد. عملاً کارهای زیادی وجود دارد و ما سخت‌گیر هستیم و به هر چیزی جواب نمی‌دهیم.

اگر بخواهیم به نمونه‌های عینی اشاره کنیم باید گفت که اولین مطالعه گسترده ما درباره‌ی حقوق بشر بوده است. فنلاند به‌نظام آموزشی خود افتخار می‌کند؛ اما این به معنای این نیست که ما نظام آموزشی بی‌نقصی برای حقوق بشر داشته باشیم. به همین دلیل مجبور شدیم مطالعه‌ای انجام دهیم که یک سال به طول انجامید. این مطالعات بر همه سطوح آموزشی از پیش‌دبستانی تا سطح دانشگاهی و نیز برخی فعالیت‌ها آموزشی داوطلبانه و آموزش‌های حرفه‌ای متمرکز است. به‌طور کل می‌توان گفت که فعالیت‌های زیادی وجود داشت که البته نظام‌مند نبودند. این فعالیت‌ها توسط سازمان‌های غیردولتی و نه مقامات دولتی انجام شده بود؛ بنابراین گزارشی را منتشر کردیم که نسخه انگلیسی آن به همراه پیشنهادها در درگاه الکترونیکی قابل دسترسی است. خیلی خوشحالم که بگویم برخی پیشرفت‌ها مخصوصاً در سطح برنامه درسی مدارس حاصل شده و تلاش می‌کنیم زبان حقوق بشر را هرچه بیشتر وارد برنامه تحصیلی کنیم. این برنامه در حال اجراست و ما به سمت توسعه محسوس‌تر محتویات، در حال حرکت هستیم که ما را قادر می‌سازد پودمانی^۱ را به علاقه‌مندان عرضه کنیم. مسأله‌ای که باید مدنظر قرار دهیم این است که عهده‌دار اموری نباشیم که خود دولت مسئول انجام آن است. از این‌رو آموزش قضات، آموزش پلیس از تعهدات دولت است نه ما، ما امور تکمیلی را انجام می‌دهیم.

در تکمیل صحبت‌های آمبوزمان کرواسی باید عرض کنم که منظور از مهارت‌ها، روش انجام کار و مهارت‌های مختلفی است که ما را از وظایف آمبوزمان سنتی یا رسیدگی به شکایات متمایز می‌کند. یکی از کارهای خیلی مشکل نحوه ارائه آموزش و کارآموزی خوب به نحو صحیح است، فکر می‌کنیم این وظیفه عمدتاً بر عهده حقوق دانان است، این یکی از چالش‌هایی است که سعی می‌کنیم از طریق همکاری با نهادهای مطالعاتی و نه فقط

حقوق‌دانان به حل آن اقدام کنیم و البته در این بین نیازمند رهیافت چند رشته‌ای هستیم. فکر می‌کنم که شرایط مشابه در زمینه‌ی ارائه‌ی اطلاعات برای آگاهی بخشی کاربرد دارد. ما خواهان استفاده از حقوق‌دانان و ارائه اطلاعات به شیوه قانونی هستیم اما نحوه انتقال مطلب و چگونگی ارتباط با مخاطبان وسیع، چالش بزرگی است. من نمی‌خواهم بگویم راه‌حل‌هایی داریم اما سعی داریم شیوه‌های مختلفی را برای برقراری ارتباط با زبان ساده‌تر به کار ببریم، همین هفته تمامی کارکنان اداره را درباره‌ی نحوه نگارش به زبان ساده آموزش دادیم تا مردم از طریق ساده‌سازی امور، توان درک آن را داشته باشند. البته ما نسخه‌های زبانی مختلفی داریم که همه آن‌ها لازم است. همچنین از رسانه‌های عمومی و فیس‌بوک استفاده می‌کنیم که ظرفیت نامحدودی را در اختیار قرار می‌دهند.

در مورد تکالیف جدیدمان قبلاً بحث کردم. همچنین در مورد وظایف موضوعی^۱ نیز صحبت کردیم. این وظیفه را با منابع نسبتاً محدودی به منظور بررسی موضوعات و افزایش آگاهی انجام می‌دهیم. آنچه ما انجام می‌دهیم توجه به نوعی از هنجارهای بین‌المللی مقایسه‌ای است. سیستم داخلی، پرونده‌های موضوعی را در کنار هم قرار می‌دهد و بدین ترتیب می‌توانیم از آن‌ها برای اهداف مختلفی از جمله برای آموزش، برای کارآموزی و برای تأمین اطلاعات استفاده کنیم. حقوق سالمندان نیز مورد توجه ما بوده است. پیرامون چگونگی مراقبت صحیح از این افراد و به همین ترتیب افراد معلول در فنلاند، بهبود و پیشرفت زیادی اتفاق افتاده و این فهرست در حال اضافه شدن است.

اگر بخواهم مرکز حقوق بشر را با یک کلمه توصیف کنم آن کلمه، «همکاری» است. ما با هر کسی کار می‌کنیم و این کار کردن وقت زیادی را می‌گیرد، اما سرگرم‌کننده هم هست چون با گروه‌های مختلفی دیدار می‌کنیم و با عقاید مختلف آشنا می‌شویم چنان‌که در هفته گذشته به مدت دو روز همراه با همه محققانی که به نوعی به مسائل حقوق بشری و حقوق بنیادی علاقه‌مند هستند در لاپلند [یکی از مناطق فنلاند] اقامت داشتیم. شبکه‌ای را راه‌اندازی

خواهیم کرد تا مطمئن شویم همه تحقیقات صورت گرفته در فنلاند برای مرکز قابل دسترسی باشد ما به عمومی شدن آن کمک خواهیم کرد و البته این مسأله حجم بزرگی از اطلاعات درباره‌ی رخدادهای و نحوه‌ی اجرایی شدن آن را در اختیار ما قرار می‌دهد.

نهایتاً می‌خواهم درباره‌ی همکاری بین‌المللی اروپا صحبت کنم اما چیز زیادی نمی‌خواهم به آنچه آمودزمان کرواسی گفت اضافه نمایم. ما همکاری بسیار خوبی با شبکه اروپایی داریم و خیلی خوشحالم وقتی می‌بینم این همکاری در حال محکم‌تر شدن است. فکر می‌کنم این همکاری باعث افزایش تکالیف ما خواهد شد اما در عین حال دستاوردهای زیادی را نصیب ما می‌کند. ما درس‌های زیادی از همکاران دانمارکی آموختیم که مرکز حقوق بشر بزرگی دارند. درس‌هایی را از آلمان‌ها آموختیم، ما می‌توانیم تغییر جهت سریع در سطوح مختلفی داشته باشیم هنگامی که می‌بینیم آن‌ها چطور از پس موضوعات جدید در حال ظهور مانند تجارت و حقوق بشر برآمده‌اند. این امر نه تنها جالب که سودمند نیز هست.

پرسش و پاسخ – جلسه دوم

پرسش: رئیس نشست

من درباره‌ی سه نکته، چند سؤال دارم و البته تمایل دارم تا آن را در معرض تبادل نظر قرار دهم. فقط چند دیدگاه دارم؛ به خصوص مایلم از آقای توماس هامبرگ^۱ یادی کرده باشم. زمانی که من سفیر بودم، ما با یکدیگر در شورای اروپایی کار می‌کردیم.

توماس هامبرگ کمیسر حقوق بشر در شورای اروپا بود. او یک‌بار گفت که اتخاذ و تنظیم استانداردهای اروپایی و بین‌المللی کافی نیست. آن‌ها باید در دو سطح محلی و ملی به کار گرفته شوند؛ بنابراین برای اطمینان از این موضوع، دولت‌های محلی و ملی باید یک‌نهاد نظارتی مستقل حقوق بشری یا آمبودزمنی یا دیگر سازوکارهای مشابه را ایجاد کنند؛ چراکه ملاک و معیار کشورها با یکدیگر در زمینه‌های اخلاقی و درستکاری متفاوت است که باید محترم شمرده شود.

ما شاهد تجربه‌های مختلفی در اینجا بوده‌ایم و به‌عنوان فردی که عضو زنجیره‌ای از خدمات عمومی است، می‌توانم این دیدگاه را منعکس کنم. من می‌توانم به‌خوبی دیدگاهی را که توماس هامبرگ بر آن تأکید داشت درک کنم. در اینجا احترام گذاشتن به صداقت آن‌هایی که چنین قدرتی را در دستان خود داشتند مهم است؛ بنابراین، این نظری از جانب من بود که بیان آن اهمیت داشت.

نظر دوم من به شرح زیر است. آقای سیرپا، من می‌خواهم از شما یک سؤال بپرسم: من در پاکستان و ایران به‌عنوان نماینده ویژه سازمان ملل متحد زندگی کرده‌ام. به هنگام

1. Thomas Hammerberg

صحبت از دموکراسی، شما با ساختارهای مختلفی مواجه می‌شوید و بنابراین باید به خاطر داشته باشید که: توسعه دموکراسی در درون جامعه اتفاق می‌افتد و یک فرآیند سیاه‌وسفید نیست و این همایش نباید محدود به دولت‌ها شود. مخاطب اولین سؤال من شما هستید. در سال ۲۰۱۲ بنجامین گرگ^۱ به همراه راسل میرهد استادیار دانشگاه دارتموث کتاب جالبی به نام «حقوق بشر به‌عنوان یک ساختار» را منتشر کرده است.

میرهد بیان می‌کند که چالش سنت با حقوق بشر در پاسخ به این پرسش نهفته است: آیا موضوع جهانی است و یا محلی؟ درواقع مخلوطی از هر دو است، زیرا هر موضوع محلی باید مورد تأیید باشد و عمومیت هم داشته باشد. در اصل، مرکز حقوق بشر حتی می‌تواند درباره‌ی این موضوع یک رساله بنویسد. شما حتی ممکن است این موضوع را به‌عنوان یک پروژه داخلی در نظر بگیرید. من می‌خواهم به‌اختصار نظر شما را در این مورد به‌ویژه از نظر قواعد اخلاقی اروپا و غرب بدانم. منظور من این است که از منظر کرامت انسانی، چگونه این را می‌بینید؟ من عمیقاً از شما قدردانی می‌کنم اگر شما بیان کنید که چگونه بین این دو تعادل برقرار می‌کنید؟

پاسخ: سیریا روشیو (مدیر مرکز حقوق بشر، فنلاند)

من فکر می‌کنم شما سؤال آسان و درعین‌حال بی‌نهایت مهمی را مطرح کردید. این موضوعی است که در هفته‌ها و ماه‌های اخیر در فنلاند مورد بحث بوده است. من مطمئن هستم که چنین موضوعی در اروپا هم در حال حاضر بسیار بحث برانگیز شده است. شما افرادی را می‌بینید که با شور و شوق از آنچه که فکر می‌کنند حقوق بشر راستین است دفاع می‌کنند و این موضوع بیشتر حول محور بحث پناهندگان مهاجر است. برای برقراری ارتباط میان این مسائل و به وجود آوردن درک وسیع‌تری از حقوق بشر تلاش فزاینده‌ای وجود دارد و البته هیچ پاسخ آسانی هم برای آن وجود ندارد؛ اما من فکر می‌کنم که ما برای یادگیری، وظیفه سنگینی داریم تا راه‌های برقراری ارتباط با مردم را درک کنیم.

1. Benjamin Gregg

شما نمی‌توانید از مردم عادی و کودکان و سالمندان انتظار داشته باشید که همه کنوانسیون‌ها و هنجارها را با جزئیات بدانند. من هم در زندگی حرفه‌ای خود، در موقعیت‌های مختلفی مشغول به کار بوده‌ام. گاهی اوقات در مکان‌هایی بسیار محلی و گاهی نیز در دفتر مرکزی با روش‌های مختلفی در حقوق بشر با آن‌ها کار کرده‌ام و به ارزش‌ها فکر می‌کنم. شما از کرامت انسانی صحبت کردید، چیزی که باید محترم باشد و هم‌زمان فکر می‌کنم نیاز است تا در شناسایی اصول ضروری آن مشارکت داشته باشیم؛ اصولی است که شامل همه افراد جامعه انسانی بشود و در نهایت من فکر نمی‌کنم در چنین حالتی تبعیضی به وجود آید؛ بنابراین، از برخی جهت‌ها من فکر می‌کنم شما همچنین می‌توانید به اصول و ارزش‌های قیدشده در همایش بین‌المللی آنکارا در تاریخ ۱۶-۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵ نیز نگاهی داشته باشید؛ احترام و گوش دادن حتی زمانی که شما لزوماً با دیگران توافق ندارید، ضروری و مهم است. در این مدت کوتاه این بهترین پاسخی است که می‌توانستم بدهم و این‌ها چیزهایی بوده است که من نیز شخصاً تجربه کرده‌ام. من از کار کردن با آقای هامبرگ در طول مدت ۴ سال در شورای اروپا لذت برده‌ام. او توانایی شگفت‌انگیزی در برقراری ارتباط داشت و واقعاً می‌دانست چگونه با مردم صحبت کند. من مردمی را دیدم که هنگام سخنرانی او گریه می‌کردند زیرا او با قلب مردم صحبت می‌کرد.

پرسش: رئیس نشست

آقای بن زکورا، من یک سؤال دارم. اخلاق در اینجا خیلی کم مورد بحث قرار گرفت. ما می‌دانیم که در بسیاری از کشورها مثل ترکیه یک کمیته اخلاق وجود دارد. به علاوه در مورد پاسخ‌گویی هم صحبت نشده است. همه چیز به هم وابسته است و براساس تجربه شما در یک کشور پادشاهی و در چارچوب انجمن مدیترانه‌ای، شما گفتید که مراکش در این مسیر قرار گرفته است. پیام مراکش با توجه به سنت‌ها یا ساختارهای متفاوت و منحصربه‌فرد چیست؟ در مواجهه با چنین چالش‌هایی، این پیام را به چه شکل بهتری می‌توان فرستاد؟ این

موضوعی عمیق است، اما اگر شما بتوانید آن را به‌رورانی، می‌تواند ایده خوبی برای فکر کردن در این مورد باشد.

پاسخ: عبدالعزیز بن زکور

من تلاش می‌کنم پاسخ مناسبی را به سؤال شما بدهم؛ اما خیلی ساده باید بگویم که این فقط نظر شخصی من است. اگر هیچ ارزش اخلاقی وجود نداشته باشد؛ هیچ حقوق بشری هم وجود نخواهد داشت. این موضوع ساده‌ای است، چون به هر روشی که ما عمل کنیم، به عمل درست نیاز داریم. هم‌زمان، این نیازی است که ضرورت آن در ذات خود نهفته است؛ بنابراین ما باید حقوق بشر را مانند دیگر حقوق رعایت کنیم. در مراکش ما به این موضوع فکر کرده‌ایم و اینک در دست من بروشوری در مورد اخلاق است و شامل رفتارها و رویکردی است که در برخی از موارد افراد مسئول، باید داشته باشند و این‌که چگونه باید با یکدیگر کار کنیم. من از دو منظر انگلیسی و فرانسوی آن را می‌بینم. ما ۱۷ اصل داریم که به آن‌ها متکی هستیم؛ بنابراین، این‌ها ۱۷ اصلی هستند که من باید دوباره به آن‌ها اشاره کنم. آلوده‌زمان به‌عنوان یک واسطه، باید یک کد رفتاری داشته باشد. ما آن‌ها را ماده به ماده نوشته‌ایم و سعی کرده‌ایم آن‌ها را با قوانین بین‌المللی مطابقت دهیم و برای همین مخاطبان باید این آگاهی را داشته باشند که ما هم به‌عنوان یک نهاد میانجی و واسطه و هم به‌عنوان مدیران عمل می‌کنیم و ما نیاز داریم تا الگویی را برای ادارات و سازمان‌های محلی ارائه دهیم که آن‌ها براساس آن عمل کنند؛ زیرا اگر شما حکمرانی خوبی نداشته باشید، هیچ کس نمی‌تواند به تصمیم‌های شما تکیه کند، هیچ کس به شما احترام نمی‌گذارد و این یک حقیقت است. ما نیاز داریم که براساس برخی از دستورالعمل‌ها زندگی کنیم و مردم هم باید به این دستورالعمل‌ها دسترسی داشته باشند.

رییس نشست

خیلی ممنونم جناب آقای بن زکور. من حدس می‌زنم کسی که در زمینه‌ی حقوق بشر

مطالعه می‌کند، پیرو مکتب فرانکفورت است. درواقع براساس فلسفه امروز، این موضوع به- صورتی تفسیر شده که حتی هگل آن را کم‌اهمیت ندانسته است و ما شاید باید این مسأله را مورد ملاحظه قرار دهیم.

پرسش: به نظر من نهادها باید خودشان را با برخی موضوع‌های جدید تطبیق دهند، به‌ویژه آن‌هایی که درزمینه‌ی حقوق بشر فعالیت می‌کنند. در مورد تثبیت برخی از این مسائل چه فکر می‌کنید؟

پاسخ: لورا ویدوویچ^۱ (آمبودزمان کرواسی)

ممنونم، اولین چیزی که به ذهنم می‌آید این است که شاید این تثبیت نباید به هر قیمتی باشد. تغییر چیز خوبی است و من فکر می‌کنم که ما باید از تغییر استقبال کنیم. تضمین کردن ثبات دستورالعمل‌ها به نظرم مسأله حقوق بشر نیست، بلکه یک مسأله مدیریتی است؛ و البته به معنای این است که پایه و اساس امور را به‌خوبی و درست بنا کنیم و بعد اگر لازم بود دستورالعمل‌ها را با توجه به وضعیت جامعه تغییر دهیم؛ بنابراین من تمایل دارم بگویم که با یک پایه‌ریزی درست که برای تعیین اولویت‌ها لازم است، مسائل در طول زمان دارای ارزش متفاوتی هستند؛ به‌نحوی که می‌توانم بگویم امروز در سازمان ما هیچ چیز مهم‌تر از مسأله پناهندگانی که به کرواسی می‌آیند و تعداد آن‌ها روزبه‌روز بیشتر هم می‌شود نیست و به نظرم آنچه باید در نظر داشت کارمندانی بانگیزه است که مهارت دارند و به آن‌ها فرصت یادگیری داده شده است. من به یکی از همکاران مشاورم گفتم که امروز در مرزهای با صربستان این من نبودم که به یکی از کارشناسانم تلفن زدم و به او گفتم که به آنجا برود. این او بود که به من زنگ زد و گفت «من فکر می‌کنم که باید اینجا باشم، مشکلی نیست؟» و من هم گفتم «موفق باشی» بنابراین من فکر می‌کنم تغییر چیز خوبی است و ما را در رابطه با آنچه در جامعه و برای شهروندان اتفاق می‌افتد، به‌روز نگه می‌دارد.

پرسش: آموذزمان رومانی

من عضو آموذزمان رومانی هستم. من از آقای بن زکور سؤالی دارم. ما فقط یک نهاد داریم که به‌عنوان نهاد آموذزمانی کار می‌کند؛ اما مراکزی داریم که درزمینه‌ی حقوق بشر کار می‌کنند. ممکن است مسائلی داشته باشیم که مجبوریم به آن‌ها توجه کنیم ولی در این زمینه ما تنها نهاد ذی‌صلاح نیستیم. شما در مورد دو نهادی صحبت کردید که یکی از آن‌ها آموذزمان سنتی است و دیگری به‌طور ویژه بر روی شرایط واقعی فعالیت می‌کند. من مایلیم سؤالم را از شما بپرسم آقای بن زکور در مورد یک موضوع واحد که مربوط به هر دو نهادی که نام بردید می‌شود و در مورد آن‌ها تفاسیر متفاوتی ارائه شده، آیا راه‌حلی وجود دارد که شما به آن رسیده باشید؟ در این حالت راه‌حل چیست؟

حمید کمال اونن^۱ (کارشناس آموذزمان ترکیه)

همان‌طور که بیان شد استقرار نهاد ما براساس عدالت و انصاف است. با اشاره به آخرین بخش از سخنرانی آقای رتیو درباره‌ی حقوق‌دانان، من یک سؤال دارم: داشتن سطح بالایی از کارمندان و کارشناسان درزمینه‌ی حقوق بشر در آموذزمان مزایا و معایبی دارد و من حدس می‌زنم که شما بعضی از معایب آن را بیان کردید. آقای رتیو یا دیگر کارشناسان آموذزمان می‌توانند این موضوع را تحلیل کنند؟

پاسخ: عبدالعزیز بن زکور (آموذزمان مراکش)

ممکن است موضوع صلاحیت مطرح نباشد و ممکن است تضادی وجود نداشته باشد؛ چون زمانی که شما به متون قانونی نگاه می‌کنید می‌بینید که وضعیت قانونی این دو نهاد و صلاحیت آن‌ها به‌روشنی تعریف شده است. من به شما گفتم که حقوق بشر عمومی است. این یک نهاد ملی حقوق بشری است. در مورد مدیریت موارد ما به‌عنوان یک میانجی عمل می‌کنیم و ده‌ها یا صدها شکایت به دست ما می‌رسد و همچنین شکایت‌ها از طریق مؤسسه

ملی حقوق بشر^۱ به دست ما می‌رسد که دارای یک رابطه هم‌زیست‌گرایانه است. برخی از موارد را به نهاد دیگر و یا فقط به مؤسسه ملی حقوق بشر می‌فرستیم؛ بنابراین ما در یک همکاری متقابل هستیم و اگر در موردی واقعاً نتوانستیم تصمیم بگیریم آن را به مؤسسه ملی حقوق بشر می‌فرستیم. ما همکاری بین دو نهاد را فقط به خاطر تسهیل جریان امور انجام می‌دهیم؛ چون ما در طی ۱۵ سالی که به‌عنوان واسطه کار می‌کنیم، هنوز موردی را ندیده‌ایم که در آن موضوع، صلاحیت تبدیل به یک مشکل شده باشد؛ اما اگر موضوع صلاحیت مطرح باشد، ما به راه‌حلی در مورد آن، در دو نهاد خواهیم رسید. ما کاملاً با یکدیگر همکاری می‌کنیم. ما دو نهاد متمایز هستیم، اما با یکدیگر کار می‌کنیم و هم‌زمان در حال کار بر روی موضوعاتی هستیم که در صورت ضرورت به‌صورت جداگانه در هر دو نهاد مورد بررسی قرار می‌گیرد و اطلاعات هم در این حالت به‌خوبی جریان دارد. در اینجا ما تنها به‌عنوان یک‌نهاد واسطه کار نمی‌کنیم.

در ۱۷ مارس ما اصطلاح میانجی را پذیرفتیم و در هر زمینه‌ای که مداخله ضرورت پیدا کرده است ما مداخله کرده‌ایم. اگر فرد یا گروهی در مورد نقض حقوق بشر شکایتی داشته است، آن‌ها ممکن است از هر روشی در برابر این نقض استفاده کنند؛ بنابراین آن‌ها مداخله کرده‌اند؛ اما این موضوعی دیگر است، زیرا من و آمبودزمان فعلی باهم قبلاً کار کرده‌ایم. صحبت در مورد نهاد آمبودزمان است و ما به‌صورت مسالمت‌جویانه‌ای با یکدیگر همکاری داریم، بنابراین هیچ مشکلی وجود ندارد. هیچ تضاد منافع و صلاحیتی نیز وجود ندارد. ما ممکن است در مورد توصیه‌ها و پیشنهادها مباحثی با یکدیگر داشته باشیم، اما همیشه موفق به پیدا کردن راه‌حلی می‌شویم.

لورا ویدوویچ (آمبودزمان کرواسی)

متشکرم. اکثریت کارکنان شاغل در اداره من وکیل هستند، می‌توانم بگویم که تقریباً دوسوم از آن‌ها وکیل هستند. من سعی کردم به‌سرعت به این فهرست تخصص‌های دیگری

را هم اضافه کنم؛ مثل جامعه‌شناس، روان‌شناسان، انسان‌شناس، استادان زبان، مددکار اجتماعی و روزنامه‌نگار و احتمالاً برخی دیگر که من در حال حاضر فراموش کرده‌ام؛ اما بدون توجه به تخصص خودشان، همه آن‌ها به دنبال تحلیل و پیاده‌سازی کار قضاوت مربوط به خود در دادگاه حقوق بشر اروپا هستند. در این معنا ما سعی می‌کنیم وکلایی داشته باشیم که حساس باشند یا به عبارت دیگر بیشتر انعطاف‌پذیری داشته باشند و متخصصین رشته‌های دیگر نیز چیزهایی در مورد حقوق فرابگیرند و آن‌ها را در کارهای روزانه خود به کار گیرند؛ بنابراین حرفه حقوق در مؤسسه ما بسیار مهم است؛ اما از طرف دیگر خیلی مهم است که ما تخصص‌های انعطاف‌پذیرتری هم داشته باشیم که بتوانند به ما در موضوع-هایی که صرفاً حقوقی هستند کمک کنند.

سیریا روشیو (مدیر مرکز حقوق بشر فنلاند)

من چیز زیادی ندارم که اضافه کنم جز این که وکلای ما بسیار خوب هستند. آن‌ها تمایل دارند تا وکلای داخلی باشند، بنابراین همه چیز را در مورد حقوق داخلی با جزئیات آن می‌دانند و می‌دانند که چگونه کار کنند. این موضوع بسیار مهم است؛ اما من فکر می‌کنم دیگر مهارت‌ها هم موردنیاز هستند. وکلا می‌توانند مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند. من در جایگاه یک معلم نمی‌ایستم؛ اما مطمئن هستم که یک بازرس در انجام بازرسی خود به تخصص‌های مختلفی نیاز دارد؛ اما من همچنان موافقم که برای حقوق بشر حداقلی از درک پایه‌های قانونی باید آموزش داده شود.

نهاد آمبودزمان مالت

در کشور ما، این مسائل به شدت موردبحث قرار گرفته است، زیرا دولت تصمیم گرفته است بعد از ۶ سال تلاش ما برای ایجاد مؤسسه ملی حقوق بشر، این نهاد را تأسیس کند. آنچه ما ملاحظه می‌کنیم و من درواقع سندی از آن را در درگاه اینترنتی‌مان ارائه کرده‌ام و ممکن است برای شما جالب باشد این است که معتقدم یک تضاد واقعی میان مرکز ملی حقوق بشر و یک آمبودزمان وجود ندارد و بنابراین فکر می‌کنم بیشترین چیزی که باید به

آن توجه شود ایجاد یک مرکز ملی حقوق بشر است. ما پیشنهاد داده‌ایم که حقوق بشر و کمیسیون مساوات باید یک نهاد حمایتی باشد که می‌تواند دارای اغلب صلاحیت‌هایی باشد که جنبه‌های مختلف حقوق بشری را پوشش می‌دهند. منظورم این است که ما در کشورمان کمیسونی برای کودکان داریم. یک کمیسیون حفاظت از اطلاعات و یک کمیسیون نیازهای ویژه داریم و بنابراین صلاحیت‌ها به‌خوبی تعریف‌شده و نهادسازی شده‌اند. چنین چیزی در انگلستان نیز اتفاق افتاده است، جایی که یک کمیسیون حقوق بشری قوی وجود دارد و من فکر می‌کنم این‌ها چیزهایی است که باید موردتوجه قرار گیرد. متشکرم

جمع‌بندی رییس نشست

من با خودم استراتژی آمودزمان اروپایی را تا سال ۲۰۱۹ و سه کلمه کلیدی آن یعنی تأثیر، ارتباط و اثربخشی را به همراه دارم و زمانی که ما با نهادهای مختلف حقوق بشری کار می‌کنیم، نظر معاون وزارت امور اتحادیه اروپا نیز به نظرات شما نزدیک است، زیرا ما در حال دستیابی به روندی از پیوستن یک گروه نظارتی اصلاحی هستیم که به یک گروه اقدام درزمینه اصلاحات، تغییر شکل یافته است. ما در تلاش هستیم که با همه ساختارهای مستقل کارکنیم و از یک همکاری هم‌افزا مطمئن شویم. آنچه امروز اروپا و همسایگان و تمام جامعه بین‌المللی به آن نیاز دارند، بازاندیشی در مورد مفاهیمی چون هدف غایی، قانون و اخلاق است؛ و این جایی است که ما می‌توانیم مطمئن شویم اصل کمک متمم، به اصل شهروندی و آنچه رییس‌جمهور ما امروز صبح بیان داشت نزدیک است. در بسیاری از سنت‌های ما در سرزمین آناتولی چنین تعاملی میان دولت‌ها و شهروندان وجود دارد و این یک مسیر اساسی اخلاقی است. من بسیار خوشحالم که به‌عنوان رییس این نشست انتخاب شدم و امیدوارم که بتوانیم به تعاملاتمان ادامه دهیم. به خاطر تجارب شما، آنچه شما گفته‌اید برای ما، ترکیه و مسیری که پیش روداریم، بسیار ارزشمند است.

سخنرانی‌های روز دوم

۲۶ شهریور (۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵)

دستور کار آمبودزمان و به‌کارگیری پیشنهادها

رئیس جلسه:

پروفسور نیکی فروس دیامندوروس

سخنرانان:

والری لوتکوفسکا

پیتر تیندال

قاضی ناصر سراج

پروفسور آیدین گولان

والریا لوتکوفسکا^۱ (مجلس اوکراین)

از شما ممنونم و ابتدا، تشکر می‌کنم از رییس آمبودزمان ترکیه برای دعوتی که از من برای شرکت در این همایش داشته‌اند. موضوع من، دستورالعمل آمبودزمان در فرآیند سیستم قضایی اوکراین است. این موضوع بسیار جالب است، زیرا مطابق قانون اساسی ما، عدالت در اوکراین باید به‌طور خاص توسط دادگاه اعمال شود. نمایندگی امور دادگاه و اجرای این امور به دیگران اجازه داده نشده است. تأثیرگذاری بر قضات به هر شیوه‌ای ممنوع است. قضات مطابق قانون مستقل هستند. مطابق قوانین اوکراین اگر پرونده‌ای ابتدا در آمبودزمان باز شود، آمبودزمان باید آن‌ها را پیگیری کند، ولی اگر قبل از ارائه شدن در آمبودزمان در دادگاه مطرح شده باشد، آمبودزمان دیگر صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد؛ بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آمبودزمان چگونه می‌تواند در مسأله فرآیند قضایی مؤثر باشد، چراکه مسائل مربوط به نقض حقوق بشر را بسیار دریافت می‌کنیم.

قبل از هر چیز مطابق قانون، ما سازوکار مشابهی را در رابطه با فرآیند دادگاه و فرآیند دادگاه اداری براساس قانون آمبودزمان اوکراین داریم که ممکن است مورد استفاده دادگاه‌ها برای محافظت از حقوق، آزادی و منافع افراد یا منافع جمعی یا ملی قرار گیرد. آمبودزمان می‌تواند مدارک و مستندات لازم را برای دادگاه فراهم کند و افراد را از تهیه و جمع‌آوری این مدارک برای دادگاه بی‌نیاز کند. مطابق با قوانین عمومی، افراد ممکن است برای محافظت از حقوق و منافع خود شکایت خود را در آمبودزمان یا دادگاه‌های اداری مطرح کنند. در کنار این موضوع، افراد باید مدارک اصلی یا کپی معتبر آن‌ها را در اختیار کمیسیونرها قرار دهند. بدون این مدارک، کمیسیونر اجازه حضور در دادگاه مربوط را نخواهد داشت. فردی که شکایت خود را در آمبودزمان اوکراین مطرح می‌کند، باید به‌طور کامل و واقعی خودش را معرفی کند و مدارکی که ارائه می‌کند کاملاً دقیق و نشان‌دهنده وخامت اوضاعی باشد که ثابت می‌کند فرد

به تنهایی قادر به دفاع از خود در دادگاه نیست. بعد از ملاحظه و بررسی چنین مدارکی است که آموذمان تصمیم می‌گیرد که آیا فرد موردنظر می‌تواند این مورد را در دادگاه مطرح کند یا خیر؛ اما این قانون کلی است. اگر برای مثال اکنون در دادگاه میان والدین یک کودک، موضوع مشاجره‌ای مربوط به مکان زندگی کردن آن کودک مطرح باشد، چه کسی مسئول دفاع از حقوق آن کودک است؟ اگر یک نهاد اختصاصی برای این موضوع وجود نداشته باشد، چه کسی نمایندگی دفاع از حقوق آن کودک را بر عهده دارد؟ در شرایط عادی، خدمات اجتماعی ویژه برای کودکان می‌توانند نمایندگی منافع کودک را بر عهده بگیرند؛ اما این‌ها اشخاصی هستند که خودشان درگیر در موضوع هستند؛ بنابراین کودک بدون نماینده منافع است. در چنین مواردی بدون هیچ مدرکی برای اثبات، آموذمان می‌تواند در روند دادگاه و به نفع کودک وارد شود و نمایندگی از منافع او را بر عهده بگیرد.

موضوع مهم، دخالت آموذمان در فرآیند قضایی است. دادگاه اوکراین امکان مشارکت آموذمان در روند رسیدگی قضایی را نمی‌دهد. در چنین شرایطی گروه حقوق بشر نخواهد توانست دفاع قانونی را از شرکت‌کنندگان در فرآیند رسیدگی قضایی انجام دهد و در تحقیقات پیش از دادگاه یا در مرحله رسیدگی قضایی در دادگاه دخالتی داشته باشد. مطابق با مفاد قانونی که در بالا ذکر شد، بازرس تنها حق حضور در دادگاه و در نظر گرفتن دادرسی کیفری به منظور نظارت بر وضعیت و انطباق با حقوق آیین دادرسی توسط دادگاه را بر عهده دارد. با توجه به رویه کیفری دادگاه‌های اوکراین دفاع از حق فرد، قربانیان و شاهدان به طور انحصاری توسط وکیل آن‌ها انجام می‌شود؛ اما براساس قانون ما، نهاد ویژه‌ای وجود دارد که می‌تواند قاضی را از طریق مسئولیت‌های انضباطی خودش مورد نظارت قرار دهد. این گروه دارای بالاترین صلاحیت قضایی است. در این گروه مطابق با قانون در مورد وضعیت قضات، من به عنوان نماینده آموذمان حضور دارم و اگر وضعیت بفرنجی را شاهد باشم این امکان برای من وجود دارد که نگرانی خود را در مورد روند برگزاری دادگاه به گروه فوق ارائه دهم. این درخواست من نباید بی‌اساس باشد و باید مستند و قابل اثبات باشد.

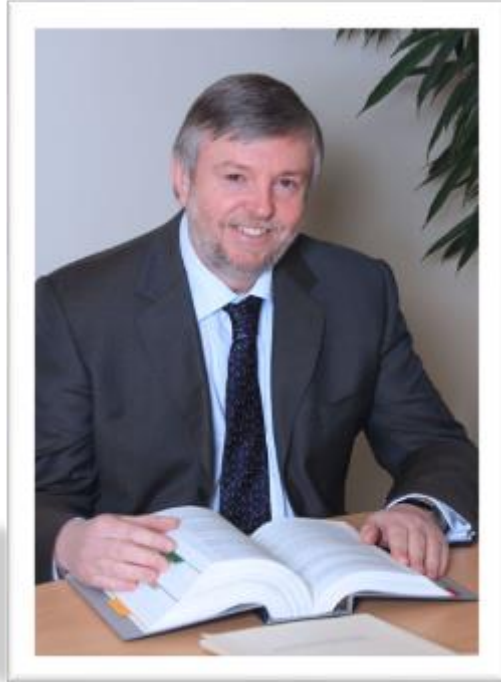
تنها من به‌عنوان بازرس و عضو آمبودزمان که در حال حاضر در جریان دادگاه است می‌توانم چنین ادعاهایی را در مورد برگزاری دادگاه داشته باشم؛ بنابراین اگر نشانه‌هایی را از نقض حق فرد در دادرسی کیفری مشاهده کردم می‌توانم آن را به گروه ارائه دهم. هدف، نظارت بر موقعیت است و این که در جریان فرآیند قضایی حقوق افراد ضایع نشود. وضعیت دیگری که ممکن است ما با آن روبه‌رو شویم، زمانی است که گزارش‌هایی از نقض حقوق بشر در جریان یک دادگاه به دست ما می‌رسد. به‌عنوان مثال اگر گزارش در مورد سلسله‌مراتب دادرسی کیفری باشد، می‌تواند نقض حقوق بشر قلمداد شود و ما دیدگاه قانونی دادگاه اروپایی حقوق بشر را در این مورد به‌خوبی می‌دانیم. در چنین وضعیتی من نمی‌توانم قضاوت درستی در مورد این که چه کسی وظیفه اجرای عدالت را بر عهده دارد داشته باشم. من می‌توانم به ریاست دادگاه توصیه‌هایی را ارائه دهم و از جمله این که این مورد می‌تواند در دادگاه حقوق بشر اروپایی مطرح شود. مطابق قوانین ما اجرای احکام دادگاه حقوق بشر اروپا و در انطباق با رویه‌های قانونی دادگاه کیفری ما، بخشی از اقدام‌های ما را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین من می‌توانم به رییس دادگاه مذکور گزارش دهم و در یک مورد خاص در یک دادگاه اگر نشانه‌هایی از نقض حقوق بشر مشاهده شود، این نشانه‌ها به دادگاه حقوق بشر اروپایی ارائه می‌شود و این حق فرد برای حضور در یک محاکمه آزاد را تضمین می‌کند. من باید بگویم که واقعاً اقدام‌های بسیار مؤثری انجام شده است و پس از دریافت چنین توصیه‌ای فرآیندهای قضایی زودتر انجام شده است؛ اما نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که چنین رویه‌ای به معنای دخالت در امور اداری قضایی نیست و تنها درخواستی قانونی از دادگاه اروپایی حقوق بشر محسوب می‌شود؛ بنابراین، من فکر می‌کنم این موضوع، نه نقض قانون اساسی اوکراین و نه دخالت در امور اداری سیستم قضایی است. من باید بگویم که چنین برنامه‌ای مربوط به سلسله‌مراتب روش انجام کار است که شامل حدود ۶۰ درصد از مواردی است که در دادگاه مطرح می‌شود. این یک مشکل دستگاهی در قوه قضاییه اوکراین است و چنین پیشنهادهایی که از دفتر آمبودزمان فرستاده شده بسیار مؤثر و مفید

بوده است. متشکرم.

رییس نشست

اهمیت این نشست از آنجاست که به موضوع‌هایی می‌پردازد که برای توانمندسازی نهادهای آمبودزمانی برای اعمال قدرت و اختیاراتشان و برای نشان دادن استقلالشان بسیار مهم هستند. این موضوع که آیا یک آمبودزمان حق وارد شدن به موضوعی را قبل از برگزاری دادگاه دارد یا خیر، موضوع بسیار مهمی است و به‌طور مسلم بسیاری از آمبودزمان‌های قدیمی‌تر در دموکراسی‌های باسابقه‌تر چنین اجازه‌ای را نداده‌اند. این اجازه‌ای است که من فکر می‌کنم بیشتر در دموکراسی‌های جدیدتر قابل مشاهده است. به‌ویژه کشورهایی که به‌تازگی از رژیم‌های کمونیستی رها شده‌اند و در تلاش بوده‌اند تا از اعمال نفوذ سیاسی در سیستم قضایی که در گذشته وجود داشته است، به‌وسیله تقویت استقلال و ظرفیت نهادهای مستقل جلوگیری کنند تا بتوانند نظارت بیشتری بر دادگاه‌ها در زمینه‌ی حقوق بشر داشته باشند؛ بنابراین موضوع مداخله قبل از دادگاه بسیار مهم است. اهمیت دارد که بدانیم که شما چه نوع آزادی عملی را مدنظر دارید. برای مثال من در مدت ۱۰ سال خدمت در آمبودزمان اروپایی تا سال ۲۰۱۲ چنین امکان مداخله‌ای را قبل از دادگاه ملاحظه نکرده‌ام و ما درباره‌ی دخالت صحبت می‌کنیم نه آغاز کردن موضوع. آغاز کردن موضوع قبل از دادگاه موضوع بسیار سخت‌تری است؛ اما مداخله کردن قبل از دادگاه برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ به آمبودزمان اروپایی داده شد؛ بنابراین در نظام حقوق اروپایی این حق ویژه یک پدیده‌ی کاملاً جدید محسوب می‌شود که هنوز در حال توسعه است.

پیتر تیندال^۱ (آمبودزمان ایرلند)



از آقای نیکی فوروس ممنونم و مایلیم سخنانم را با تشکر از میزبانان در اینجا و همکاری آنها برای سازمان‌دهی چنین سمینار فوق‌العاده‌ای شروع کنم. از من خواسته شده تا در مورد موضوع مهم رابطه بین آمبودزمان و مجلس صحبت کنم. این رابطه بسیار محوری است و هنگامی که این رابطه دچار مشکل شود و یا به طور غیر مؤثری در جریان باشد، برای آمبودزمان مشکل است با مقاومت دستگاه‌های اجرایی در زمینه‌ی صلاحیت‌های قضایی آمبودزمان روبه‌رو شود. یک سابقه مختصر نیز وجود دارد که از آمبودزمان بین‌المللی اغلب خواسته شده تا هنگامی که مشکلاتی بین آمبودزمان و مجلس وجود دارد، دخالت کند. ما

1. Peter Tyndall

مسائلی را در اسلواکی داشته‌ایم؛ جایی که گزارش آموذمان در زمینه‌ی آموزش و پرورش کودکان منجر به یک گزارش سالانه به مجلس گردید و رد شد، بنابراین به‌صورتی واضح ممکن است تنش‌هایی در روابط وجود داشته باشد و اگر هیچ‌یک از ما به‌عنوان آموذمان وظیفه‌اش را به‌درستی انجام ندهد، زمان‌هایی وجود خواهد داشت که حکومت‌ها از آنچه ما مجبوریم بگوییم خوشحال نخواهند بود و این بدان معنی است که روابط با مجلس به‌عنوان مخالف دولت بسیار اهمیت می‌یابد. ما از بسیاری از همکاران درباره‌ی اهمیت استقلال آموذمان شنیده‌ایم، درباره‌ی ریشه‌هایش در سوئد و می‌دانیم که نهاد مدرن آموذمان در سوئد نه به‌وسیله حکومت وقت بلکه به‌وسیله مجلس منصوب شد. این مدل تقریباً در بیشتر نقاط دنیا مورد عمل قرار گرفته است که معروف به آموذمان‌های مجلسی هستند که گزارش‌های خود را به مجلس می‌دهند و نه به حکومت. استقلال، به‌ویژه برای جامعه مهم است، زیرا اعضای جامعه نیاز دارند باور کنند که ما داورهای بی‌طرفی هستیم و می‌خواهیم مواردی را بدون این که خودمان بخشی از دستگاه اداری دولت باشیم بررسی کنیم و بنابراین در مقابل منافع فردی شهروندان قرار نداریم. نهاد آموذمان می‌تواند به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دموکراتیک محسوب شود. ما وظیفه داریم که نهادهای خدمات عمومی را موردبررسی قرار دهیم و هنگامی که مسائل آن‌طور که باید پیش نمی‌رود، در مورد عملکردشان به مجلس گزارش دهیم.

با توجه به اهمیت رابطه با مجلس، می‌توانیم به برخی از ویژگی‌های مهمی که به ما بهترین وضعیت نهادی ممکن را می‌دهد فکر کنیم. آموذمان‌ها باید گزارش‌های خود را به‌صورت سالانه به مجلس ارائه دهند، اما همچنین می‌توانند گزارش‌های ویژه‌ای نیز در ارتباط با تصمیم‌های دستگاه‌های اجرایی به آن‌ها ارائه نمایند. توانایی مجلس برای پاسخ‌گو نگه‌داشتن دستگاه‌های اجرایی، درجایی که توصیه‌های آموذمان الزام‌آور نیستند بسیار ضروری است. انتصاب آموذمان باید توسط رأی‌گیری در مجلس باشد و باید بهترین ساز-و کار برای انتخاب کاندیداها به کار گرفته شود. آن‌ها توسط نمایندگانی انتخاب می‌شوند که

عضوی از دولت نیستند و از مجلس حمایت می‌کنند نه از دولت. ما گاهی شاهد نمونه‌هایی از فرآیندهای استخدام هستیم که به وسیله نهادهای نظارتی مستقل حمایت می‌شوند و این که این فرد برای خدمت در آمبودزمان مناسب است یا خیر بررسی می‌شود.

موضوع دیگری که ما درباره‌اش شنیده‌ایم این که سرمایه‌گذاری به امنیت آمبودزمان کمک می‌کند. در بهترین حالت این سرمایه‌گذاری به وسیله مجلس فراهم می‌شود و نه دولت. در ایرلند آمبودزمان به وسیله رییس‌جمهور با توصیه و تصویب مجلس منصوب می‌شود و چنین انتصابی مورد ملاحظه کمیته‌ای قرار می‌گیرد که این کمیته، خود، قبل از انتصاب آمبودزمان توسط مجلس منصوب شده‌اند. براساس قانون، آمبودزمان ایرلند می‌تواند توسط رییس‌جمهور عزل شود اما نمی‌تواند از خدمت برکنار شود، مگر آن که سوء رفتاری مشاهده شود که موجب صدمه جبران‌ناپذیری شود. این برکناری تنها زمانی عملی می‌شود که مجلسین هر دو آن را تصویب کنند.

این موضوع در بسیاری از دستگاه‌های قضایی عمومیت دارد و در تضمین استقلال اداره مؤثر است. از آنجایی که قانون در ایرلند می‌گوید که آمبودزمان در اجرای وظایفش مستقل خواهد بود، من مجبورم یک گزارش سالانه به مجلسین از عملکردم بدهم. گاهی ممکن است گزارش‌های نظارتی یا گزارش‌های دیگری نیز قبل از گزارش مجلس منتشر شود. علاوه بر این، اگر به دنبال یک بازرسی، پیشنهادهایی برای بازنگری در برخی وظایف دستگاه اجرایی ارائه دهم و پاسخ‌ها قانع‌کننده نباشد، می‌توانم در یک گزارش ویژه آن را به اطلاع مجلس برسانم. هرچند قانون آمبودزمان مشخص نکرده که اگر من یک گزارش ویژه ارائه دهم، مجلس چه اقدامی می‌تواند انجام دهد و این موضوع خیلی مهم است که ما در ایرلند و جاهای دیگری با آن مواجه هستیم.

اداره آمبودزمان در ایرلند از سال ۱۹۸۴ در حال فعالیت بوده و به بیش از ۹۰ هزار شکایت تاکنون رسیدگی کرده است. در آن زمان آمبودزمان مورد حمایت مالی ضروری قرار گرفت تا سالانه فقط چهار گزارش ارائه کند. به عبارتی تنها چهار گزارش از مجموعه

گزارش‌ها منجر به موقعیت‌هایی می‌شد که دستگاه اجرایی به دستگاه قضایی به خاطر عمل نکردن به پیشنهادهای معرفی می‌شد. معمولاً آنچه آمبودزمان پیشنهاد می‌کند توسط دستگاه‌های اجرایی مورد عمل قرار می‌گیرد، چراکه وزرای دولت تمایل ندارند که درنهایت توسط مجلس مورد بازخواست قرار گیرند.

اکنون من نمی‌خواهم درباره‌ی جزئیات همه آن گزارش‌ها صحبت کنم و فقط اندکی از آن‌ها را می‌گویم. یکی از آن‌ها در مورد جبران خسارت مالیات‌دهندگان است. در سیستم مالیاتی ایرلند، اگر اشتباهی صورت بگیرد که باعث اخذ پول بیشتر از مالیات‌دهندگان شود، باید مقدار اضافه برگردانده شود؛ اما در این مورد خاص، بخشی از آنچه باید برگردانده می‌شد، پرداخت شده است. بسیاری از شما ممکن است با این رژیم‌های مالیاتی آشنا باشند و البته ما در آمبودزمان بخشی برای مالیات داریم. واقعیت این است که آمبودزمان فکر نمی‌کرد که موضوع مطرح‌شده عادلانه باشد و هنگامی که این موضوع به مجلس رفت، مجلس هم آن را غیرعادلانه دانست و مالیات‌دهندگان پول‌هایشان را پس گرفتند؛ بنابراین این یکی از مواردی بود که در آن نتایج رضایت بخشی را شاهد بودیم. همچنین جانشین آقای نیکی فوروس، خانم امیلی اوریلی^۱ در آمبودزمان اروپایی گزارشی را ارائه دادند درباره‌ی طرحی که برای غرامت پرداختن به بازماندگان کسانی بود که در دریا جانشان را از دست می‌دادند. در موردی که یک قایق ماهیگیری غرق شد فقط یک خانواده از این طرح بهره برد. خانم اوریلی گزارشی را ارائه دادند که می‌گفت این اشتباه است و دولت وقت نیز قبل از آن که موضوع در مجلس مورد بحث قرار گیرد موضوع را مورد بررسی و اقدام قرار دادند.

علاوه بر این یک اعتراض عمومی گسترده در این مورد به وجود آمد و رسانه‌ها به صورت وسیعی آن را از آغاز پوشش دادند. یک پیمایش شفاهی با زمینه‌ای سیاسی انجام شد که در دو بخش کاملاً مجزا یعنی دولت و مخالفانش انجام گرفت. به یک بحث خیلی تلخ در مجلس منجر شد و نهایتاً گزارش به کمیته ارجاع شد؛ اما حتی پس از ارجاع به کمیته، تأیید

1. Emily O'Reilly

نشد و گزارش تا امروز منتظر تأیید باقی‌مانده است.

خانم اوربلی دو گزارش دیگر ارائه دادند که من فکر می‌کنم مهم هستند. هر دو این گزارش‌ها در مورد طرح‌هایی بودند که تسهیلاتی را برای افراد دارای محدودیت‌های حرکتی و ناتوانی فیزیکی فراهم می‌کردند و لذا این افراد می‌توانند به حمل‌ونقل موتوری دسترسی داشته باشند. هر دو این طرح‌ها دارای مهلت زمانی ۶۵ روزه بودند. خانم اورولی به خوبی سالمندان را نیز مشمول این طرح‌ها کردند. دولت با این وجود طرح‌ها را اجرا نکرد، زیرا هزینه اجرای این طرح‌ها شامل افراد مسن نیز بود و درواقع آنچه اتفاق افتاد این بود که آن‌ها از طرح عقب‌نشینی کردند و هیچ‌کس از آن بهره‌ای نبرد؛ اما زمانی که دولت جدید روی کار آمد، تصمیم گرفت که گزارش‌های آمبودزمان باید به کمیته ویژه مجلس برود که وظیفه‌اش پاسخ‌گو نگه داشتن دولت در زمینه‌ی عدم اجرای پیشنهادهای گزارش‌های آمبودزمان است؛ بنابراین اگر که وزرا اجرای توصیه‌ها را رد کنند به کمیته مجلس فراخوانده می‌شوند تا در مورد اقدام‌هایشان پاسخ‌گو باشند. هیچ تضمینی در دموکراسی پارلمانی برای تصمیم نهایی در صورت اجرا نشدن توصیه‌های آمبودزمان وجود ندارد؛ اما این بدان معنی نیست که دیگر اجرا نشود و یا مورد بررسی‌های بیشتر و عمیق‌تر مجلس و یا سطوح بالای جامعه قرار نگیرد. البته در مورد ایرلند تقریباً همه پیشنهادهای آمبودزمان به کار گرفته شده است. تنها یک توصیه واقعاً برجسته وجود دارد که باقی‌مانده و من فکر می‌کنم یکی از آن مواردی باشد که احتمالاً هرگز حل و فصل نشود و آن موضوع جان‌باختگان دریایی است که قبلاً مطرح شد؛ اما اکنون به عنوان نتیجه، ما از سازوکاری استفاده می‌کنیم که آمبودزمان را قادر می‌سازد تا به کمیته مجلس دسترسی داشته باشد و اگر بخواهم در مورد موضوعی صحبت کنم می‌توانم جایگاهی را در کمیته داشته باشم و ملاقاتی را ترتیب بدهم؛ و از آنجایی که ما یک سازوکار مؤثر برای پاسخ‌گو نگه داشتن دولت و خدمات عمومی داریم، به عنوان یک مدل برای دیگر دموکراسی‌ها دیده می‌شود و من فکر می‌کنم بتواند برای اطمینان از این‌که پیشنهادهای آمبودزمان مورد اجرا قرار گیرد، مؤثر باشد.

رییس نشست

اجازه می‌خواهم دوباره نظری را در این باره مطرح کنم. موضوع روابط آمبودزمان با مجلس مسلماً برای اقتدار و صلاحیت آمبودزمان مهم است؛ به این دلیل که مجلس تنها نهادی است که در سیستم دموکراتیک به صورت بالقوه متحد آمبودزمان برای پاسخ‌گو نگه داشتن دولت محسوب می‌شود و اختیارات قانون اساسی، حقوقی و سیاسی این نهاد آن را قادر به حمایت از پیشنهادهای آمبودزمان می‌کند؛ بنابراین چنین ارتباطی، یک رابطه فوق‌العاده ظریف و مهم است و پیترو به مشکلاتی که در گذشته در ایرلند در این رابطه وجود داشته است اشاره کرد. این موضوعی است که در بسیاری از کشورهایی که دارای یک سنت قوی از حاکمیت قانون هستند نیز مشاهده می‌شود. قبل از این که آقای پیترو تیندال عضو آمبودزمان ایرلند باشند، در آمبودزمان ولز حضور داشتند و بنابراین در چارچوب سیستم سیاسی - قضایی بریتانیا عمل می‌کردند. در آن سیستم قضایی، رییس سابق آمبودزمان بریتانیا خانم آن آبراهام، درگیری‌های جدی را با دولت در زمینه‌ی خدمات بیمه‌ای داشت و توصیه‌های او به خوبی توسط دولت اجرا نشد که نتیجه‌اش متضرر شدن بسیاری از شهروندان بود؛ بنابراین روابط بین مجلس به عنوان یک متحد اصلی و آمبودزمان مهم است. لذا این بدان معناست که مسأله یادشده تنها مرتبط با مقاله پیترو و حوزه کاری او نیست، بلکه این سؤال مهم را مطرح می‌کند که نقش آمبودزمان و ارتباطش با مجلس چگونه تعریف می‌شود. در بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمبودزمان اختیار اعمال کنترل مجلس را ندارد. در نظام حقوقی اتحادیه اروپا صراحتاً این حق ویژه داده شده است؛ هرچند تجربه من این است که این حق بیشتر از آن که مشکلی را حل کند، مشکلات بیشتری را به وجود می‌آورد؛ دقیقاً به این دلیل که وقتی شما این متحد را کنترل می‌کنید، احتمال این که این متحد ناخرسند شود و ناخشنودی خود را به شیوه‌های مختلف نشان دهد وجود دارد و این موضوع باعث به وجود آمدن مشکلاتی می‌شود؛ بنابراین آنچه من در اینجا به آن اشاره می‌کنم براساس تجربه خودم در اتحادیه اروپا است که اگرچه دادن حق کنترل مجلس به

آمبودزمان به نظر بسیار دموکراتیک می‌آید، اما به صورت بالقوه مشکلات مهمی را نیز می‌تواند به دنبال داشته باشد. دقیقاً به این خاطر است که روابط با مجلس باید بسیار مستحکم و موردحمایت باشد. آخرین دیدگاهم درمورد اشاره پیتز به موردقبول واقع نشدن برخی گزارش‌های ویژه به وسیله مجلس ایرلند و ارائه یک دیدگاه مقایسه‌ای در خصوص مجلس اروپاست و این که آیا آمبودزمان اروپایی حق ارسال یک گزارش ویژه را به مجلس دارد یا خیر. تعداد متوسط شکایت‌های ارائه‌شده به مجلس اروپا در حدود چهار الی پنج هزار مورد در سال است. در طول ۲۱ سال گذشته در حدود ۲۲ الی ۲۳ گزارش ویژه وجود داشته است که با دخالت مجلس اروپا، همگی آن‌ها به جز یکی موردقبول مقام‌های اتحادیه اروپایی قرار گرفت. آن یک مورد که موردقبول واقع نشد، همان طور که پیتز گفت یک موضوع بسیار بحث‌برانگیز بود که قدرت سیاسی دفتر ضد فساد اروپایی را به چالش می‌کشید. یک دادستان آلمانی که این موضوع را پیگیری می‌کرد به نظر به اشتباه از تمام روابط آلمانی خود در مجلس اروپا استفاده کرد تا این موضوع برای تصمیم‌گیری در مجلس اروپا مطرح نشود و گمان می‌کنم خوشبختانه این تنها مورد بود.

قاضی ناصر سراج (رییس سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران)



بسم الله الرحمن الرحيم

جناب رییس، عالی جنابان، خانم‌ها و آقایان

پس از حمد خداوند توانا و تشکر از فرصت ایجادشده، بسیار خوشحالم از این که در جمع شما حضور یافته‌ام و در این فرصت، جایگاه قانونی و نقش سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران در نظام اداری کشور متبوعم را برای انتقال تجارب و آشنایی با حدود وظایف و اختیارات آن مطرح می‌کنم. مقدماً به استحضارتان می‌رسانم که نظام نظارت و بازرسی در ایران پس از انقلاب مشروطیت و از سال ۱۳۰۸ هجری شمسی پایه‌گذاری شده است. در این سال مجلس شورای ملی وقت؛ هیأت تفتیشیه مملکتی را تصویب نمود و در سال ۱۳۱۳ به تفتیش کل مملکتی تبدیل شد. بعد از مدتی اداره کل بازرسی کشور زیر نظر وزیر دادگستری ایجاد شد. وی به بازرسی نظام اداری و قضایی مبادرت می‌نمود. در سال ۱۳۳۳ علاوه بر اداره کل بازرسی کشور؛ هیأت عالی نظارت شکل گرفت. در

سال ۱۳۳۷ بازرسی شاهنشاهی جایگزین این نهاد شد. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی (۱۹۷۹ میلادی)، سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران تأسیس و براساس مصوبات شورای عالی انقلاب سازمان‌های مشابه قبلی منحل شدند. با تصویب قانون اساسی ایران بر مبنای جمهوری اسلامی، تشکیل سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان یک نهاد پایدار در اصل ۱۷۴ قانون اساسی تثبیت شد.

جایگاه قانونی سازمان بازرسی کل کشور در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران:

در اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است:

(براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند) بر پایه این قانون، تشکیل سازمان در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از همان سال این سازمان به فعالیت خود ادامه داد. قانون مزبور با تغییرات و اصلاحاتی در سال ۱۳۷۵-۱۳۸۷ مواجه شد. این قانون در سال ۱۳۹۳ هجری شمسی با آخرین اصلاحات تصویب گردید.

میهمانان عالی‌قدر، حضار محترم؛

در ادامه به وظایف آموذ زمانی و حفظ حقوق شهروندی- اقدامات بازدارنده و پیشگیرانه - حفظ حقوق عمومی و برخورد با مفاسد اقتصادی و اداری می‌پردازم و به اختیارات ویژه قضایی اشاره می‌کنم و در خاتمه وظایف و اختیارات سازمان و نیز وظایف دستگاه‌ها و مسئولین به‌عنوان مخاطب این سازمان را تشریح می‌نمایم.

وظایف سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران

نقش آموذ زمانی و حفظ حقوق شهروندی

همواره آموذ زمانی‌ها نقش واسطه بین دستگاه‌های دولتی و شهروندان را ایفا می‌نمایند و علاوه بر رسیدگی به تظلمات و شکایات افراد؛ در مواردی هم به مقابله با فساد اداری نیز می‌پردازند. یکی از وظایفی که به موجب قانون بر عهده این سازمان قرار گرفته رسیدگی به شکایات و اطلاعات مردمی است. رسیدگی به تخطی دستگاه‌های اجرایی و عمومی از قانون و یا شکایات از تصمیمات و مصوبات دولتی وظیفه این سازمان است. وظیفه اصلی سازمان نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین است. با اعلام تخلف از قانون توسط مسؤولین مربوط، به محض وصول شکایت به این سازمان، - که در حال حاضر بیشتر از طریق اتوماسیون اداری انجام می‌شود - موضوع شکایت به بخش تخصصی مربوط ارجاع داده می‌شود. چنانچه رسیدگی به این موضوع در صلاحیت سازمان باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با تشکیل پرونده و احراز تخلف؛ برای اقدام مقتضی به مبادی و مراجع ذی-صلاح منعکس می‌گردد. همچنین کلیه شکایات از آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولت و بخشنامه‌های مغایر با قوانین نیز از سوی این سازمان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. این امر پس از تأیید مغایرت، برای ابطال به دیوان عدالت اداری - به عنوان بخشی از قوه قضائیه که رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی را عهده‌دار است و طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی شکل گرفته - ارسال می‌گردد.

نقش پیشگیرانه و بازدارنده

به موجب ماده (۱) قانون تشکیل سازمان، نظارت و بازرسی مجموعه‌ای از فعالیت‌های مستمر، منظم و هدف‌دار است. این نظارت و بازرسی به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم در مراحل حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول بازرسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها و تطبیق عملکرد با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادی مناسب برای حسن جریان امور انجام می‌گیرد.

چنانچه در بررسی عملکرد یا تصمیمات قبل از اقدام؛ بیم تخلف یا ایجاد مشکل در روند اجرا و مخاطره‌ای مهم احساس شود، گزارش هشداری برای مقامات و مسئولین مربوط طبق بند (ج) ماده (۱۱) قانون تشکیل سازمان ارسال می‌شود. در این بند از قانون تصریح شده است، «ارائه گزارش‌های نظارتی هشداردهنده به هنگام؛ به مقامات مسئول جهت پیشگیری از وقوع جرم، تخلف و سوء جریان‌ات احتمالی»

بازرسی برنامه‌ای و بازرسی‌های فوق‌العاده

به‌موجب ماده (۲) قانون، سازمان وظیفه و اختیار بازرسی برنامه‌ای و بازرسی‌های فوق‌العاده در دستگاه‌های اداری و عمومی را عهده‌دار است. این دستگاه‌ها شامل کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، وابسته و تابع دولت و دستگاه‌های عمومی است. منظور از عمومی سازمان‌های غیردولتی واجد وظایف عمومی و اعمال حاکمیت و تصدی هستند که در قانون مربوط احصا شده‌اند؛ (مثل شهرداری‌ها) و مؤسسات عام‌المنفعه عمومی که وظیفه کمک‌رسانی، بهزیستی و حمایت مردم را عهده‌دار هستند؛ (مانند تأمین اجتماعی)

چنانچه در بازرسی‌ها به موارد تخلف یا جرم یا سوء جریان‌ی برخورد شود، گزارش آن طبق بند «د» ماده (۲) قانون؛ به مراجع قضایی یا اداری منعکس می‌شود و تا حصول نتیجه نهایی پیگیری می‌گردد.

در این مقام سازمان و برخی عوامل آن از منظر مدافع حقوق عمومی از ظرفیت قضایی ویژه برخوردار می‌باشند. در رده‌های بازرسی، بازرسان دارای درجه‌بندی هستند. بازرسان کل، بازرسان قضایی و به‌ویژه بازرسان قضایی دارای ابلاغ خاص، بخش‌هایی از این وظیفه را بر عهده‌دارند.

ساختار تشکیلاتی سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران در بعد نظارت و بازرسی

عالی‌جنابان؛ خانم‌ها و آقایان

اجازه می‌خواهم مختصری از تشکیلات سازمان در بعد نظارت و بازرسی را مطرح نمایم.

این سازمان دارای (۴) معاونت عملیاتی تخصصی به شرح زیر است:

■ معاونت نظارت و بازرسی امور اقتصادی و زیربنائی

■ معاونت نظارت و بازرسی امور تولید و توسعه

■ معاونت نظارت و بازرسی امور سیاسی و قضایی

■ معاونت نظارت و بازرسی امور فرهنگی و اجتماعی

در هر معاونت متناسب با وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط و موضوعات اساسی؛ چهار اداره کل تخصصی وجود دارد که هر اداره کل از یک بازررس کل، سربازرسان و بازرسان لازم تشکیل شده است. این ادارات کل وظیفه و اختیار خاص بازرسی در حوزه مربوطه را انجام می‌دهند. متناظر این معاونت‌ها؛ ادارات کل نظارت و بازرسی استان‌ها نیز تشکیل شده است. ادارات کل استانی دارای بازررس کل و بازرسان مربوط است. ادارات کل استانی سازمان بازرسی کل کشور، در ۳۱ استان فعالیت می‌کنند و توسط سازمان مرکزی که در تهران پایتخت جمهوری اسلامی ایران واقع شده است، راهبری می‌شوند. چنانچه بازرسان در برخورد با مسائل مالی به سوء جریانات و تخلفات اداری و انتظامی و جرایم برخورد نمایند گزارش لازم را تهیه می‌نمایند. این امر مستلزم تحقیق و بررسی، کسب اطلاعات، اخذ مدارک و اسناد، تحصیل اطلاعات، استنتاج و ارائه نظر و پیشنهاد و راهکار است. در آیین‌نامه اجرائی قانون سازمان تکالیف و وظایف و کیفیت تحقیق و بررسی؛ به‌صورت علمی و روشن برای کارکنان سازمان تبیین شده است. در همین موارد نقش بازررس قضایی بسیار حائز اهمیت است. بازرسان قضایی دو دسته هستند؛ بازررس قضایی دارای پایه قضایی که از رتبه ۸ قضایی نباید کمتر باشد و بازررس قضایی دارای ابلاغ خاص که از طرف رییس قوه

قضایه به این منظور حکم و ابلاغ دارند. در همه موارد اعلام تخلف و جرم که توسط بازرسان غیر قضایی گزارش می‌گردد، باید به تأیید بازرس قضایی برسد. این بازرسان علاوه بر نظارت بر مراحل تحقیق و کسب مدارک؛ به تفهیم اتهام و اخذ دفاع از متهمین می‌پردازند. سپس با تکمیل پرونده و تأیید نهایی آن گزارش ارسال می‌شود.

نقش بازرسان قضایی دارای ابلاغ خاص

بازرسان قضایی علاوه بر وظیفه تحقیق و بازجویی و جمع‌آوری دلایل، تفهیم اتهام و اخذ دفاع در موارد جرایم در محدوده تقصیرات مأمورین دولت نسبت به مردم و دولت که شامل اختلاس - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و دولتی - ارتشاء - تدلیس و تبانی در معاملات دولتی - اعمال نفوذ و اعمال غرض نسبت به اشخاص و امثال آن است، اقدام می‌کنند. چنانچه بیم تبانی یا فرار متهم یا امحای اسناد و مدارک و آثار جرم را بدهند؛ می‌توانند نسبت به صدور قرار تأمین مناسب مطابق قانون آیین دادرسی کیفری؛ اقدام کنند. حتی می‌توانند قرار بازداشت موقت متهم با موافقت دادستان مربوط را صادر نمایند. در این مقام، نقش مبارزه با فساد اداری و اقتصادی سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران نیز قابل توجه است.

تأیید نهایی گزارش‌ها و ضمانت اجرای پیشنهادها

پس از انجام بازرسی‌ها و ارائه گزارش‌ها، دفتر تنقیح و بررسی گزارش‌ها، گزارش‌های مزبور را کنترل نهایی و تأیید می‌نماید. گزارش‌ها باید با اتقان و استحکام لازم به مراجع مربوط منعکس شود. پس از آن مقام مجاز؛ گزارش‌ها را امضا و ارسال می‌کند. در گزارش‌ها؛ پیشنهادهای قانونی نظیر اصلاح عملکرد - اصلاح ساختار و رفتار و رعایت قانون و مقررات داده می‌شود. براساس ماده ۱۰ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران؛ مقامات مسئول موظف هستند ظرف ده روز عملیات اجرایی برای انجام پیشنهادها؛ مندرج در گزارش را شروع کنند. این مقامات باید مفاد جریان کار را مرتب به اطلاع سازمان

برسانند و سازمان نیز تا حصول نتیجه نهایی پیگیر موضوع باشد.

برابر تبصره هفتم ماده؛ چنانچه پیشنهادها برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان باشد و عدم اجرای آن‌ها موجب انجام عمل غیرقانونی شود، مسئول مستنکف با رسیدگی در دادگاه به مجازات ماده (۸) قانون محکوم می‌شود. ماده (۸) در خصوص مجازات کسانی است که از ارائه اسناد و مدارک موردنیاز به بازرس اعزامی از سازمان خودداری نمایند.

وظایف دستگاه‌های ذی‌ربط و مخاطبین گزارش‌های سازمان

علاوه بر وظایفی که در مواد قبلی برای دستگاه‌های بازرسی شونده از حیث ارائه مدارک و مستندات لازم و همکاری برای انجام بازرسی بیان شد، رسیدگی به تخلفات اداری، انتظامی و انضباطی مسئولین که گزارش علیه آن‌ها تهیه شده در هیأت‌های مربوط به تناسب محیط‌های مربوط صورت می‌گیرد. رسیدگی به جرایم اعلامی مندرج در گزارش‌ها در دادرها و محاکم قضایی انجام می‌شود. این مراجع طبق ماده (۶) قانون تشکیل سازمان می‌باید به‌طور فوق‌العاده و ظرف ۳ ماه از ارسال گزارش به موضوع رسیدگی نمایند. اگر بیش از مدت معین زمان نیاز داشته باشند مراجع مزبور باید دلایل آن را در پرونده درج و تصریح نمایند. همچنین به‌موجب تبصره ماده (۶) قانون سازمان؛ حق تجدیدنظرخواهی از آرای صادره در این مراجع به‌ویژه در دادرها و محاکم برای سازمان منظور گردیده است. این حق مطلق است و حتی می‌توان گفت از اختیارات دادستان که در موارد براءت یا عدم تناسب مجازات با جرم حق تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌ها را دارد، فراتر است. رسیدگی به اعتراض تجدیدنظرخواهی از قرارها و احکام صادره در مورد گزارش‌های سازمان هم در همه مراجع مزبور خارج از نوبت است.

خانم‌ها و آقایان؛

در خاتمه باید به استحضار برسانم؛ در این فرصت کوتاه امکان تشریح بیشتر موضوع وجود نداشت. آنچه در تبیین مطالب قانون و اجرایی شدن آن در آیین‌نامه اجرایی آن آمده را

به‌اختصار گفتم. امیدوارم که تا همین حد مورد استفاده شما قرار گرفته باشد و شما با سازمان تحت تصدی این‌جانب آشنا شده باشید. با سپاس از صبر و حوصله حضار محترم

رییس نشست

من می‌خواهم که از جناب قاضی سراج برای نکته‌ها و موضوع‌هایی که باعث آشنایی ما با سازوکار قانونی و حقوقی مرتبط با موضوع بازرسی شد تشکر نمایم. موضوع سخنرانی برای ما بسیار حائز اهمیت است و مطلبی است که من مایلم چندکلمه‌ای را در مورد آن صحبت کنم، چراکه اهمیت فوق‌العاده‌ای برای قدرت یک آموذمان دارد. آموذمانی که چنین قدرتی نداشته باشد اغلب با محدودیت‌های زیادی در ارتباط با اعمال قدرت خودش مواجه است؛ بنابراین بسیار ضروری است که قادر به تضمین چنین قدرتی در سازوکار قانونی آموذمان باشیم. درواقع چنین امری قدرت جایگاه سازمانی لازم را برای تحقیق فراهم می‌آورد. من خیلی خوب به یاد می‌آورم هنگامی که قانون ترکیه مورد بحث قرار گرفته بود، در این زمینه با رییس آموذمان آقای عمر اوقلو بحث‌هایی را مطرح کردم و این موضوع مهم است که به یاد بیاوریم با اعطای این قدرت به آموذمان، این نهاد به نحو بهتری می‌تواند به وظایف خودش به‌عنوان یک شاکی در دادگاه‌ها عمل کند و بنابراین جنبه قضایی حاکمیت قانون تقویت خواهد شد؛ بنابراین به این دلیل است که من از مطرح شدن و گنجانده شدن این موضوع در برنامه بسیار خرسند شدم و از آقای سراج برای مطرح کردن آن تشکر می‌کنم.

پرفسور آیدین گولان^۱ (دانشکده حقوق، دانشگاه استانبول)

جناب رییس از شما بسیار ممنونم. بسیار مفتخرم که پیش از بسیاری از مهمانان و آمبودزمان‌های ملی، اعضای دانشگاه‌ها و شوراها دولتی سخنرانی می‌کنم.

حوزه‌ی تخصصی من آمبودزمان و روابط با سیستم اداری عمومی هست. من مایلم دو جنبه را در اینجا مطرح کنم. به این منظور ابتدا به ترمینولوژی [واژه شناسی] موضوع می‌پردازم. اگرچه آمبودزمان ترکیه «حسابرسی بخش عمومی» - دیوان محاسبات عمومی - نامیده می‌شود؛ اصطلاح حسابرسی در قانون به کار نرفته است. اگرچه این اصطلاح به کاررفته، این سازمان ترجیح می‌دهد تا اصطلاح آمبودزمان را هم در وب‌سایت و هم در اعلامیه‌های خود به کار ببرد.

به عنوان مثال در قانون اساسی ما کنترل عملکرد سازمان‌های دولتی به وسیله قانون تنظیم می‌شود. در قانون وظیفه بازرسی، بررسی و ارائه پیشنهاد پیش‌بینی شده است؛ بنابراین جدای از این وضعیت قانونی در کشور، من مایلم به نکته‌ای اشاره کنم؛ بنابراین درست است که تعریفی از روابط بین مدیریت عمومی و آمبودزمان داشته باشیم. مایلم به این واقعیت اشاره کنم که کشورهایی که نهادهای آمبودزمانی خود را زودتر از دیگر کشورها آغاز کرده‌اند، بحث چندان داغی در مورد مسائل بازرسی ندارند.

من ابعاد این روابط را با آوردن مثال‌هایی از توصیه‌هایی که آمبودزمان ترکیه ارائه داده است روشن می‌کنم. اجازه بدهید نقاط نظر خود را بیان کرده و مایلم ارزیابی شمارا هم بشنوم. روابط بین سازمان‌های بخش دولتی و آمبودزمان پیش از آن که براساس حسابرس و تحت حسابرسی باشد؛ در مورد سوء عملکرد و رفتار دستگاه‌هایی اجرایی و کمک به آن‌ها برای احتراز از اشتباه و یا حل مشکل آن‌هاست. به همین صورت ما می‌توانیم دلیلی را که در ورای تعلیق دوره طرح دعوی در دادگاه‌ها مطرح است را توضیح دهیم.

پدیده آمبودزمان قبل از هر چیزی به معنی مشارکت در ساختن، تغییر و توسعه حقوق اداری است. حقوق اداری با کمک از قضاوت تکامل یافته و به عدالت اداری و همچنین جنبه نظری حقوق اداری ویژگی منحصر به فردی را داده است. با این حال، از آنجاکه زندگی اداری در حال توسعه و تغییر دایمی و سریع است، ایجاد اصول و نظریه‌های حقوق اداری به چالش کشیده شده است. به همین دلیل، زمینه‌های نظری تضعیف شده است و قضاوت انعطاف لازم را برای انطباق کامل با این تغییرات در مدیریت عمومی ندارد و نیاز است تا از طریق سازوکارهای مثبت حل و فصل آغاز شود؛ بنابراین، به همین دلیل که سازوکار اخیر سفسطه‌گرانه است و نسبت به هدف، به طور کامل توضیحی هستند، تعمق در جزئیات و تلاش برای حل و فصل مشکلات پس از آن‌ها رخ می‌دهد. از این رو باعث ضعیف شدن مبانی نظری می‌شوند.

به طور خلاصه، پدیده‌ها و اقدام‌های اجتماعی و اقتصادی جدید توسعه یافته و به سرعت در حال توسعه چارچوب قانونی اداری در تعقیب قانونی و ابعاد و اصول و همچنین راه حل‌های جدید شده است. به منظور پاسخ‌گویی به این نیازها، دیوان عدالت اداری در تلاش است این شکاف را با بهره‌گیری از اعضای شورای دولتی پر کند. زندگی اداری به سن و ارشدی خاصی نیاز دارد. تجارب اداری قضات ممکن است چندان با بخش عمومی پیش نرفته باشد. مفاهیم مورد اشاره در اسناد بین‌المللی که ترکیه ممکن است عضوی از آن‌ها باشد یا نباشد، نشان می‌دهد که مفاهیم در سطح جهان در حال تکامل است و بر اصول و تعاریف اثرگذار است و در این زمینه با کمک بخش دولتی تکمیل می‌شود.

تا جایی که به من مربوط است، این چیزی است که یک آمبودزمان انجام می‌دهد: تعیین زمینه‌های حقوقی در زمینه‌ی شکایاتی که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و ارائه یک دلیل برای توضیح تأثیر ناشی از یک رویداد و تقویت آن و بیان توصیه‌هایی برای این وضعیت؛ بنابراین با ملاحظه پارامترهای حقوق اداری بر اساس مدیریت عمومی و شناسایی زمینه قانونی و تصمیم‌های پذیرفته شده و فهم اقدام‌هایی که بر اساس زمینه‌های صحیح انجام شده، نهاد

آمبودزمان در پویایی عدالت اداری نقش دارد. معتقدم که این یک ورودی واقعی آمبودزمان به بخش عمومی است که نشان‌دهنده زمینه قانونی و روشن این رهیافت است. با تفکر درمورد یک توصیه آمبودزمان که ممکن است کمتر با مقاومت سازمان‌های دولتی روبه‌رو شود و به عنوان یک ابزار تلقی شود، چارچوب نظری آمبودزمان شکل کارآمدتری را پیدا کرده و پیشنهاد آمبودزمان به عنوان یک منبع جدید برای تغییر و توسعه حقوق اداری در همکاری با دستگاه‌های دولتی نقش پیدا می‌کند.

علاوه بر این، من مایلم مشخصاً اشاره کنم که اگرچه سطح انطباق یک مقام دولتی با توصیه آمبودزمان کم است، آن مقام فرامی‌گیرد که در دفعات آینده چگونه باید رفتار کند و بنابراین یک بار دیگر چارچوب‌های قانونی را به ما یادآوری می‌کند. یک مقام دولتی یا سازمان حاوی ارزش‌های گسترده و عملکرد بسیاری در ارتباط با آمبودزمان از نظر به وجود آمدن حقوق اداری است.

من می‌خواهم برای حمایت از آنچه بیان می‌دارم مثال‌هایی را ارائه دهم. به عنوان مثال، یک دوره انتقالی برای توصیه‌نامه شماره ۶۸/۲۰۱۳ در نظر گرفته شد، چارچوب نظری حفظ‌شده است و رویکردی برای اصلاح و تغییر اتخاذ شده است که حاوی یک روش کلی نظارتی است. من معتقدم که قوه مجریه یا دستگاه‌های اجرایی باید قادر به انتقال مقررات کلی و مجاز به حذف روش‌های کلی نظارتی باشند. علاوه بر این، فراهم آوردن چنین انتقالی نیز باید در چارچوب نظری مربوطه بحث شود و گسترش پیدا کند و یک دستور کار، ایجاد و به صورت موردی مورد مطالعه قرار گیرد. من مایلم توجه شما را به توصیه دیگری نیز جلب کنم.

توصیه‌نامه شماره ۴۳/۲۰۱۳ بر این مشکل از مدیریت عمومی تأکید دارد که آیا اقدامات با دقت لازم انجام می‌شود یا خیر؟ شاکی ممکن است از نرم‌افزاری برای پر کردن برگه‌های شکایت استفاده کند که ظاهراً خود نرم‌افزار دارای هیچ مشکلی نیست اما تحلیل و بررسی و درجه‌بندی آن ممکن است با خطا روبه‌رو شود. هنگامی که این خطا تشخیص داده شد، سازمان مربوطه آن را اصلاح و آمبودزمان نیز بیان کرد که این اصلاح در چارچوب قانون

انجام شده است و چنین اشتباهاتی باید تصحیح شوند. با این حال، اگر سازمان دولتی مربوطه کار خود را با دقت کافی انجام داده بود، این شهروند از حق خود محروم نمی‌شد و آمبودزمان نیز نتیجه‌گیری کرد که سازمان به تعهد خود مبنی بر انجام دقیق و صحیح امور عمل نکرده است.

توصیه‌ی دیگر درباره‌ی جبران خسارت بازنشستگی به شهروندان است. موضوع شکایت در مورد تعدیل پرداخت بوده که در این زمینه نیز یک تصمیم جالب به تصویب رسید. قوه قضاییه تشخیص داد مقدار کمتری از نرخ موردنظر به طور منظم به فرد بازنشسته پرداخت شده است و آن سازمان باید این اختلاف را جبران می‌کرد. سازمان دولتی این کار را انجام داد. با این حال، این درمانی برای از بین بردن بی‌عدالتی نیست، به این دلیل که مقداری که پرداخت می‌شود برابر با قدرت خرید زمان مورد تخلف نیست؛ بنابراین اختلاف پرداخت باید براساس نرخ فعلی محاسبه می‌شد؛ بنابراین این مورد تبدیل به یک قاعده حقوقی شد که سازمان‌های دولتی باید خود را با آن انطباق می‌دادند. این چیزی نیست که در دستور کار قضاوت ظاهر شده باشد، بلکه از این نظر مهم است که در هدایت بخش دولتی، زمینه‌های اجراشدن چنین احکامی فراهم می‌شود.

توجه به مورد قضاوت شده دیگری به شماره ۱۰۰/۲۰۱۳ نشان می‌دهد که حقوق اداری در کنار پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی آن انجام می‌شود در حال حرکت است. این قضاوت نشان می‌دهد چگونه قانون‌گذار بین بخشش جریمه انضباطی و حق یک بزه دیده در دریافت غرامت تمایز قائل است. چنین چیزی به مفهوم تحرک حقوق اداری و همچنین دیگر حوزه‌های قانونی است.

یک مورد قضاوت شده دیگر شبیه آنچه قبلاً بیان کردم، درباره‌ی به‌وجود آوردن یک راه-حل عملی است. در اینجا یک وظیفه جالب اداری تعیین می‌شود که باید آن را از نظر حقوق اداری وظیفه‌ای متفاوت به‌شمار آورد. البته شاید بتوان با کمک حقوق اداری و قوه قضاییه عنوان مناسبی برای آن یافت. صحبت در مورد فردی است که مشخص نبود تمبری که بر

روی اوراق شناسایی فردی او قرار داشت اصلی و جدید است یا خیر. این فرد از استفاده از آن محروم شد، اما پس از شکایت او قاضی بیان داشت که راه‌حلی عملی باید برای این مشکل پیدا شود.

دولت و یا سازمان‌های دولتی قادر به تولید یک‌راه حل عملی به منظور حمایت از یک بزه دیده هستند. چنین ارزیابی‌هایی توسط قضات مطرح شده است. بدون شک در اینجا انتقاد به قضاوت را هم می‌توان مطرح کرد. به عنوان مثال یک سازمان دولتی یک تغییر مأموریت را تجربه می‌کند و ممکن است عمل اشتباهی را به عنوان بهترین اقدام انجام دهد و آن را قانونی هم فرض کند.

حقوق اداری ما می‌گوید اگر شما برای دسترسی به اطلاعات و اسناد، قبل از دسترسی به برگه‌ای که هزینه‌های شما را برآورد می‌کند هزینه‌ای پرداخت کنید، ممکن است مطابق با قانون نباشد. این موضوعی است که هدف اصلی امتحان دانشگاه مرکزی ÖSYM بوده است و مناسب‌تر برای ÖSYM این بود که چنین تقاضایی برای پرداخت را با عنوان دسترسی به اطلاعات و اسناد براساس مقررات ارتباطات عمومی ادامه دهد تا این که به دلایل دیگری متوسل شود. نهایتاً این مورد می‌تواند به عنوان موردی از مشروعیت‌سازی یک فرایند مطرح شود.

در اینجا برخی قضاوت‌های مهم دیگر نیز وجود دارند که من می‌خواهم اشاره کنم. در مورد قضاوت شده شماره ۳۰۷۶/۲۰۱۴ که در یک روز چهارصد حساب جعلی افتتاح شد و این اتفاق زمانی رخ داد که این اطلاعات به اشتراک گذاشته شده بود. حکم قضایی می‌گوید که اقدام‌های انجام شده توسط سازمان مربوطه شامل زمینه‌هایی است که نگرانی‌های عمومی را در رابطه با این واقعیت که آزادی‌ها محدود شده است را در بردارد. به عبارت دیگر «بازتعریف خود به بهترین روش» جان کلام قضاوت است.

به عبارت دیگر، اگرچه یک سازمان دولتی ممکن است چنین اقدامی را براساس زمینه‌های درست انجام دهد، اجرای چنین اقدام‌هایی با روش‌های انتخابی ممکن است آن را برای

استفاده سازمان‌های دیگر که می‌خواهند از آن برای دفاع از عملکردشان استفاده کنند، مشکل کند.

حکم قضایی می‌گوید که سازمان مربوطه به‌جای شفاف‌سازی اطلاعات و مطالب به ارائه آمار و نمودارها پرداخته است؛ بنابراین رأی قضایی، از این که آن نهاد عمومی، اطلاعات دقیقی را ارائه نداده، انتقاد کرده است. ارائه اطلاعات درست کافی نیست، بلکه لازم است تا این اطلاعات به نحو صحیحی ارائه شوند. به همین دلیل، مسئولیت برداشت ناصحیح از اطلاعات ارائه‌شده نیز بر عهده بخش دولتی است.

نتیجه، این که رابطه بین آنبودزمان و بخش عمومی فقط حول محور حسابرسی نیست، بلکه آنبودزمان یک منبع جدید برای دستگاه‌های اجرایی است که خودش را به‌صورتی واقعی و سریع با تحولات منطبق می‌کند و حقوق اداری را با به‌وجود آوردن معانی جدیدی در خلال بازرسی و توصیه‌ها گسترش می‌دهد. هدف من نشان دادن چنین وظیفه‌ای از آنبودزمان بود.

علاوه بر این، آنبودزمان بنا بر وظیفه دومش که نظارت و ارائه پیشنهاد است، قادر شده تا در کنار سازمان‌های دولتی، وظیفه‌ی مدیریت ادراک را نیز به‌وجود آورد که این وظیفه خیلی زود پایدار شده و من سعی کردم ازطریق مثال‌هایی آن را توضیح دهم.

در این راستا، آنبودزمان به نظام حقوقی ملی در کوتاه‌مدت کمک کرده است. من حدس می‌زنم ما این دستاورد را مدیون میراث تاریخی نهاد آنبودزمان هستیم و نیز بر این باورم که آنبودزمان منابع بسیاری را برای عدالت اداری از منظر وظایف جدید و علمی فراهم کرده است و بنابراین تحرک را در این حوزه از قانون فراهم آورده است.

پرسش و پاسخ – جلسه سوم

رییس نشست

اجازه بدهید تا دوباره چند نکته ای را در مورد آنچه پرفسور گولان ارائه دادند بیان کنم. بدیهی است که این آخرین سخنرانی است و تقریباً تمام جنبه های آنچه یک آمبودزمان انجام می دهد را توضیح داده و به وضوح رابطه بین آمبودزمان و دولت را نشان می دهد. آقای گولان جنبه های اصلی این رابطه را که ناشی از تجربه های ایشان در ترکیه است برشمردند. نکته مهم این است که من می خواهم دوباره بر روابط کلی آمبودزمان و دولت تأکید کنم که چالش بزرگی برای آمبودزمان است و شما اشاره کردید که چگونه می توان دو جنبه جداگانه و مجزا از حاکمیت قانون را ترکیب کرد.

روشن است که هیچ آمبودزمانی نمی تواند بدون احترام به قانون عمل کند. قانون پایه و اساس کار آمبودزمان است؛ اما البته انتظار می رود که ماهیت نهاد بازرسی فراتر از قانون و اصول اداری باشد؛ چیزی که برخی از مردم از آن با عنوان «قانون نرم» نام می برند. من مایلم از آن اجتناب کنم، چون پیامدهایی دارد که برای من راضی کننده نیست؛ اما موضوع، اصول مدیریت خوب و دستگاه اجرایی است، اگر بتوانید بین قانون از یک طرف و عدالت از طرف دیگر تمایز قائل شوید، آنگاه درنهایت، انصاف، اساس آن چیزی است که آمبودزمان انجام می دهد. این نهاد نه تنها به اعمال قانون، بلکه به معرفی ابعاد مختلف عدالت نیز می پردازد که واژه ای است که ترجمه آن به زبان های مختلف مشکل است؛ اما باید به یاد داشته باشیم که از ترکیب دقیق این دو مفهوم است که می توان به درجه ای از موفقیت در مشروعیت و درنهایت اقتدار نهاد آمبودزمان در هر حوزه قانونی و قضایی رسید.

پرفسور گولان به مقاله‌ای درباره‌ی اهمیت میزان انطباق و این‌که چگونه ما کارآمدی آمبودزمان را ارزش‌گذاری کنیم اشاره کرد. روشن است که تطابق سیستم اداری با گزارش مربوطه مهم است اما ارزیابی کارآمدی آمبودزمان تنها با میزان پذیرفته شدن پیشنهادهایش نیست.

من فکر می‌کنم راه بهتری برای ثبت سابقه آنچه دولت با پیشنهادهای انجام می‌دهد وجود داشته باشد و آن صدور یک بیانیه سالانه از طرف دولت است که در آن گزارش شده باشد که دولت پیشنهادهای را پذیرفته است، به‌طوری‌که شما بتوانید شواهدی بسیار محکم از درجه انطباق از حوزه‌های مختلف را به‌دست آورید و قادر باشید بر آن اساس با دولت وارد مباحث هدفمند درباره‌ی حوزه‌هایی شوید که درواقع شما تعیین کرده‌اید و مدرک کافی همکاری و یا انطباق دولت وجود ندارد. البته چالش بزرگ برای آمبودزمان این است که چگونه کانال‌های ارتباطی با سیستم اداری را باز نگه دارد و چگونه قادر به قانع کردن آن‌ها به پذیرش پیشنهادهای می‌باشد. چالش بزرگی که کار آمبودزمان را هیجان‌انگیز می‌کند این نیست که به‌سادگی کار درست را انجام بدهیم و بعد به خانه برویم و استراحت کنیم؛ بلکه توانایی تعامل کردن با سیستم اداری و قدرت اقناع آن‌ها به این‌که می‌توانند راه متفاوتی را انتخاب کنند است و چنین روشی مخالفت دستگاه‌های اداری را سخت خواهد کرد. گرچه پیشنهادهای آمبودزمان الزام‌آور نیستند، اما من فکر می‌کنم درست از همین نقطه است که اقتدار اخلاقی آمبودزمان شروع می‌شود و این اقتدار اخلاقی است که باعث حمایت همیشگی از گزارش‌های آمبودزمان، نظارت بر حسن جریان امور و حفظ تعامل و باز نگه داشتن راه‌های ارتباطی و تلاش برای رعایت قانون از یک طرف و حفظ عدالت از سوی دیگر می‌شود و آقای گولان شما به تلاش‌هایی اشاره کردید که آمبودزمان برای ترویج راه‌حل‌های عملی انجام می‌دهد، اما راه‌حل عملی شامل ایده تلاش برای پیدا کردن راه‌حل‌های منصفانه نیز هست و این واقعیت که می‌تواند بر قانون برتری پیدا کند و شما درواقع به این موضوع به‌طور خلاصه اشاره کردید و این‌که تا چه حد می‌تواند در رابطه بین آمبودزمان و دستگاه‌های اداری مهم باشد.

پرسش: احمد تیجانی^۱ (آمبودزمان سودان)

من احمد تیجانی از آمبودزمان سودان هستیم. من سؤالم را با سخنرانی آمبودزمان اوکراین شروع می‌کنم. آن‌طور که من فهمیدم آیین دادرسی اوکراین بسیار به قانون و آیین دادرسی اروپا وابسته است. در صورتی که شما بین قوانین داخلی خودتان و آیین دادرسی دادگاه اروپایی دوگانگی و تضادی را ملاحظه کنید، کدام قانون مورد عمل قرار می‌گیرد؟

پاسخ: والرئ لو تکوفسکا (آمبودزمان اوکراین)

ممنون به خاطر سؤالتان. رویکرد قانون‌گذاری ما در زمینه‌ی حقوق بشر با استانداردهای اروپایی یکی است. همان‌طور که قبلاً گفتم آیین دادرسی کیفری که در سال ۲۰۱۲ اجرایی شد مطابقت کاملی با استانداردهای اروپایی در زمینه‌ی حقوق بشر دارد؛ اما حالا که ما در دو فضای حقوقی به‌سر می‌بریم هم دادگاه‌های قدیم و هم جدید می‌توانند از قوانین مرتبط در زمینه‌ی موارد به هم وابسته استفاده کنند. آیین دادرسی کیفری قدیمی ایده آل نبود و اگر موردی در این زمینه مطرح شود مربوط به ۶ سال پیش یا بیشتر است و این شرایط طبیعی است و آمبودزمان نمی‌تواند در روند دادگاه دخالت کند. من فقط می‌توانم در چنین مواردی به رییس دادگاه موارد قانونی دادگاه حقوق بشر اروپایی را یادآوری کنم و توصیه‌هایی را ارائه دهم. در غیر این‌صورت ممکن است پرونده جدیدی در دادگاه حقوق بشر اروپایی باز شود و حکمی علیه اوکراین داده شود که حق فردی در موضوعی در مدت‌زمان برگزاری دادگاه رعایت نشده است. ممکن است بررسی موردی در دادگاه برای تعیین گناهکاری یا عدم گناهکاری فردی بسیار طولانی باشد، به عنوان مثال به حضور شاهدان یا وکلای مدافع زیادی نیاز باشد؛ در این‌صورت رییس دادگاه می‌تواند برای من وضعیت را توضیح دهد. پنج سال برای چنین موردی می‌تواند زمان معقولی باشد. اگر لزومی به تسریع در روند برگزاری دادگاه مشاهده شود من می‌توانم توصیه‌ای را در این رابطه برای رییس دادگاه بفرستم.

پرسش: سیات کرکمز^۱ (آمبودزمان ترکیه)

سلام، من سیات کرکمز از آمبودزمان ترکیه هستم. من سؤالی از آقای تیندال از آمبودزمان ایرلند دارم. هنگامی که من در حال مرور وب‌سایت آمبودزمان شما بودم برای ملاحظه دیدگاه‌های شما در مورد اعضای اکس آفیشیو، نموداری در آن نظرم را جلب کرد. هنگامی که تشخیص داده شد که تعداد شکایت‌های افراد مسن در مورد خدمات بیمارستان‌های دولتی کاهش یافته است، آمبودزمان ایرلند شروع به بررسی یک عضو دارای سمت کرده است و اگر خوب به خاطر داشته باشم، من حدس می‌زنم از روش‌های مختلفی برای این بررسی استفاده شده است. با نظر به این مورد، با چه شرایطی و با چه روشی آمبودزمان بررسی یک عضو دارای سمت را انجام می‌دهد؟

پاسخ: پیتیر تیندال (آمبودزمان ایرلند)

ممنونم از سؤالی که مطرح کردید. به نظرم تعداد شکایت‌ها که از بخش سلامت عمومی ایرلند دریافت شده است بسیار پایین‌تر از آمبودزمان‌های دیگر باشد؛ و خیلی مشکل است که بخواهیم به صورت مقایسه‌ای به مسأله نگاه کنیم. این که چرا مردم شکایت نکرده‌اند ممکن است به این دلیل باشد که آن‌ها نشانه‌ای از اعتراض خود را به دفتر ما ارسال نکرده‌اند و یا ممکن است برای آن‌ها دیگر توانی برای پیگیری باقی نمانده باشد و ما نیاز داریم که فن‌های مختلفی را به کار ببریم. برای همین است که در روزنامه تبلیغات می‌کنیم و من در تلویزیون یا رادیو مصاحبه می‌کنم و مردم را دعوت می‌کنم تا با ما درباره‌ی تجربه-هایشان یا شکایتشان از سیستم سلامت عمومی صحبت کنند.

هنگامی که ما اطلاعات لازم را از اعضای جامعه گرفتیم، چند گروه ویژه را تشکیل دادیم تا مسائل را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم. ما همچنین به شکایت‌هایی که دریافت کردیم نگاه کردیم تا ببینیم چگونه در بخش سلامت عمومی با شکایت‌ها برخورد شده است که ممکن است موجب به وجود آمدن مشکلی شده باشد و سپس یک نظرسنجی را برای هر

بیمارستان عمومی در ایرلند فرستادیم تا آن‌ها به ما بگویند چگونه به شکایت‌ها رسیدگی می‌کنند. ما همچنین از ۷ بیمارستان در ایرلند بازدید کردیم، انواع مختلفی از بیمارستان‌ها، جایی که ما فایل‌های شکایت‌ها را مورد بررسی قرار دادیم، با مردم مصاحبه کردیم و بررسی کردیم که آیا برای مثال پوستر یا بروشورهایی برای این که مردم را راهنمایی کند و چگونه شکایت کنند وجود دارد یا خیر. به عنوان یک مخاطب به وبسایت‌ها مراجعه کردیم تا بررسی کنیم که چگونه می‌توان در مورد خدمات سلامت و پزشکی شکایت کرد و در نهایت نتیجه‌گیری و جمع‌بندی کرده و به ارائه پیشنهادهایی پرداختیم. همچنین ما رئیس خدمات پزشکی مربوطه را برای گفت‌وگو دعوت و با او درباره‌ی گزارش آمبودزمان گفت‌وگو کردیم تا تعهد سازمان آن‌ها را برای اجرای توصیه‌ها کسب کنیم.

موضوعی را که ما متوجه شدیم این بود که مردم از ارائه شکایت می‌ترسیدند، چراکه فکر می‌کردند که اگر شکایت کنند ممکن است از خدمات بیشتری محروم شوند و درواقع ما به مواردی برخوردیم که مردم به خاطر ارائه شکایت توسط کارمندان مورد انتقاد قرار گرفته بودند؛ بنابراین ما متعهد بودیم تا به صورتی دقیق و با جزئیات توصیه‌هایی را برای تغییر وضعیت ارائه دهیم و البته از بخش سلامت نیز خواستیم که یک برنامه اقدام برای به وجود آوردن این تغییرات تولید کند. آن‌ها مجبور به معرفی برگه‌های جدید شکایت شدند و سیستم جدیدی را برای دریافت شکایت پایه‌گذاری کردند و ما به آن‌ها اطلاع دادیم که بعد از یک سال، بازرسی خود را برای اطمینان از اجرای مناسب توصیه‌ها تکرار می‌کنیم؛ بنابراین من فکر می‌کنم که ما تغییر بزرگی را در کل فرهنگ برخورد با شکایت‌ها به وجود آوردیم. ما حالا دفتر شکایت دقیقاً تعریف شده‌ای برای هر بیمارستان در ایرلند داریم. قبلاً این کار وظیفه‌ای در کنار مأموریت‌های دیگر بود. ما برگه‌ها و پوسترها و بروشورهایی را در معرض دید قرار داده‌ایم. ما متون استاندارد را در وبسایت‌ها قرار داده‌ایم که به مردم می‌گویند که آن‌ها حق آمدن به دفتر ما را دارند؛ بنابراین آن‌یک تجربه جالب بود.

من فقط می‌خواهم یک نکته دیگر را بیان کنم و آن این که بررسی‌های اعضای دارای

سمت می‌تواند بسیار زیاد باشد، اگر شما داخل آن شوید، باید از منابع زیادی استفاده کنید. در دفتر من، هیچ تفاوتی بین اشخاص نیست. ما منابع خیلی زیادی نداریم؛ بنابراین مجبوریم در انتخاب موضوع برای بررسی‌های اعضای دارای سمت دقت زیادی کنیم؛ اما آنچه ما مشاهده می‌کردیم این بود که مردم به دلیل شرایط خود بسیار به خدمات عمومی وابسته بودند و ممکن بود این موضوع، شکایت کردن را مشکل کند؛ بنابراین ما باید از قدرتمان به نحوی استفاده کنیم که ما را به مکان‌هایی ببرد که شکایت‌ها به دست ما نمی‌رسد. متشکرم

رییس نشست

ممنونم از شما پیتر. لحظاتی به من اجازه بدهید تا چند نکته را عرض کنم. او در مورد تغییر فرهنگ صحبت کرد، تغییر فرهنگ اداری؛ و ما در مورد یک جنبه مهم شغل بازرسی صحبت کردیم و آن ترویج بهترین اقدام است. بهترین اقدام درواقع بررسی اقدام‌های دستگاه‌های اداری و ارائه یک پیشنهاد برای تغییر رویکرد و گفتن این مطلب است که ما برای بررسی، مجدداً بر خواهیم گشت که بهترین اقدام و اجرای کنترل در یک مسیر قابل پیش‌بینی است.

آقای نیهات عمر اوغلو (رییس آمبودزمان ترکیه)

قبل از هر چیزی از رییس نشست و دوستم آقای نیکی فوروس برای شرکت در این همایش تشکر می‌کنم. آقای نیکی فوروس در کار قانون‌گذاری قبل و بعد از نگارش دستورالعمل مشارکت داشته‌اند و در طی سه سال گذشته مشغول بهترین تلاش‌ها و ازجمله تشکیل این همایش بوده است. در حضور شما من مایلیم تا تشکرم را از صمیم قلب به ایشان تقدیم کنم.

من مطمئنم که آقای دیامندروس به خاطر خواهند آورد که در سال ۲۰۱۳ هنگامی که ایشان را در استراسبورگ دیدم، ایشان حمایت خود را اعلام کرد و علاقه زیادی نشان داد.

بعد از آن جنبه قضایی مطرح شد. همان‌طور که لوتکوفسکا گفتند من عقیده‌ام را در مورد «مداخله در فرآیند دادگاه» بیان کردم. او به‌عنوان یک دانشمند علوم سیاسی به من گفت که من شجاع هستم و من گفتم: «چیزی وجود ندارد که قوه قضاییه از آن بترسد و ما همه به قانون احترام می‌گذاریم» بنابراین ما چنین داستانی داشتیم و روی آن کار کردیم. من یک مطالعه ویژه داشتم و آن را به‌عنوان یک کتاب چاپ کردم که یک کپی از آن را خدمت شما ارائه خواهم داد. ما دیدگاه‌ها را از سراسر جهان شامل اعضای دادگاه‌ها، کانون‌های وکلا و دوستان جمع‌آوری کردیم.

در نهایت به‌جز یکی از دوستان همگی به توافق رسیدیم. تمهیدات قانونی مرتبط می‌گوید که: «چنین تمهیدی در قانون وجود ندارد که به وسیله دادگاه قانون اساسی لغو شده باشد». با این حال هنوز چهار خط قرمز برای آموذمان ترکیه وجود دارد که نمی‌تواند آن را اداره کند. براساس قانون شماره ۶۳۲۸ به تاریخ ۲۳ جون ۲۰۱۲ گفته شده: تصمیمی است که مقام صلاحیت‌دار قضایی باید به کار ببرد. من فکر می‌کنم این موضوع محدودیت‌های دارد. «تصمیمی که مقام صلاحیت‌دار قضایی باید به کار ببرد» این چه معنی می‌دهد؟ نهاد آموذمان ممکن است در فرآیند دادگاه مداخله کند. لوتکوفسکا از منظر خودش افقی را برای ما باز کرد. ممنونم به خاطر آن. این دخالت در سیستم قضایی نیست. همان‌طور که می‌توانید ببینید آموذمان به‌عنوان یک ناظر در دادگاه شرکت می‌کند. در قانون ما هیچ اعطای موقعیت ناظری وجود ندارد و البته هیچ محدودیت قانونی هم برای انجام دادن آن وجود ندارد. ما در دادگاه مانند یک NGO شرکت می‌کنیم. قانون تشکیل آموذمان ما می‌گوید آموذمان ترکیه باید نگرش و رفتار کارمندان دولت را بررسی کند. اگر شکایتی وجود داشته باشد و قاضی بر سر یک شهروند بدون دلیل فریاد بزند و یا چیزی را به طرف او پرتاب کند یا به او ناسزا بگوید با استفاده از قدرت‌های قضایی نمی‌توان کاری کرد. چنین رفتارهای اشتباهی در گذشته به کار رفته است. چنین رفتارهایی نادر هستند، اما گاهی اتفاق می‌افتند یا یک قاضی حقوق یک شهروند را برای دفاع از خودش محدود می‌کند که این به

معنی نقض اساسی حقوق بشر است. من فکر می‌کنم نظارت و شناسایی چنین چیزهایی و گزارش آن به یک سازمان نهایی مرتبط به معنی مداخله در قدرت‌های قضایی نیست.

اجازه بدهید یک مثال ویژه دیگر بزنم. اگر فرآیند رسیدگی پایان یافته باشد، براساس آیین دادرسی، یک حکم باید در عرض ۱۵ روز صادر شود. اخیراً مجلس ترکیه قانونی را در این رابطه تصویب کرد. برای مثال اگر بعد از ۸ ماه قاضی حکمی را صادر نکند، مظنونان در بازداشت می‌مانند. آمبودزمان ممکن است در چنین موردی دخالت کند. به نظر من عدم موفقیت در صدور یک حکم در عرض ۸ ماه ربطی به قدرت‌های قضایی ندارد. در این معنا، سخن از مواردی از منافع عمومی گسترده‌تر است که یا توسط رسانه‌ها پوشش داده می‌شود و یا در آن زمینه شکایتی وجود دارد و آمبودزمان می‌تواند دخالت کند. به این دلیل است که من از آمبودزمان اوکراین برای طرح این موضوع تشکر می‌کنم.

پرسش: با اجازه شما، مایلم چند سؤال را بپرسم. یکی از آن‌ها مربوط به آقای تیندال از ایرلند است. در مورد توصیه‌ها این وظیفه‌ای است که به گردن دولت می‌افتد یا این که من اشتباه فهمیده‌ام؟ هرکسی هست موضوع شکایت اداره مالیات، وزارت امور اقتصادی یا نهادهای مربوطه باید توصیه‌های آمبودزمان را اجرا کنند. البته در پایان ممکن است تمامی گزارش‌ها در هیأت دولت مطرح شوند، اما دستگاه اجرایی مربوطه است که باید توصیه‌ها را اجرا کند. آیا فقط دولت طرف صحبت شماست؟

آیا شما گفتید که بازرسی در عرض سه ماه کامل می‌شود یا آن مربوط به ایران بود. من آن را به دقت یاد نمی‌دارم. می‌خواهم آن را بپرسم. از طرف دیگر من سؤالی از آقای سراج از آمبودزمان ایران دارم. اگر اشتباه نکنم شما گفتید که تصمیم‌های شما می‌تواند به دادگاه تجدیدنظر برود.

دوم آن که شما گفتید که به وزارت دادگستری گزارش می‌دهید. در نهایت وزارت دادگستری یک نهاد سیاسی است. آیا این موضوع استقلال و بی‌طرفی شما را در معرض خطر قرار نمی‌دهد؟ آیا مداخله‌ای صورت نمی‌گیرد؟ این برای ما بسیار مهم است. ناظران

آمبوزمان حق بررسی وضعیت حقوق بشر و نظارتی فراگیر را دارند. از آنجایی که آمبوزمان ایران بسیار قدیمی است، آیا بودجه شما مستقل است؟ به عنوان نتیجه‌گیری اگر شما وابسته به قوه مجریه هستید آیا در صورت انتقاد جدی از دستگاه‌های اجرایی، آیا نگرانی در مورد اختصاص بودجه خود نخواهید داشت؟

پاسخ: پیتر تیندال (آمبوزمان ایرلند)

من می‌خواهم در مورد این موضوع صحبت کنم که روابط ما با مجلس چگونه باعث خواهد شد تا ما از اجرای پیشنهادهايمان توسط دولت اطمینان پیدا کنیم. تجربه‌ای که ما در این زمینه داریم خوب است. اغلب بخش‌های دولتی، خود را با این توصیه‌ها انطباق می‌دهند و بیشتر مواقع ما مشکل کمی داریم و همان‌طور که قبلاً هم گفتم در کل تاریخ آمبوزمان، ما فقط چهار مورد بوده است که بخش‌های دولتی در ابتدا توصیه آمبوزمان را رد کرده‌اند. یکی از آن‌ها حل شد، دوتای دیگر در مسیر حل شدن هستند و مورد چهارم هم فکر می‌کنم که مجبوریم به عنوان یک تجربه قلمداد کنیم. معتقدم نکته‌ای که آقای نیکی فوروس در مورد میزان انطباق بیان کرد واقعاً مهم است و واقعیت آن است که موافقت ظاهری با آنچه شما انجام آن را خواسته‌اید به معنای این نیست که نهایتاً آن کار انجام شود و یا به دقت انجام شود و باید همواره این نکته را در نظر داشت که یک پرونده با ارائه یک پیشنهاد و یا نگارش نتیجه بسته نخواهد شد، بلکه همواره باید یک نگاه هم به این موضوع داشت که آیا آنچه خواسته شده به دقت مورد اجرا قرار می‌گیرد یا خیر و زمانی یک پرونده خاتمه یافته تلقی می‌شود که پیشنهاد اجرا شده باشد؛ بنابراین فکر می‌کنم موضوع انطباق بسیار مهم است. ما تقریباً با موردی که پاسخ منفی باشد روبه‌رو نشده‌ایم، البته گاهی موضوع در مورد مقدار زیادی پول است که به دلیل شرایط اقتصادی ممکن است با کمی مشکل یا تأخیر در اجرا مواجه باشیم که در این موارد بحث و تعامل‌هایی با دولت برای انجام آن صورت می‌گیرد.

والریا لوتکوفسکا (آمبودزمان اوکراین)

فقط چند کلمه، خیلی تشکر می‌کنم از ریاست آمبودزمان برای تحلیلی که از سخنرانی من داشتید. من فکر می‌کنم خیلی مهم است که دو موضوع را به‌طور وسیع‌تری موردتوجه قرار دهیم که یکی استقلال دستگاه قضایی برای یک قضاوت درست و دیگری الزام‌های ما برای حفظ حقوق بشر حتی در فضای دادگاه است؛ بنابراین خیلی مهم است که بتوانیم تأثیرهایی بر قضاوت داشته باشیم، در صورتی که بتوانیم یک موضوع نقض حقوق بشر را حل کنیم.

پاسخ: قاضی ناصر سراج (آمبودزمان ایران)

بله شکایت‌ها از طریق تلفن، وب‌سایت یا به‌وسیله حضور شخص در سازمان بازرسی کل کشور دریافت می‌شوند. اگر مرتبط با یک موضوع مجرمانه باشد به دادگاه ارسال می‌شود و قاضی مجبور است که پاسخ بدهد و حکم را در مدت سه ماه صادر کند و براساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی، سازمان بازرسی مسئول اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور است و گزارش‌هایی که ممکن است نشان‌دهنده سهل‌انگاری و یا یک تصمیم اشتباه دستگاه دولتی باشد به هیأت تخلفات اداری فرستاده می‌شود و در غیر این صورت رد می‌شود. سهل‌انگاری اداری ممکن است در هیأت تخلفات اداری رد شود و یا ممکن است مجازاتی متناسب با آن تخلف اعمال شود. قضات در ایران بسیار مستقل هستند و هیچ مقام رسمی یا غیررسمی حق دخالت در تصمیم قاضی را ندارد؛ اما در پاسخ به سؤال چهارم؛ قاضی حق ورود به مسائل سیاسی را ندارد و براساس قانون روشن است که اگر قاضی تصمیمی سیاسی بگیرد از طرف دستگاه اجرایی دولتی پذیرفته نمی‌شود. متشکرم

پرسش: آلمدی نیسارازه^۱ (آمبودزمان بوسنی هرزگوین)

اسم من آلمدی نیسارازه از آمبودزمان بوسنی هرزگوین هستم. از برگزاری این نشست تشکر می‌کنم و یک سؤال از پیترو دارم. شما بیان کردید که مجلس بهترین متحد آمبودزمان

محسوب می‌شود. من مایلیم دیدگاه شما را در مورد زمانی که آمبودزمان گزارش سالانه خود را برای تصویب به مجلس می‌دهد بدانم؛ همان طور که می‌دانید بسیاری از کشورها هنوز چنین اقدامی را انجام می‌دهند. براساس نظر شما آیا این اقدام را می‌توان در راستای تقویت آمبودزمان به حساب آورد یا با تأثیر قرار دادن استقلال آن؟ آیا این اقدام دادن نوعی قدرت به پیشنهادهای آمبودزمان است و یا ابزاری برای عمل کردن به جای آمبودزمان؟ بنابراین، من واقعاً کنجکاوم تا نظر شما را بدانم. خیلی ممنونم

پاسخ: پیتر تیندال (آمبودزمان ایرلند)

من نقش آمبودزمان را به عنوان یک مأمور مجلس می‌بینم و البته کشورهای مختلف دارای آمبودزمان‌ها و تجارب متفاوتی هستند. هیچ ادعایی در مورد این که اگر چیزی درجایی به خوبی کار کرد، لزوماً در جای دیگری هم خوب کار خواهد کند، وجود ندارد. اگر روابط بین مجلس و آمبودزمان خوب نباشد، ارائه گزارش سالانه می‌تواند وضعیت سخت و مشکلی را به وجود بیاورد. تجربه ما راه مناسبی برای مطرح کردن کار آمبودزمان است که باعث جلب توجه سیاسی و جلب توجه رسانه‌ها می‌شود. هنگامی که گزارش در جلسه عمومی مجلس ارائه شده بود، فرصت کمی برای آمبودزمان برای گفت‌وگو فراهم بود؛ بنابراین من فکر می‌کنم جایی که ما فرصت بحث در مورد گزارش سالانه را داریم در کمیته مجلس است که وظیفه‌اش پاسخ‌گو نگه داشتن دولت می‌باشد و برای ما بسیار ارزشمند است. چنین کاری را من در زمان بازگشتم به ایرلند انجام خواهم داد، چراکه ما یک جلسه برنامه‌ریزی شده با کمیته داریم که در مورد گزارش سالانه است و آن‌ها علاقه‌مند به بحث در مورد چگونگی به کارگیری آن برای بهبود خدمات عمومی هستند. بنابراین من فکر می‌کنم آن بسیار باارزش است؛ اما اگر مجلس بنا بر ضرورتی گزارش را تصویب نکند می‌تواند یک سلاح در دست مجلس باشد و می‌تواند برای آمبودزمان شرایط سختی محسوب شود.

من فکر می‌کنم ما به عنوان یک نهاد اجتماعی که وظیفه‌ای دارد می‌توانیم مجالس را برای احترام گذاشتن به قانون آمبودزمان زیر فشار قرار بدهیم. ما یک بحث داغ با مجلس

داشتیم که در آن چند تن از نمایندگان مجلس با زبانی بسیار نامناسب در مورد گزارش آمبودزمان صحبت کردند؛ بنابراین تا زمانی که روابط ما با مجلس خوب است، می‌تواند بسیار مفید باشد؛ ولی از سوی دیگر می‌تواند علیه ما نیز مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش: کمال اونن

من یک سؤال از پرفسور گولان دارم. شما به تحول و تغییر جنبه‌های ادارات عمومی اشاره کردید. با پیشنهادها و احکام آمبودزمان و سیستم قضایی، آیا شانس تأثیر احکام وجود دارد، این موقعیت را در آینده چگونه می‌بینید؟ متشکرم

پاسخ: پرفسور گولان

خیلی مهم است که یک پرونده موردی منسجم را آماده کنیم تا دادگاه اداری بتواند به قضاوت بهتری برسد؛ بنابراین اگر آمبودزمان بتواند یک دادرسی اداری را بررسی کند، دادگاه‌های اداری به نحو جامع‌تری می‌توانند به موضوع رسیدگی کنند؛ بنابراین می‌تواند اثر مثبت و عمیق‌تری داشته باشد.

پرسش: آمبودزمان نیجر

ممنونم. من عضو نهاد آمبودزمان نیجر هستم. البته من مایلیم ابتدا به همه برگزارکنندگان این همایش تبریک بگوییم. من یک سؤال دارم، ولی مایلیم قبل از آن یک توضیح خیلی مختصر بدهم. عموماً در منطقه من ما با دو مشکل روبه‌رو هستیم: اولی انطباق پیشنهادها و این که چگونه بتوانیم مطمئن شویم که ادارات پاسخ مناسبی به پیشنهادها می‌دهند؟ این موضوع به خوبی در نشست مورد بحث قرار گرفت. روابط با مجلس هم بسیار مهم است. همان‌طور که می‌دانید مجلس قوانین را تصویب می‌کند و بر دولت نظارت دارد؛ بنابراین روابط بین مجلس و آمبودزمان می‌تواند به عنوان یک ابزار به کار رود؛ و به همین ترتیب مخالفان نیز می‌توانند برخی از کنترل‌ها را انجام بدهند و به این ترتیب است که ما می‌توانیم از اجرای پیشنهادها مطمئن شویم. سؤالی که من می‌خواهم بپرسم در

مورد استقلال بودجه است. این توصیه‌ها و این اجرای پیشنهادهای بر بودجه تأثیرگذار هستند و بودجه مستقل مهم است و من مایلم بیرسم آیا می‌توان بودجه مستقل به وجود آورد. در کشور من این موضوع بسیار مشکل است. ما مثل بقیه سازمان‌ها بودجه معینی داریم که استقلال ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنگامی که شما در مورد بودجه مستقل صحبت می‌کنید چگونه این کار را انجام می‌دهید؟ من این سؤال را از همه دارم.

پاسخ: پیتیر تیندال (آمبودزمان ایرلند)

در مورد استقلال بودجه، در سال‌های اولیه تشکیل دفتر آمبودزمان، آمبودزمان تصمیمی گرفت که چندان موردقبول دولت وقت نبود و دولت، بودجه آمبودزمان را به نصف کاهش داد. این موضوع در رسانه‌ها مطرح شد. هرروز در رادیو و تلویزیون در مورد این رفتار دولت بحث صورت گرفت و دولت درنهایت مجبور به گرفتن تصمیم درست شد. از آن زمان هیچ تهدیدی برای بودجه دفتر پیش نیامده است. البته ما هم مانند بقیه نهادها در زمان‌هایی که با کاهش بودجه مواجه بوده‌ایم، لحظه‌های سختی را طی کرده‌ایم که البته به خاطر پیشنهادهای ما به دولت نبوده، بلکه فقط به سادگی ناشی از وضعیت عمومی اقتصادی بوده است؛ اما به نظر من اگر شما بتوانید وضعیتی را به وجود آورید که در آن کمیته‌ای از مجلس، به جای وزارت امور مالی مسئول تعیین بودجه باشد، مثل بسیاری از دفاتر آمبودزمانی دیگر، به نظرم این شانس بیشتری را به شما برای تحت تأثیر قرار نگرفتن بودجه در زمان انتقادهای جدی از دولت می‌دهد.

پرسش: ساسیت آدالی^۱

من یک سؤال از همه سخنرانان دارم، اما مخاطب اصلی من خانم والریا لوتکوفسکا است. پیشنهادهای، بحث‌ها، گزارش‌های سالانه همگی تشکیل‌دهنده یک مرحله هستند، اما باید یک نتیجه نهایی دیگری مورد انتظار باشد؛ یعنی درنهایت باید بتوانند تغییر یا تحولی در

ادارات عمومی ایجاد کنند؟ آمبودزمان چه اقدام‌هایی را می‌تواند در زمینه‌ی قانون‌گذاری، رویه‌ها، رفتارها، اصول و رویکردها انجام دهد؟ شما مجبورید چه فعالیت‌هایی برای بهبود کشورتان در این زمینه انجام دهید؟

پاسخ: والرئ لوتکوفسکا (آمبودزمان اوکراین)

خیلی ممنون. ما برنامه‌های کاربردی زیادی داریم که برخی از آن‌ها به مشکلات دستگاهی می‌پردازند. مشکلات دستگاهی در گزارش‌های سالانه برجسته می‌شوند و پیشنهادهای منسجمی درباره‌ی آن‌ها ارائه می‌گردد. این که چطور وضعیت با قانون‌گذاری می‌تواند بهتر شود، به این دلیل است که مجلس قدرت قانون‌گذاری است؛ بنابراین برخی مشکلات دستگاهی در ارتباط با بهبود وضعیت قانونی هستند؛ اما برخی از پیشنهادها خیلی جزئی، مشخص و ملموس می‌باشند. من این پیشنهادهای مشخص را در گزارش سالانه نمی‌آورم؛ چون این گزارش وضعیت کلی حقوق بشر را نشان می‌دهد. اکنون من می‌توانم بگویم که در حال حاضر وضعیت سرعت رسیدگی به پرونده‌های کیفری در اوکراین در مقایسه با دادگاه حقوق بشر اروپایی اندکی بهتر است. در حال حاضر پرونده‌های کمی در ارتباط با اوکراین در مرحله رسیدگی وجود دارد و بنابراین نتایج مشخص و ملموسی داریم.

پرسش: احمد تیجانی (آمبودزمان سودان)

بسیار سپاسگزارم. سؤال من از آقای پیتر از آمبودزمان ایرلند است. حالا من می‌خواهم روی آخرین موضوع در سخنرانی ایشان تأکید کنم که درباره‌ی رد پیشنهاد آمبودزمان درباره‌ی مالیات بود. این موضوع مرا به یاد همایشی که در کنیا در فوریه گذشته درباره‌ی عناصر لازم‌الاجرای آمبودزمان برگزار شد انداخت. آیا پیشنهادها الزام‌آور برای دستگاه اجرایی هم الزام‌آور است؟ حقوق عمومی بیان می‌دارد که این پیشنهادها الزام‌آور نیستند؛ اما در اینجا خطایی وجود دارد که مایلیم توجه دوستان را به آن جلب کنم. خطا از آنجا ناشی می‌شود که گفتید آخرین تصمیم دادگاه عالی انگلستان اشاره به این واقعیت دارد که

حوزه‌هایی هستند که پیشنهاد آمبودزمان می‌تواند الزام‌آور یا دستوری باشد. اینجا جایی است که پرسش‌های مربوط به بیمه و مالیات واردات مطرح می‌شود. من فکر می‌کنم این خطا مسیر را برای نتیجه‌گیری از این مجادله که آیا پیشنهاد آمبودزمان الزام‌آور است یا نه هموار می‌کند. خوشبختانه در سودان براساس ماده ۷ قانون آمبودزمان که مورد اصلاح قرار گرفته است، پیشنهاد آمبودزمان الزام‌آور شده است.

پاسخ: پیتر تیندال (آمبودزمان ایرلند)

موضوع‌های بسیار زیادی در مورد آمبودزمان وجود دارد و من فکر می‌کنم آمبودزمانی که شمار زیادی از پیشنهادهایش اجرا نشده است وسوسه داشتن قدرت الزام‌آور باید برایش بسیار بالا باشد. من به صورت جداگانه مسئول گروه اطلاعات ایرلند و بنابراین مسئول آزادی اطلاعات هستم؛ و تصمیم‌هایم در مورد آزادی اطلاعات الزام‌آور می‌باشند. آن‌ها در قانون فقط برای یک درخواست تجدیدنظر در دادگاه عالی الزام‌آورند. در طول یک سال من پنج الی شش بار در دادگاه عالی برای تصمیم‌هایم حضور داشته‌ام، چون تصمیم‌های من الزام‌آور هستند. تصمیم‌های من در جایگاه آمبودزمان همیشه به اجرا درآمده‌اند؛ بنابراین فکر می‌کنم این بحث در این مورد مشکل است و کسی که در پی قدرت‌های الزام‌آور است مشخص است که در عمل دارای مشکلات بیشتری است. در یک دموکراسی که به‌خوبی کار می‌کند، آمبودزمان دارای قدرت مجلس است که تصمیم‌های آمبودزمان را برای اجرا شدن تضمین می‌کند. برخی اوقات، تصمیم آمبودزمان، در موردی که آقای نیکی فوروس در قضیه آن آبراهام به آن اشاره کردند، ممکن است میلیون‌ها پوند برای دولت هزینه داشته باشد. من فکر می‌کنم اغلب مردم خواهند گفت که آیا دولت باید قادر به تصمیم‌گیری با این شرایط برای اجرای آن باشد یا نه؛ اما مجلس باید قادر باشد که دولت را در مورد تصمیمی که می‌گیرد پاسخ‌گو نگه دارد؛ بنابراین عموماً من بر این باورم که الزام‌آور نبودن تصمیم‌ها چیز خوبی است و همچنین ما را تشویق می‌کند تا بسیاری از موارد را بدون گرفتن تصمیم‌های

رسمی حل و فصل کنیم که به نظر من هنگامی که با کار دادگاه‌ها مقایسه می‌شود بزرگ‌ترین قدرت برای نهاد آمبودزمان است. متشکرم

رییس نشست

اجازه می‌خواهم به صورت خیلی خلاصه چند نکته‌ای را اضافه کنم. موضوع مهمی را مطرح کردید و پیتر گفت که در یک دموکراسی سالم، تعادل میان قوا یک جنبه مهمی است که وجود دارد. نظر من این است که داشتن تصمیم‌های الزام‌آور آغاز راه است، به این دلیل که تمایز اساسی بین یک آمبودزمان و دادگاه وجود دارد که تصمیم‌های آن الزام‌آور است. اگر آمبودزمان قادر به صدور تصمیم‌های الزام‌آور باشد، تفکیک میان دادگاه و آمبودزمان بسیار مشکل می‌شود. به نفع آمبودزمان نیست که شرایط مشابه دادگاه را داشته باشد، چراکه دادگاه‌ها نهایی‌ترین مرجع حاکمیت قانون هستند و چه اتفاقی می‌افتد اگر دادگاه یک تصمیم الزام‌آور در موضوعی بگیرد و آمبودزمان تصمیم الزام‌آور دیگری در آن مورد بگیرد؟ بنابراین من فکر می‌کنم به دلیل حاکمیت قانون و موازنه قوا که در قانون اساسی آمده است باید از این که تصمیم‌های آمبودزمان الزام‌آور شوند اجتناب کرد. متشکرم.

پرسش: آمبودزمان رومانی

این موضوع بسیار مهمی است چون مربوط به اساس استقلال ماست و شما می‌دانید که نمی‌توان در دادگاه‌ها دخالت کرد و من می‌خواهم درباره‌ی تجربه کشورم صحبت کنم که این دخالت به ورای محدودیت‌ها می‌رود و مسائل مهمی وجود دارد که در دادگاه مطرح می‌شود و ما دخالت می‌کنیم. من مایلیم سؤال را در مورد چنین موضوعی مطرح کنم. آیا ما استقلال قوه قضاییه را تحت تأثیر قرار داده‌ایم یا نه؟

پاسخ: پرفسور آیدین گولان:

بحث در مورد توصیه‌های آمبودزمان و دادگاه در طول زمان با احکام جدید حل خواهد

شد. من فکر می‌کنم این موضوعی است که با سازوکار قانونی حل نمی‌شود. تصمیم آمبودزمان تعیین‌کننده محدوده قضاوت است که این به معنی دخالت در قدرت قضایی نیست. آمبودزمان کنش و واکنش‌های دستگاه اداری را در مواجهه با پیشنهادهای آمبودزمان ارزیابی می‌کند؛ بنابراین این حوزه باید نسبت به قدرت قضایی روشن شود. راه‌حل نهایی این مجادله همگرایی و تعامل آمبودزمان و دادگاه است. یک موضوع ممکن است به وسیله دادگاه و موضوع دیگری به وسیله آمبودزمان حل شود. نکته‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از موضوع‌های درهم‌تنیده با وظایف هر دو نهاد است. به جای قانون‌گذاری در این زمینه باید با استفاده از اصل انصاف و عمل‌گرایی این مسیر را مشخص کرد.

